

## طبقه کارگر باید گرایش راست سندیکالیستی را به حاشیه براند!

### محمد مزرعه کار

دبیر سابق سندیکای خطوط لوله و مخابرات شرکت نفت ری و تهران، کیومرث شهنی، در مصاحبه ای به نکاتی درباره تجارب خود و سندیکایشان اشاره میکند. این مصاحبه برای شناخت کارگران و فعالین کارگری در این دوره از مبارزات جنبش کارگری نکات آموزنده ای در بر دارد، زیرا در یک مقطع معین نشان میدهد که عملکردهای این گرایش راست و سازشکار چگونه مانع پیشروی کارگران و به بند کشاندن قدرت اتحاد طبقاتی آنان در مقابل سرمایه داران میشود. نسل جدید و جوان کارگران سوسیالیست، رادیکال و شورائی باید توجه خویش را به نقاط ضعف و دستاوردهای جنبش شورائی در انقلاب ۵۷ بویژه در صنایع نفت، گاز و پتروشیمی متمرکز کنند و اکیدا از بکار بستن تجارب تلخ و مضر این گرایش راست سندیکالیست در دوران انقلاب ۵۷ تا امروز خودداری نمایند.

کیومرث شهنی در مصاحبه اش می گوید: "طبق قانونی که در صنعت نفت بود ما فقط حق داشتیم هفته ای یک روز مشکلات کارگران را جمع آوری و با رؤسای شرکت در میان بگذاریم. این مسئله دست و پای ما را در شرکت نفت کاملاً بسته بود و به مشکلات صدها کارگر نمی توانستیم برسیم." طبق کدام قانون؟ چرا باید مبارزه طبقه کارگر از چهارچوب قانون ضدکارگری و تبعیض آمیز شرکت نفت فراتر نرود؟ چرا باید قانونی را که استثمار و بردگی کار مزدی برای آن مقدس است، مبنای فعالیت شما باشد؟ اگر قانونی را که رؤسای صنعت نفت تدوین کرده اند و بصورت کتاب "مجموع مقررات پرسنلی کارگران در صنعت نفت" در آورده اند که طبق گفته کیومرث شهنی دست و پا را در شرکت

حسن نزیه وزیر نفت دولت خمینی - بازرگان دست نوازش روی سرشان می کشد. دبیر سابق سندیکا می گوید: "خوشبختانه بعد از انقلاب و با تأیید آقای نزیه، دبیر و مسئولان سندیکا از کار معاف شدند و فقط به کار سندیکا می پرداختند و اجازه داشتیم که دفتری بنام دبیرخانه در محل کارمان ایجاد نمائیم. و این عمل ارزش سندیکا را از هر نظر بالاتر برد."

آقایان سندیکالیست از اینکه آقای نزیه "ارزش سندیکا را بالا برد"، خیلی احساس خوشبختی کردند. اما ایجاد هر تشکل کارگری چه ربطی به تأیید حسن نزیه وزیر نفت دولت بازرگان - خمینی دارد؟ هر تشکل کارگری باید مشروعیت و ادامه کاری اش را از اعضای آن تشکل بگیرد. چرا شما همیشه مانند حزب توده و فدائی اکثریت چشم به قدرت بالا دارید و خدمتکار دولت اسلامی می شوید؟ سؤال من از کیومرث شهنی و امثال او این است که شماها که گوش کارگران شورائی و سوسیالیست و رادیکال را کرده اید از بس از "جنبش مستقل کارگری" دم می زنید، چرا برای تشکیل سندیکاها همواره محدودنگر، قانع و برای بورژوازی ایران عاقل بوده اید و با گرفتن یک دفتر سندیکا میخواستید جنبش نفتگران را به دربیوزگی و خواهش و تمنا از حکومت اسلامی در شرایط رادیکالیسم جنبش کارگری در دوره انقلاب ۵۷ بکشانید؟

بگذارید تا از کارگران و کارمندان چپ، رادیکال و شورائی در رابطه با وزیر نفت ایده آل تان از تجربه اعتصابات کارگران پیمانی شرکت نفت در مقابل پالایشگاه نفت آبادان برایتان بگویم. پنج هزار نفر از کارگران قراردادی و پیمانی بعد از قیام بهمن ۵۷ در مقابل پالایشگاه نفت آبادان چندین ماه در دوره وزارت آقای حسن نزیه تحصن کردند و خواهان رسمی شدن کارگران پیمانی شدند. اما جناب حسن نزیه هیچگونه اقدامی که نکرد هیچ، عملاً نپذیرفت که کارگران قراردادی و پیمانی از زحمتکش ترین بخش نفتگران شرکت نفت رسمی شوند. و از طرف دیگر همین حسن نزیه در روزهای بعد از قیام بهمن ۵۷ در مقابل کارگاه مرکزی (ورک شاپ) پالایشگاه نفت آبادان که می

نفت کاملاً بسته بود و به مشکلات صدها کارگر نمی شد رسید، آنگاه چرا باید مبارزات کارگران نفت در چهارچوب محدود صنفی و سندیکائی محدود باشد؟ چرا باید طبق قانون نابرابر و ضدکارگری رؤسای صنعت نفت، مطالبات و خواستههای نفتگران را فقط در چهارچوب قانون سرمایه داری و در اشکال تحركات سندیکائی که گاه از طرف احزاب و شخصیت های سیاسی بورژوائی هم تشویق میشود، پیش برد؟ طبقه کارگر ایران، بویژه کارگران نفت، حتی قبل از انقلاب بهمن ۵۷ نمیتوانستند مبارزات کارگران را فراتر از قانون و بصورت آشکار و علنی در اشکال مجامع عمومی، کمیته های اعتصاب و شوراهای کارگری به پیش ببرند. این گرایش راست سندیکالیستی و محدودنگر خود یک مانع پیشروی کارگران نفت در اشکال مؤثرتر، قاطع تر و علنی تر مبارزه بود. تشکیل کمیته های کارخانه در پالایشگاه نفت، فراخوان به مجمع عمومی و تشکیل شوراهای کارگری در همان سال های ۵۵ و ۵۶ امکان پذیر بود. اما سلطه تفکر سندیکائی بر برخی از رهبران و نمایندگان کارگران نفت خود مانعی بر عدم رشد و پیشرفت مبارزات نفتگران بود. با به رأی مستقیم کارگران قدرت متحد آنان می توانستند همان مقررات پرسنلی شرکت نفت را به مصادف بطلبند. تنها قانونی مقدس است که به نفع طبقه کارگر باشد. چرا در سال ۵۶ که آغاز مبارزات کارگران و مردم انقلابی بود، فعالیت و عملکرد رهبران عملی کارگران باید در چهارچوب قوانین ضدکارگری شرکت نفت باشد؟ دبیر سابق سندیکای نفت همراه با دیگر سندیکالیست های محدودنگر در پوست خود نمی گنجند وقتی که یک بورژوازی ملی گرا همچون

دانست رهبران کمونیست و رادیکال اعتصابات عظیم صنایع نفت را رهبری کرده اند، با یادآوری اعدام خسرو گلسخی که از تلویزیون پخش شده بود، اشک تمساح می ریخت. اما عملاً بر استثمار و بی حقوقی کارگران پیمانی شرکت نفت مهر تأیید می گذاشت.

این سندیکالیست های عزیز در خطوط لوله و مخابرات و پالایشگاه نفت تهران از اینکه جناح ملی گرا و جناح خمینی به خاطر قدرت و هژمونی طلبی با هم اختلاف داشتند را به حساب شجاعت وزیر نفت دولت بازرگان - خمینی می گذارد و از حسن نزیه تعریف و تمجید می کنند. سندیکالیست های راست از آنجائیکه مسائل و مشکلات کارگران را از زاویه منافع طبقاتی کارگران نمی بینند، و از آنجائیکه تضاد روزمره طبقه کارگر را با تمامی جناح های طبقه سرمایه دار چه در اشکال اسلامی، ملی و سلطنتی قادر نیستند درک کنند، در میان نفتگران به این توهم خطرناک دست می زنند که: "آقای حسن نزیه در مقابل دیکتاتوری خمینی و روحانیت، شجاعانه ایستادگی کرده بود، ... حمایت ما از نزیه به این خاطر بود که ایشان بنابه قولی که در ابتدای کار در صنعت نفت به کارگران داده و اعلام داشته بود که به تبعیضات میان کارگر و کارفرما پایان خواهد داد." چرا باید قول حسن نزیه را جدی بگیرید؟ چرا ساده لوحی و گرایش خویش را در میان کارگران نفت ترویج و تبلیغ کردید؟ آیا جایی را سراغ دارید که حسن نزیه از شوراهای کارگران نفت که بزرگترین نقش را در انقلاب ۵۷ داشته اند، تعریف و تمجید کند و آنرا به رسمیت بشناسد؟ آیا همین وزیر نفت ایده آل شما حسن نزیه اصولاً با ابولحسن بنی صدر، رئیس جمهور رژیم خمینی که می گفت شورا پورا مالیده، تفاوتی داشت؟ آیا حمایت حسن نزیه از سندیکای نفت شما در عمل مخالفت با شوراهای کارکنان نفت در سراسر صنایع نفت نبود؟ حمایت خمینی از حسن نزیه در اوایل انقلاب و حمایت حسن نزیه از سندیکای نفت شما در اساس این مطلب را نمی رساند که سندیکائی که از حمایت و تأیید مقامات بالای حکومت باشد یک پای مشروعیتش

در میان کارگران می‌لنگد و قرار است در مقابل شوراها قرار گیرد تا طبقه کارگر نتواند اراده اش را اعمال کند؟

اصولا وزیر نفت شدن حسن نزیه هیچ ربطی به مبارزات و نحوه فعالیت سیاسی و اقتصادی کارکنان نفت نداشت. مگر حسن نزیه بعنوان وزیر نفت از طرف کارگران نفت انتخاب شده بود؟ در آن مقطع از مبارزات نفتگران وزیر شدن حسن نزیه، معین فر، غرضی هیچگونه مشروعیتی نداشت و هرگز کسی که ادعای رهبری نفتگران را دارد نبایستی از شخصیت‌ها و نمایندگان بورژوازی حمایت کند. در همان دوره قیام ۵۷ چند روز بعد از آن مگر سندیکالیست‌های عزیز ندیدند که در تجمع ۲۰ هزار نفری از کارکنان نفت پالایشگاه آبادان اعلام شد نمایندگان کارگر و کارمند باید در "شورای انقلاب" باشند؟ این خواست این را نمی‌رساند که نفتگران بعنوان مؤثرترین و سرسخت‌ترین بخش طبقه کارگر چشم به قدرت سیاسی دوخته بودند؟ جاتی که نفتگران شورائی، سوسیالیست و رادیکال خواهان شرکت در قدرت سیاسی بودند، شما سندیکالیست‌های محدودنگر و سازشکار در فکر یک دفتر کار سندیکائی در محل کار بودید؟ در تمام طول مبارزات جنبش کارگری از دوران انقلاب ۵۷ به این طرف، کارگران شورائی نماینده منافع کل طبقه کارگر از جمله شما سندیکالیست‌ها بودند، اما سندیکالیست‌ها هرگز نمی‌توانند نماینده کل طبقه کارگر باشند. سندیکالیست‌ها نماینده عقب افتاده ترین، قانع ترین و متوهم ترین قشر طبقه کارگر ایران هستند که تجارب تلخ شکست و بن بست را که چون زهر سمی برای مبارزات کارگران است را در پرونده خود دارند. اصولا وزیر شدن حسن نزیه می‌بایست با تأیید شوراهای کارکنان نفت می‌بود، چرا که این اعتصابات نفتگران اساسی ترین و مهمترین فاکتور در شکست رژیم شاه بود؛ و همگان شاهد بودند که در انقلاب ۵۷ بدون پائین آوردن تولید تصفیه نفت خام برای مصرف فقط داخلی مردم، بدون قطع صدور نفت خام به کشورهای نژادپرست اسرائیل و آفریقای جنوبی، زمینه سقوط رژیم شاه در ۲۲ بهمن بوجود نمی‌آمد و اصولا ضدانقلاب

جمهوری اسلامی ظهور نمی‌کرد تا پست وزارت نفت را به حسن نزیه ببخشند. آیا اینکه حسن نزیه قول بدهد به تبعیضات کارگر و کارمند در شرکت نفت پایان خواهد داد کافی است که شما امروز نیز بعنوان دبیر سندیکا از وی تجلیل به عمل آورید و ذهن کارگر را مسموم به ارزش و اهمیت حمایت دولتمردان از سندیکای خود بکنید؟ در اساس قضیه، در جنبش کارگری آنچه که به یک تشکل کارگری اهمیت و مشروعیت می‌بخشد، اراده اعضای آن و مجمع عمومی آن تشکل است. اراده مستقیم و دخالت کلیه اعضای یک تشکل کارگری است که ارزش آن را بالا می‌برد، نه تأیید فریب آمیز وزیر نفت آن دوره حسن نزیه؛ دفاع مجدد امروز شما از حسن نزیه، آگاهانه یا ناآگاهانه، هدفش راه باز کردن برای حسن نزیه‌های آینده امثال تیمسار مدنی هاست. حرکت حسن نزیه در مقابل جناح اسلامی فقط کسب هژمونی و قدرت بیشتر بود که می‌خواست با حمایت از سندیکاهای کارگری در میان جنبش کارگری برای خودش پایه و حمایت و پشتیبانی کسب کند. یکی از اساسی ترین اختلافات بین شوراهای کارگری بعنوان ارگانهای مبارزاتی و حکومتی کارگران با بخش راست جنبش کارگری یعنی گرایش سندیکالیستی این است که شوراها تشکلات واقعی کارگران و ارگانهای اعمال اراده و دخالت مستقیم کلیه کارگران در سرنوشت خویش اند؛ و هیچگونه محدودیت در امر دخالت در انقلاب و تشکیل یک حکومت کارگری را نمی‌پذیرند. برعکس آن، گرایش سندیکالیستی هدفش حفظ چهارچوب نظام سرمایه داری این منشا اصلی نابرابری و استثمار در جامعه است و در بهترین حالت برای چانه زدن بر سر خواسته‌های صنفی کارگران و البته برای کنترل اعتراضات رادیکال آنان تلاش میکند، و در این مسیر نقش پادو و خدمتکار بورژوازی را در جنبش کارگری بعهد می‌گیرد و در جهت گمراه کردن بخشی از کارگران گام برمی‌دارد.

### آنچه نسل جدید و جوان جنبش کارگری باید بداند

جنبش سندیکائی اصولا یک جنبش

مستقل که حافظ منافع کل طبقه کارگر باشد، نیست. بلکه اساسا و فقط روی کاغذ و در حرف از دولت سرمایه داری جدا است. اما در عمل محتوای واقعی فعالیت‌ها و حرکاتش در خدمت حفظ نظم موجود و دشمنی و سنگ اندازی در حرکت شورائی و ضدکارمزدی کارگران سوسیالیست و رادیکال می‌باشد. شکست و بن بست تشکلات اتحادیه‌ای و سندیکائی در سراسر جهان معرف حضور همگان است. ساختار بوروکراتیک و تصمیم گیری از بالا توسط رهبران سندیکاهای و اتحادیه‌های کارگری، مذاکرات و چانه زنی بر سر دستمزد در اتاق‌های در بسته، عقب نشینی در مقابل تعرضات هر روزه سرمایه داران به حقوق و مزایای کارگران، انحراف دادن و کند کردن نوبت تیز حمله مبارزات و اعتصابات کارگری رادیکال، لو دادن و بیرون کردن رهبران عملی چپ و رادیکال از اتحادیه‌ها و نهایتا خدمت کردن به حفظ همین سیستم ضدانسانی ضدکارگری سرمایه داری از اهم وظایف سندیکالیست‌ها در تمام کشورها است که هر روزه در مقابل چشمان ما اتفاق می‌افتد. در ایران، بدلیل تاریخی معینی، امروز جنبش سندیکائی هیچگونه چشم اندازی ندارد. علاوه بر این سندیکالیستهای ایرانی جزو عقب مانده ترین گرایشهای درون جنبش کارگری هستند که تجارب و دستاوردی موفق به نفع طبقه کارگر باشد را در پرونده خود ندارند. سندیکالیستهای ایران اگر عملکردشان در دوره انقلاب همین تمجید از امثال نزیه و سرگردانی در راهروهای وزارت کار بوده، در دوره‌های بعد هم کارشان دل بستن به جناحی از رژیم برای درست کردن سندیکا برای کارگران بوده است که برخی آگاهانه و بعضی ناآگاهانه فعالیتشان در جنبش کارگری عملا در خدمت حکومت اسلامی بوده است.

نکته دوم مصاحبه کیومرث شهنی، نحوه برخورد به هوشنگ انصاری، رئیس شرکت نفت در دوره رژیم شاه است. کیومرث شهنی می‌گوید: "ما آقای امینیان را مسئول کردیم که خواسته‌های کارگران را با آقای انصاری طرح کند. آقای انصاری به سندیکاهای قول داد که چنانچه میزان بهره‌وری در صنعت نفت به

نسبت ۶ ماه گذشته ۱۰ درصد افزایش یابد، مزایای ناشی از آن را به کارگران پرداخت نماید. حدود مرداد - شهریور ۵۷ بود که آقای امینیان و سایر نمایندگان سندیکا به مدیر عامل شرکت نفت مراجعه و به استناد و آمار منتشر شده از سوی روابط عمومی شرکت نفت که نشان می‌داد بهره‌وری نسبت به ۶ ماه گذشته افزایش یافته، خواستار پرداخت مزایای بهره‌وری به کارگران گردید. اما آقای انصاری از پذیرش درخواست ما خودداری کرد و نمایندگان کارگران را تهدید نمود. "هوشنگ انصاری، رئیس شرکت نفت به سندیکالیست‌ها قول داد که اگر بهره‌وری را افزایش دهند، یعنی تولید را افزایش دهند، مزایای ناشی از آن را به کارگران نفت پرداخت نماید. شما رهبران باهوش و زرنگ سندیکالیست، فکر نمی‌کردید که هوشنگ انصاری از شعور بالای طبقاتی برخوردار است و شما را دنبال نخود سیاه فرستاده است؟ که هوشنگ انصاری ابتدا کلاه سرتان گذاشت و بعد که شما درخواست افزایش مزایای ناشی از افزایش بهره‌وری را کرده اید دست به تهدید زد؟ خوب است که کمی هم از رهبران شورائی صنایع نفت جنوب بیاموزید که چگونه پس از اعتصابات پرشکوه و عظیم در پالایشگاه نفت آبادان و چاه‌های نفت اهواز و مسجد سلیمان، پوزه هوشنگ انصاری را به خاک مالیدند. وقتی که اعتصاب کارگران و کارمندان پالایشگاه آبادان از ۲۲ مهرماه ۵۷ آغاز شد، در آن همان سال هوشنگ انصاری در مقابل مبارزات یکپارچه نفتگران و رهبران رادیکال آنان به زانو درآمد. در مقابل کارگران اعتصابی نفت در روی زمین پالایشگاه نشست و در نهایت ضعف و زبونی پرداخت ۷۵۰ تومان اضافه دستمزد را فوری بصورت بخشنامه اعلام کرد. اما رهبران شورائی اعتصابات نفت نه تنها فریب نخوردند، بلکه با اعلام درخواست لغو حکومت نظامی و دفاع از خواست آزادی زندانیان سیاسی، دست و پای مدیر عامل شرکت نفت رژیم شاه را در پوست گردو گذارند و او نه تنها نتوانست تهدید کند که فرار را برقرار ترجیح داد و با مبلغ هنگفتی از کشور خارج شد. سندیکالیست‌های راست جنبش کارگری آنقدر محدودنگر و

قانون گرا هستند که نمی دانند باید همیشه در روی زمین و از پائین دست به اعتصاب، مجمع عمومی و تشکیل شورا زد تا بتوان مدیر عامل دزد و گستاخ شرکت نفت را از طبقه ۲۰ ساختمان شرکت نفت در تهران مجبور کرد پائین بیاید و مانند کارگران و کارمندان اعتصابی پالایشگاه نفت روی زمین برای مذاکره بنشینند. آیا فکر نمی کنید بعد از انقلاب ۵۷ اگر حسن نزیه، تیمسار احمد مدنی و ابوالحسن بنی صدر در جنگ قدرت با خمینی، بهشتی، خامنه ای و رفسنجانی جنایتکار به پیروزی می رسیدند دوباره مثل هوشنگ انصاری يك قولی به شما می دادند و بعد زیرش می زدند؟ تا کی باید سندیکالیست ها در زمین عناصر ملی گرا و جمهوریخواهان ضدکارگر بازی کنند؟

در همین مصاحبه کیومرث شهنی، میبینیم که چگونه سندیکالیستها پای آخوندهای مرتجعی چون شریعتمداری و طالقانی را به جنبش کارگری باز کردند. دبیر سابق سندیکا می گوید: "کارگران و تعدادی از اعضای سندیکا طی نامه ای به آیت الله شریعتمداری خواستار مداخله وی شدند. برای آزادی سنگگیر شدگان و بررسی خواسته های کارگران، شکوائیه کارگران توسط آیت الله شریعتمداری به کمیسیون رسیدگی به شکایات مجلس فرستاده شد." و یا "از ابتدای اعتصاب، توسط دفتر آیت الله طالقانی به شخصی در بازار معرفی شدیم که هر ماهه حقوق کارگران را که به صدها نفر می رسید بر اساس لیست سندیکا به ما می داد که به کارگران پرداخت می شد. جالب اینجا بود که حتی بیشتر از لیست تنظیمی به کارگران پول داده می شد و مبلغی حدود دو برابر حقوق معمول می شد."

آیا سندیکالیستهای گرامی شما در آن زمان فکر نمی کردید که در دوران اعتصاب با گرفتن دستمزد از آخوندها دارید جاده را صاف می کنید که این جانوران وحشی ضدکارگر نفوذشان را در جنبش کارگری و آن هم در مؤثرترین بخش آن یعنی صنایع نفت، گاز و پتروشیمی، گسترش دهند و آیا زمینه را برای آدم مرتجعی چون خمینی آماده نکردید که گستاخی کند و هیئت رفسنجانی - بازرگان را با هلیکوپترهای

رژیم شاه به پالایشگاه آبادان اعزام کند؟ کیومرث شهنی ادامه می دهد که: "مهندس بازرگان و رفسنجانی خواستار سوخت رسانی داخلی گردیدند. در این رابطه دستور جلسه هایی که با معاون آقای انصاری آخرین مدیر عامل و رئیس هیأت مدیره صنعت نفت در رژیم شاه در مورد خاتمه اعتصابات انجام شده است را در اختیار داریم."

خمینی، بازرگان و رفسنجانی چه حقی داشتند که در امور نفتگران اعتصابی و شوراهای کارگری دخالت کنند؟ مگر ما به خاطر اهداف کثیف و ضدکارگری خمینی، بازرگان و رفسنجانی اعتصاب و انقلاب کردیم که این مرتجعین ضدبشر و ضدکارگر به خودشان جرأت دهند دخالت کنند. آری وقتی سندیکالیست ها از بازار و مسجد و آیت الله شریعتمداری و سید محمود طالقانی حتی پولی بیشتر از دستمزد دوران اعتصاب دریافت می کنند، باید هم رفسنجانی این وقیح ترین نماینده جمهوری اسلامی با پرویی و گستاخی و لودگی يك لمپن آخوند، چشم در چشم کمونیست های پالایشگاه نفت آبادان، این سازمادهندگان بزرگترین اعتصاب تاریخ جنبش کارگری که منجر به سقوط رژیم شاه گردید، نگاه کند و شروع کند به فحاشی و توهین به کمونیستها.

در جایی دیگر از مصاحبه، کیومرث شهنی با شور و شوق فراوان پیوند مشترک منافع سندیکالیست ها با جنبش ملی اسلامی ضد امپریالیسم آمریکا را به وضوح نشان می دهد. او میگوید: "بالاخره انقلاب پیروز شد و تمامی گروههای مخالف رژیم پهلوی از جمله گروههای چپ و مجاهدین، یاران دکتر مصدق، جبهه ملی و سایرین برای سازندگی و استقلال کشور وارد میدان شدند تا به کشور سر و سامان بدهند." رژیم اسلامی حتی بیشتر از رژیم شاه بر دستاوردها و مطالبات و مزایای کارگران نفت یورش برد. و این سندیکالیستها در دفاع از رژیم اسلامی و تحت عنوان سازندگی و استقلال شروع کردند به توهم پراکنی در میان کارگران برای خدمت به سیستم سرمایه داری و کار بردگی مزدی. آنچه که در عمل اتفاق افتاد این بود که جمهوری اسلامی "مستقل و

ضدامپریالیست" سندیکالیست ها و جریانات توده ای - اکثریتی بعد از ۲۲ بهمن ۵۷ تا ۳۰ خرداد ۶۰ با سرکوب جنبش کارگری بویژه یورش به شوراهای کارگران نفت، مبارزات کارگران نفت را با اعدام رهبران اعتصاب نفت به عقب راند. رهبران شوراهای کارگری یادماشان نمی رود که شعار مشترك ملی اسلامی ها و جناح چپ آن یعنی حزب توده، فدائی اکثریت و راه کارگر در دوران جنگ ایران و عراق "افزایش تولید" بود و اعتصاب برای جنبش ممنوع شده بود. قرار بود که میهن عزیز اسلامی سندیکالیست ها، سازندگی را با استثمار وحشیانه و بی حقوقی کامل طبقه کارگر ایران شروع کند و طبقه کارگر را سرکوب و پراکنده سازد و با دستگیری، شکنجه، اعدام و تبعید رهبران چپ و کمونیست آنرا به عقب نشینی وا دارد. اینگونه است که امروز به یمن سرکوب مستمر در طول ۲۶ سال حکومت اسلامی که با کمک و جاسوسی پادوهای این حکومت از قبیل حزب توده و سازمان اکثریت همراه بود، کارگران باید از ۶ ماه تا ۲ سال حتی نتوانند حقوق و دستمزد معوقه خویش را مطالبه نمایند.

در ادامه کیومرث شهنی می گوید: "بالاخره آقای نزیه مجبور شد که کشور را ترك کنند و به جای وی آقای معین فر آمد. وزیر نفت جدید تمام تلاشش این بود که تمام مزایایی که کارگران در دوره نزیه بدست آورده بودند قطع نماید. وقتی او به جنوب آمد کارگران به او حمله کرده و کتکش زدند و معین فر مجبور به عقب نشینی شد."

سندیکالیست ما به حسن نزیه وزیر نفت منصوب خمینی - بازرگان زیادی اعتبار می دهد. چرا شما دستاوردهای مبارزات عظیم کارگران صنعت نفت را به حساب جناب وزیر ملی گرا می گذارید؟ حسن نزیه مگر برای تصدی پست وزارت نفت حمایت شوراها را داشت؟ نه حسن نزیه هیچوقت شوراهای کارگران نفت را به رسمیت شناخت، و نه شوراهای کارگران نفت که بدست رهبران کمونیست و رادیکال حرکت می کرد، وزارت جناب آقای ملی گرا را برسمیت شناخت. این تغییر و تحولات از بالای سر شوراهای کارگران نفت هیچ ربطی به منافع طبقه کارگر ایران نداشت. جنگ نمایندگان

سرمایه داری ایران فقط و فقط برای هژمونی و گرفتن قدرت بیشتر است و ما نباید نیروی مبارزاتی کارگران را پشت هیچ جناحی از دشمنان طبقه کارگر ببریم. اما سندیکالیست های "مستقل کارگری" برای حتی گرفتن يك دفتر کار سندیکائی تلاش کردند نیروی کارگران نفت را در جنگ جناحهای مختلف بورژوازی به هدر دهند. بین هوشنگ انصاری، حسن نزیه، معین فر، محمد غرضی و دیگران، در عمل و اهداف ضد کارگری، در استثمار کردن کارگران، و در ممانعت از رشد و تکامل شوراها و به رسمیت نشناختن شوراهای کارگران نفت به عنوان ابزار و تشکل مبارزاتی کارگران نفت هیچ تفاوتی وجود نداشت و سگ زرد همیشه برادر شغال است. نحوه درگیری و برخورد رهبران نفتگران پالایشگاه نفت آبادان را به حساب خودتان نگذارید. رهبران شورائی، چپ و سوسیالیست پالایشگاه نفت آبادان از خواست رسمی شدن کارگران پیمانی و قراردادی حمایت می کردند، اما وزیر ایده آل سندیکالیست های عزیز، آقای حسن نزیه، نسبت به این خواست عادلانه و بر حق کارگران زحمتکش پیمانی بی اعتنا بود و به هیچوجه حاضر به قبول این خواست اساسی کارگران پیمانی شرکت نفت نشد. در رابطه با معین فر، وزیر نفت ملی - مذهبی که به پالایشگاه نفت آبادان قبل از شروع جنگ ایران و عراق آمده بود، باز این رهبران شورائی اعتصابات انقلاب ۵۷ بودند که به نیات و اهداف ضدکارگری از جمله "لغو تعطیلی پنجشنبه ها" که مصوب وزیر نفت جمهوری اسلامی بود، پی بردند. وقتی معین فر در کارگاه مرکزی (ورک شاپ) می خواست طرح ضدکارگری افزایش ساعات کار را از ۴۰ ساعت به ۴۴ ساعت توجیه کند با واکنش خشمگینانه رهبران عملی کمونیست روبرو شد و یکی از کارگران پیراهن کار خویش را به صورت معین فر پرتاب کرد. در مجمع عمومی من بعنوان یکی از شرکت کنندگان در آن جلسه خواستها را در يك قطعنامه ۴ ماده ای که با تأیید کلیه کارگران و کارمندان در مجمع عمومی قرار گرفت با صدای بلند اعلام کردم: (۱) ساواکی ها و کسانی که در سرکوب

اعتصابات نقش داشتند باید از صنایع نفت اخراج شوند. ۲) به تمامی خواسته‌های صنفی کارکنان صنعت نفت باید پاسخ داده شوند. ۳) شوراهای کارگران و کارمندان صنایع نفت باید به رسمیت شناخته شوند. ۴) کارکنان صنایع نفت باید کمافی السابق ۵ روز کار و ۲ روز پی در پی تعطیل باشند. در نتیجه بنظر من معین فر و حسن نزیه نمایندگان جریان ملی - مذهبی هستند که هیچ تفاوتی اساسی با بنی صدر و بهشتی در عقب راندن مطالبات و خواسته‌های نفتگران در آن دوره انقلاب ۵۷ نداشتند و اینها همواره از مخالفان و سرکوبگران شوراهای کارگری به عنوان تشکل و ابزار مبارزاتی طبقه کارگر ایران بودند. کیومرث شهنی در ادامه مصاحبه اشاره ای هم به محمد غرضی وزیر نفت دوره جنگ ایران و عراق می نماید. بدین صورت که محمد غرضی قاتل رهبران اعتصابات شرکت ملی نفت و چاههای نفت اهواز یعنی حیاتی، درویشی و ذاکری این کمونیستهای شورائی که بزرگترین نقش را در تصمیم تاریخی قطع صدور نفت خام به کشورهای نژادپرست اسرائیل و آفریقای جنوبی داشتند، اقدام به قطع کمک هزینه مسکن و لغو تعطیلی پنجشنبه ها می کند و توهین آمیزتر از آن محمد غرضی حاضر نمی شود با نمایندگان سندیکای کارگران نفت شمال ملاقت کند و نمایندگان سندیکا را تهدید می کند. شما بعنوان نماینده سندیکا کارگران چگونه حاضر می شدید با قاتل رهبران شورائی نفت جنوب مذاکره کنید؟ چگونه وجدان خود را قانع می کردید که کسی که با خون رهبران کمونیست شوراهای کارگری وضو میگرفت ملاقات کنید؟ تازه شما سندیکالیست های قانون گرا و محافظه کار مورد تهدید هم قرار گرفته اید. مگر از محد غرضی قاتل وزیر نفت دولت جمهوری اسلامی ضدامپریالیست آمریکا انتظار دیگری هم داشته اید؟ آیا به رسمیت شناختن وزیر نفت قاتل رهبران شورائی صنایع نفت جنوب و حمایت از جمهوری اسلامی همان زمینه ای نیست که بر مبنای آن جمهوری اسلامی به سرکوب و اعدام نفتگران و زندان و تبعید رهبران عملی رادیکال سوسیالیست ها پرداخت؟ شما

سندیکالیست ها کدام تجربه جنبش کارگری را می خواهید به نسل جوان و جدید طبقه کارگر ایران منتقل کنید؟ سندیکالیست هائی که همواره شعار "مستقل" بودن می دهند از یک طرف آشکار و پنهان با شوراهای کارگران نفت مخالف بودند و از طرف دیگر از اینکه جمهوری اسلامی حتی در چهارچوب تشکلات صنفی - سندیکائی حاضر نیست با آنها مذاکره کند شکوه و گلایه می کنند. این الفبای مبارزه جنبش کارگری است که برای واداشتن جمهوری اسلامی و هر حکومت بورژوائی در مورد پذیرفتن هر خواست و مطالبه کارگری باید با قدرت تمام روی زمین کارگران را متحد کنید و اعتراض متحد و قدرتمند کارگران را سازمان بدهید، نه اینکه در کردورهای وزارت نفت از محمد غرضی تروریست با خواهش و التماس بخواهید که برای خواسته‌های محدود صنفی با شماها مذاکره کند. آیا این روشهای مبتنی بر قانون گرائی، محدود به صنف، و محافظه کارانه بارها و بارها در طول تاریخ جنبش کارگران نفت به بن بست و شکست منجر نشده است؟

در پایان، من بعنوان یکی از فعالین شوراهای کارگران نفت در پالایشگاه نفت آبادان اعتقاد دارم پس از ۲۶ سال از تجربه شوراهای کارگری در انقلاب ۵۷، برای پیشرفت و پیروزی جنبش کارگری، برای کسب قدرت سیاسی در انقلاب آتی ایران توسط طبقه کارگر از طریق حزب سیاسی اش، حزب کمونیست کارگری ایران، و برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی و اعلام جمهوری سوسیالیستی و اجرای برنامه "یک دنیای بهتر"، فعالین و رهبران کارگری کمونیست باید در کنار این وظیفه اصلی، گرایش راست سندیکالیستی را به کارگران بشناسانند و آنرا منزوی کنند. گرایشی که همواره در طول تاریخ مبارزات طبقه کارگر ایران کوشیده است تعرض طبقه کارگر را به اساس و بنیاد سرمایه که همان بردگی کارمزدی است، با شیوه های محافظه کارانه، قانونی و در چهارچوب منافع محدود صنفی به بند بکشد. نسل جدید و جوان رهبران عملی رادیکال و سوسیالیست جنبش کارگری باید از دنباله روی این خط بورژوائی،

سندیکالیستی و رفرمیستی پرهیز کند؛ و بطور واقعی به دلایل اصلی عدم پیروزی شوراهای کارگران ایران در انقلاب ۵۷ آگاه گردد. تجربه کمیته های اعتصاب و شوراهای کارگری در انقلاب ۵۷ بزرگترین دستاورد جنبش کارگری تا دوره انقلاب ۵۷ بود. رهبران شورائی و کمونیست در صنایع نفت، گاز و پتروشیمی برای نخستین بار در تاریخ مبارزات نفتگران بویژه شوراهای کارکنان نفت پالایشگاه آبادان به اشکال نوینی از تشکل کارگری دست یافتند که شاید بعد از انقلاب کارگری اکتبر کم نظیرترین شوراهای کارگری بودند که قدرت و اراده مستقیم خویش را در یک انقلاب ضد سرمایه داری در اواخر قرن بیستم به مردم انقلابی ایران و کشورهای بزرگ سرمایه داری نظیر آمریکا، انگلیس، فرانسه و آلمان به نمایش گذاردند. کنفرانس گوادلوپ انعکاس این وحشت و ترس از اعتصابات و شوراهای کارگران صنایع نفت برای افکار عمومی جهان روشن و واضح نشان داده شد.

رهبری تظاهرات ۲۰ هزار نفری مردم آبادان توسط کمونیستها و رهبران اعتصابات صنایع نفت، اقدام به تشکیل جلسات شبانه کمیته های اعتصاب، اعلام فراخوان به مجمع عمومی و اعتصاب همگانی، دستگیری رهبران اعتصاب پالایشگاه آبادان و کلیه اعتصابیون در روز ۲۲ مهرماه ۵۷، زندانی کردن رهبران اعتصاب در فرمانداری نظامی، درگیری شبانه روزی قوای حکومت نظامی در پالایشگاه آبادان، اعتصابات یکپارچه در کل صنایع نفت، گاز و پتروشیمی، دستگیری رهبران کمونیست شرکت نفت همراه با معلمان و دانشجویان کمونیست آبادان در حمله شبانه ساواک و قوای حکومت نظامی به محلات مسکونی شرکت نفت، زندانی نمودن رهبران کمونیست اعتصابات نفت در زندان کارون اهواز، اعلام کمیته هماهنگی اعتصاب در پالایشگاه آبادان، آزادی رهبران اعتصاب قبل از قیام ۲۲ بهمن ۵۷، قطع صدور نفت به اسرائیل و آفریقای جنوبی، پائین آوردن تصفیه نفت خام تا سطح مصرف داخلی، اعلام مطالبات صنفی و سیاسی از جمله لغو حکومت نظامی و آزادی زندانیان

سیاسی، اعلام شوراهای به عنوان ارگان های مبارزاتی نفتگران، اعلام شرکت یک نماینده کارگر و کارمند در "شورای انقلاب ۵۷"، زیرا گذاردن مصوبه وزیر نفت دولت بازرگان - خمینی یعنی معین فر مبنی بر لغو تعطیلی پنجشنبه ها، ایجاد شوراهای کارکنان جنگ زده صنعت نفت آبادان در شهرهای ماهشهر، شیراز، اصفهان، اراک و تهران، دستگیری رهبران کمونیست شوراهای جنگ زده نفت و روانه کردن آنها به زندان اوین، درگیری دائم نمایندگان شوراهای کارکنان جنگ زده صنعت نفت با انجمن های اسلامی و سندیکالیست های طرفدار حزب توده و فدائی اکثریت، آزادی نمایندگان شوراهای کارکنان جنگ زده صنعت نفت از زندان اوین، فشار شوراهای کارگری برای کاربایی شدن کارکنان نفت در پالایشگاه های ایران، رسیدگی به تأمین مسکن کارکنان جنگ زده نفت در شهرهای بزرگ ایران، حمله جمهوری اسلامی به شوراهای کارگری نفت در ماه می ۱۳۶۰ و دستگیری نمایندگان فعالین شوراهای و روانه کردن آنان به زندان عادل آباد شیراز و سرانجام کمپین آزادی نمایندگان شوراهای کارگران نفت با تلاش و کوشش خستگی ناپذیر کمونیست پالایشگاه آبادان جمشید فریدون فر که بعدها توسط جمهوری اسلامی به جوخه اعدام سپرده شد، همه اینها تجارب گرانبهای هستند که رهبران عملی صنایع کلیدی ایران باید بخاطر بسپارند تا در دوره آتی مصاف طبقاتی برای یک انقلاب سوسیالیستی، با تشکیل کمیته های اعتصاب، مجامع عمومی، تشکیل شوراهای کارگری، و اعتصابات و تظاهرات سراسری بتوان جمهوری اسلامی را سرنگون و توسط حزب کمونیست کارگری بعنوان نماینده طبقه کارگر ایران قدرت سیاسی را کسب کرد و با اعلام جمهوری سوسیالیستی و اجرای برنامه "یک دنیای بهتر" به آزادی، برابری و رفاه و خوشبختی برای همگان رسید.

زنده باد شورا،  
زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری،  
زنده باد حزب کمونیست کارگری  
محمد مزرعه کار،  
نفتگر سابق پالایشگاه نفت آبادان

# شورای متحد گیلان تجربه ای آموزنده

## شهلا دانشفر

بجا گذاشت که آموختنی است. بویژه امروز در شرایطی که شاهد جنب و جوش برای متشکل شدن در میان کارگران و در بخش های مختلف جامعه هستیم، امروز که مجامع عمومی کارگری به ظرف اصلی اعتراض کارگری و به محل تصمیم گیری آنها برای مبارزاتشان تبدیل شده و ما در یک قدمی تبدیل این مجامع به مجامع عمومی منظم کارگری هستیم، مروری بر شوراها در سال ۵۷ از جمله چگونگی تشکیل شوراهای کارخانجات، تشکیل شوراهای موسس و شوراهای سراسری کارگری و نیز ارتباط شوراهای سراسری با مجامع عمومی کارخانجات همه و همه تجربیات با ارزشی است که باید به آنها مراجعه کرد و درسهای آنها به رهنمودهای عملی برای امروز خود تبدیل کرد. امروز شرایطی است که میتوان به جنبش وسیع مجامع عمومی دامن زد. میتوان مجامع عمومی منظم کارگری، نطفه های شوراها را پایه گذاشت و با برقراری ارتباط بین رهبران کارگری در سطح مناطق مختلف به تدارک سازماندهی شوراهای کارگری رفت. تجربه شوراها در انقلاب ۵۷، تجربیاتی است آموزنده که راه نشان میدهد و آموزنده است. باید از این تجربیات آموخت. زنده باد شوراها، پیش بسوی متشکل واقعی کارگران، شوراها! \*

انجمن های اسلامی در کارخانجات تحت پوشش این شورا در مخالفت با شوراهای کارگری و شورای متحد گیلان فعال شدند. فشار به شوراهای کارخانجات برای انحلال شوراها بالا گرفت. در برابر این فشارها مقاومت و اعتراض بالا گرفت. اما علیرغم اعتراضات کارگران شوراها یکی بعد از دیگری منحل شد. در پایان تنها نمایندگان ۱۰ کارخانه در شورای متحد گیلان باقی مانده بود. از اینرو برگزاری جلسات برای آن دشوار شده و هر روز فشارها بیشتر میشد. تا سرانجام شورای متحد کارگران گیلان به انحلال کامل کشیده شد و انجمنهای اسلامی بر کلیه این کارخانجات مسلط شدند. در مجموع فشار رژیم بر شوراهای کارگری باعث کند شدن و در بسیاری جاها قطع ارتباط آنها با مجامع عمومی کارگری شد و آنها را ضربه پذیر تر ساخت. با تهاجم وسیع جمهوری اسلامی به انقلاب شورای متحد گیلان نیز مانند دیگر شوراهای سراسری کارگری به انحلال کشیده شد. در حالیکه انقلاب در خیابانها به شکست کشیده شد و رژیم اسلامی سنگر مردم را از دستاوردهایشان به عقب راند، عمر شوراهای واقعی کارگری که از دل انقلاب سر بلند کرده بودند به پایان رسید. اما جنبش شورایی در انقلاب ۵۷ درسهای گرانبهایی از خود

۳۶ کارخانه دست به یک ساعت اعتصاب اخطاری زدند. اما بازهم به خواست آنان پاسخی داده نشد. شورای متحد گیلان خواهان پرداخت سود ویژه مطابق قانون سود ویژه و نیز پرداخت ۱۰۰۰۰ تومان به کارگران کارخانجاتی که تولید آنها تعطیل بوده است، بود. شورا تصمیم گرفت که با برگزاری میتینگی اعتراضی خواست کارگران را بصورت قطعنامه ای به تصویب کلیه کارگران برساند و آنرا مبنای مذاکرات خود با مقامات رژیم تبدیل کند. ۲۰ اسفند ماه ۵۸ تجمع اعتراضی با شکوهی در میدان ورزشی تاختی برگزار شد. در این میتینگ اعتراضی رهبران کارگران سخنرانی های پرشوری کردند. در این سخنرانی ها به ضرورت تصویب یک قانون کار کارگری اشاره شد و همانجا قطعنامه شورای متحد گیلان به تصویب کارگران درآمد. بدنبال آن نمایندگان شورا با بنی صدر رئیس جمهور وقت به مذاکره نشستند. اما رژیم از موضع خود عقب ننشست. این دوره از مبارزات شورای متحد کارگران گیلان نقطه اوج قدرتگیری این شورا بود و هر روز بر محبوبیت آن در میان کارگران افزوده میشد. قدرتگیری شورای متحد گیلان موجب نگرانی رژیم شده بود. از اینرو سرکوب این شورا و دستگیری و تهدید رهبران آن در دستور کار رژیم قرار گرفت.

۲۱ بهمن ۵۸ اتحاد شوراهای گیلان که حدود سی و شش کارخانه با ۲۵۰۰۰ کارگر را در بر می گرفت تشکیل شد. شورای متحد گیلان شورایی منطقه ای و متکی بر شوراهای کارخانجات بود. شورای متحد گیلان اکثر شوراهای منطقه گیلان از جمله کارخانه های پوشش، توشیبا، ایربرسلان، فیبر ایران، فرش گیلان، ایران برک را در بر می گرفت. با پیوستن شورای هر یک از این کارخانه ها به شورای متحد، کارگران آن نیز تحت پوش این شورا قرار می گرفتند. طرح رسمیت شناختن این شورا بعنوان نهادی تصمیم گیرنده در امر تولید و توزیع، لغو قانون کار شاه و به اجرا درآوردن طرح سود ویژه از مصوبات شورای متحد گیلان بود. اولین جلسه عمومی شورای متحد گیلان با شرکت ۱۸ کارخانه در ۲۱ بهمن ماه در کارخانه پوشش تشکیل شد. در این جلسه مشکلات کارگران پوشش و شوراهای دیگر کارخانجات مورد بحث قرار گرفت. در همین زمان رژیم اعلام کرد که سود ویژه کارگران به همان میزان سال ۵۶ خواهد بود. این موضوع به خشم و اعتراض کارگران دامن زد. شورای متحد گیلان از ۸ تا ۱۳ اسفند ماه را به مقامات رژیم مهلت داد تا در تصمیم خود تجدید نظر کند و به خواست کارگران پاسخ دهد. در ۱۵ اسفند ماه بدعوت اتحاد شورای متحد گیلان، کارگران در

## تلویزیون انترناسیونال

هر شب ساعت ۸ تا ۹:۳۰ به وقت تهران

مشخصات فنی آنتن

Satellite: Telstar 12

Center Frequency: 12608 MHz

Symbol Rate: 19279

FEC: 2/3

Polarization: horizontal

## برنامه

## کارگران و یک دنیای بهتر

در تلویزیون کانال جدید  
روزهای جمعه

شهلا دانشفر



نسرین رمضانعلی

## کارگران کردستان و طرح "تعدیل نیروی کار"

طی چند سال گذشته سیاست "تعدیل نیروی کار" وسیعاً در واحدهای صنعتی و تولیدی در دستور دولت اسلامی و کارفرمایان قرار گرفته است. سیاستی که از بارآوری تولید و سود آوری بیشتر سرمایه حرکت کرده و بر این اساس حقوق کارگران را از اشتغال و افزایش دستمزدها تا سایر مزایای کارگری را به عنوان مانعی بر سر راه رقابت واحدهای تولیدی ارزیابی نموده و در صدد رفع این موانع بر آمده است. معنای عملی این سیاست، خصوصی سازی، بیکارسازی و اخراج، و تنزل دستمزدها و بالا کشیدن آنها بوده است. نزدیک به یک دهه است که این سیاست توسط سرمایه داران با بهانه مهار بحران در واحدهای تولیدی و جلوگیری از ورشکستگی آنها در عرصه رقابت اتخاذ شده است که در نتیجه آن سرمایه داران سودهای کلان تری به جیب زده اند و زندگی کارگران هرچه بیشتر به تباهی و نیستی کشانده شده است.

این سیاست و شعار "تعدیل نیروی کار" در کردستان نیز که از طرف اداره کار و کارفرمایان در این منطقه به پیش برده می شود، در کلیت خود جزیی از سیاست و گرایش عمومی سرمایه داران و دولت آنها است، که لطمات و ضایعات بزرگی بر زندگی کارگران در کردستان وارد کرده است. در این میان دولت اسلامی که خود بعنوان بزرگترین کارفرما مروج و مدافع این سیاست بوده، در جهت عملی کردن و جا انداختن این سیاستها خدمات و کمکهای زیادی در اختیار سرمایه داران و صاحبان کارخانه ها گذاشته است.

قبل از پرداختن به سیاستهای اقتصادی دولت و کارفرمایان در کردستان اشاره به یک نکته که کماکان رویکرد اقتصادی رژیم را در این منطقه تشکیل میدهد، لازم است. منطقه کردستان بر طبق ارزیابی های رژیم منطقه "امن اقتصادی" نبوده و نیست یعنی امنیت برای سرمایه وجود ندارد. کردستان از مناطق "سوخته اقتصادی" برای رژیم بوده و پرداختن به اقتصاد و سازماندهی تولید و توزیع در وهله اول فقط برای رفع نیازهای بومی بوده و جای مهمی در کل اقتصاد رژیم ندارد. محور اصلی این رویکرد، عدم امنیت سیاسی و ناامن بودن کردستان و به این اعتبار جذاب نبودن برای سرمایه و سرمایه گذاری می باشد. جمهوری اسلامی با

حرکت از این سیاست به اقتصاد محلی در جامعه کردستان نگاه می کند. به همین خاطر در سیاست دولت، جذب نیروی کار، آموزش، و ایجاد و سازماندهی صنایع با توجه به فاکتور نبود امنیت در اولویت رژیم و کارفرمایان نیست. اما علیرغم اینها مناسبات کار و سرمایه در شکل عریان و با تمامی مختصاتش در کردستان در جریان است.

با توجه به این نکته ای که اشاره شد عرصه تولید در کردستان در رشته های معینی برجسته است. به طور خلاصه در طول دو دهه گذشته در کردستان در بخش های نساجی، ریسندگی و بافندگی، تولیداتی نظیر فرش، صنایع دستی، رشته های خدماتی از آب و برق گرفته تا شهرداریها، خبازها، و مخابرات شاهد رشد و گسترش این بخش های تولیدی بوده ایم. این رشته های تولیدی که در بالا به آنها اشاره شد بخش های اصلی تولید در کردستان را تشکیل می دهند و بیشترین تعداد کارگران در این رشته های صنعتی و خدماتی کار کرده و تا به حال مبارزات وسیعی را هم سازمان داده اند.

در کردستان در بخش های نساجی، ریسندگی و بافندگی و واحدهای ارائه دهنده خدمات به این صنایع در سایه حمایت های رژیم از صاحبان کارخانجات و مهمتر از همه وجود نیروی کار ارزان و جوان گسترش یافته و بخصوص در صنعت نساجی تقریباً با تفاوتی، پا به پای صنعت نساجی کشور رشد کرده است.

با توجه به بحرانی که کلا در صنعت نساجی کشور حاکم بوده و تا به حال دولت و کارفرمایان نخواسته اند و نتوانسته اند مشکلاتی نظیر تامین مالی این واحدها و مدرنیزه کردنشان را حل کنند، در نتیجه توانایی رقابتشان را چه در بازار داخلی و چه در منطقه با تولیدات مشابه از دست داده و به علت سودآور نبودن صنعت نساجی عملاً به حالت نیمه تعطیل در آمده اند. وضعیت در صنایع نساجی کردستان هم از این امر مستثنی نیست. به همین خاطر دولت و کارفرمایان سیاست خصوصی سازی و اخراج و بیکار سازی، عدم پرداخت دستمزدهای کارگران و زدن از امکانات رفاهی آنان را به بهانه "سودآور کردن و بازسازی و نوسازی این صنایع" را در دستور خود گذاشته اند. سیاست تعدیل

نیروی انسانی پا به پای خصوصی سازی در رشته های تولیدی نامبرده در کردستان، دیگر مدتهاست که یک جز دائمی سیاستهای دولت و کارفرمایان بوده است. با به اجرا گذاشتن این سیاستها، چوب اخراج و بیکاری، محروم بودن از خیلی از امکانات رفاهی برای کارگران، و دستمزدهای پائین هست و نیست کارگران را در این بخش ها تهدید می کند. در کنار این وضعیت، استفاده کارفرمایان از کارگران قراردادی موقت که عمدتاً حتی شامل قانون کار اسلامی هم نمی شوند، مثل تهدیدی بر بالای سر کارگران قرار گرفته است. به همین خاطر مبارزات کارگران بر علیه خصوصی سازی و سیاست تعدیل نیروی انسانی و مبارزه برای نقد کردن دستمزدهای معوقه و علیه اخراج، تبدیل به یک مطالبه محوری و کلیدی در جنبش کارگری در کردستان شده است.

جنبش کارگری در کردستان و در پیشاپیش آن کارگران نساجی و نانوییها پرچمدار مبارزه بر علیه این سیاستهای ضد کارگری بوده و تاکنون چندین اعتصاب بزرگ و بخشا موفقیت آمیز را بر علیه دولت و کارفرمایان سازمان داده اند. نارضایتی و جو مبارزاتی حاکم در میان کارگران این واحدهای تولیدی، ظرفیتهای بالای اعتراضی و مهمتر از همه رادیکالیسم و جو ضد رژیم که در میان کارگران حاکم است، دولت و کارفرمایان را در منگنه گذاشته است. جنبش کارگری و رهبران فعال عملی جوان این جنبش به درست دست روی این مطالبات گذاشته و کل مبارزه کارگران را بر علیه سیاست تعدیل نیروی انسانی، بیکارسازی و خصوصی سازی به میدان آورده اند. بنابر اعتراف خانه کارگر رژیم در نتیجه اعمال سیاستهای اعلام شده از طرف رژیم، فقط در دو سه ماه گذشته بیش از ۳۰۰ نفر از کارگران واحدهای تولیدی نامبرده که هر کدامشان بالای ۵ سال سابقه کار داشته اند، اخراج و باز خرید شده اند. کارفرمایان دلیل این سیاستشان را عدم سودآوری واحد های تولیدی، نبود نقدینگی، و هزینه های بالای تولید دانسته و به همین خاطر حملاتشان را بر علیه کارگران و دستمزدهایشان شروع کرده اند. اخراج و بیکارسازی، عدم پرداخت بیمه بیکاری به کارگران اخراجی، نپرداختن بنهای

# گوشه ای از حمله دولت آلمان به حقوق کارگران

وریا احمدی



## اعتصاب کم نظیر کارگران ماشین سازی اپل

گزارش از

نازنین برومند

بسیاری از قوانین وضع شد که امروز جزو دستاوردهای بشری است.

در آلمان تقریباً ۳۵ میلیون نفر مشغول به کار و ۴ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر بیکار هستند. از ۳۵ میلیون که مشغول به کارند، ۵/۷ درصد در اتحادیه های موجود متشکل هستند و بقیه از هر نوع تشکیلی محرومند.

توازن قوا امروز در آلمان به ضرر کارگر است. حمله دولت و کارفرما به

در جامعه آلمان نیز اکثریت مطلق مردم برای صاحبان وسائل تولید کار میکنند و در ازا کارشان حقوق دریافت میکنند و بهمین دلیل خود صاحب کار و تولیدات خود نیستند و از کار خود بیگانه هستند. در این جامعه مدام بین کارکن و صاحب وسائل تولید، سرمایه داران و دولت نماینده آنها، درگیری بوده و قوانین موجود حاصل این درگیریهاست. در زمانی که توازن قوا به نفع کارگر بود،

کارگر را در سراسر آلمان. کارگران این کارخانه در بوخوم بلافاصله اعلام اعتصاب کردند و بعد از آن کارگران شعبات دیگر نیز به آنها ملحق شدند. هفت روز چرخهای این کارخانه عظیم از کار ایستاد و این وضع باعث شد که بخشهای دیگری که وابسته به تولیدات این کارخانه هستند نیز نتوانند به کار

هفت روز اعتصاب کارگران کارخانه ماشین سازی اپل در آلمان ادامه داشت. این اعتصاب به دنبال اعلام بیکارسازی در اروپا از طرف کنسرن مادر جنرال موتورز در روز پنجشنبه ۱۴ اکتبر شروع شد. جنرال موتورز اعلام کرد که قصد دارد ۴۰۰۰ کارگر شاغل در کارخانه اپل را در "بوخوم" آلمان اخراج کند و ۱۲۰۰۰

نمود که نتوانند این مبارزات را کنترل و مهار و در نهایت سرکوب نمایند. همه اینها پیشرویهایی جنبش کارگری است که باید آنها را حفظ کرد.

سیاست ضد کارگری "تعدیل نیروی انسانی" و کل تبعات آن در کردستان نیز اگر توسط اعتراضات متحدانه و همبسته کارگران روبرو نشود و به عقب رانده نشود، می تواند لطمات بیشتری را به کارگران وارد نماید. بنابراین سازماندهی مبارزه در برابر این سیاست ضد کارگری دولت و کارفرمایان و همزمان طرح مطالباتی نظیر پرداخت دستمزدهای معوقه، برخورداری از امکانات رفاهی، بازگشت به کار کارگران اخراجی، و به رسمیت شناخته شدن حق اعتصاب و تشکل آن محورهای کلیدی می باشند که باید در دستور روز مبارزه کارگران قرار بگیرند. بی شک جنبش کارگری در کردستان و رهبران و فعالین عملی این جنبش این توانایی و درایت را دارند که کل طبقه کارگر در کردستان را برای رسیدن به این خواستههای برحق مخاطب قرارداده و این نیروی عظیم را در برابر دولت و کارفرمایان و تعرضاتشان سازماندهی کرده و بدین وسیله سیاستهای ضد کارگری رژیم اسلامی و کارفرمایان را که در صدد تحمیل فقر و فلاکت و بی حقوقی به کارگران می باشند را، با شکست روبرو سازند. \*

حمایت از مبارزاتشان را جلب نموده و بدین طریق به موفقیتهایی نیز دست یابد. اینها دستاوردهای این جنبش فقط در طول یکی دو ماه گذشته بوده است. مطالبه حق اعتصاب و تحمیل دوفاکتوی حق اعتصاب به دولت و کارفرمایان علیرغم تهدیدات آنها پیشروی دیگری بود که کارگران در صدد تثبیت آن می باشند. نفس تحمیل دوفاکتوی حق اعتصاب، فراخوان برای مجمع عمومی کارگران برای بحث و تبادل نظر حول حوش مسائل و مشکلات کارگران در حین اعتصاب و در محیط کار و در برابر چشمان دولت و کارفرمایان، خود بیانگر توازن قوای جدیدی بین کارگران با دولت و سرمایه داران است. توازن قوایی که توانست حداقل در مورد اعتصابات کارگران نساجی، قدرت اتحاد و همبستگی کارگری را تا رسیدن به خواستههای کارگران به نمایش گذاشته و خواستههای کارگران را به کارفرمایان و دولت تحمیل نماید.

اینها نمونه های موفقیتی از مبارزات کارگران بر علیه دولت و کارفرمایان است. نمونه هایی که درس های زیادی برای کارگران و برای مبارزات آتی شان در خود دارد. رادیکالیسم موجود در این جنبش جوان، سمپاتی بخشهای وسیعی از مردم با این رادیکالیسم و حمایت از مبارزات برحق کارگران آن شرایط و وضعیتی را به دولت و کارفرمایان تحمیل

کارگری و بویژه اعتصابات چند روزه کارگران نساجی و شاهو نشان داد که جنبش کارگری در کردستان و بخش پیشرو آن دارد خودش را برای یک رویارویی جدی و تعیین کننده با تعرضات کارفرمایان و دولت آماده می کند. رهبران عملی و فعالین جنبش کارگری در نساجی ها، نانوائیها و سایر مراکز بزرگ ضرورت مقاومت و سازماندهی مبارزه را دیده و برای به عقب راندن حملات کارفرمایان در حال سازمان دادن اعتراضات وسیع می باشند. اعتصابات و مبارزات چندین روزه کارگران طی یک ماه گذشته نشان داد که این جنبش و به خصوص رهبری و بخش پیشرو این رهبری به آن درجه از قابلیت و رشد و پختگی سیاسی ارتقا پیدا کرده که قادر است علیرغم تهدیدات مکرر نیروهای سرکوبگر رژیم کارگران را برای وصول مطالباتشان به میدان بیاورد. اعتراضات و اعتصابات کارگران برای نقد کردن دستمزدهایشان، مبارزه برای بازگشت به کار کارگران اخراجی، مطالبه پرداخت حقوق و دستمزد برای روزهای اعتصابات کارگری، همه و همه شاهد تحركات جدی در جنبش کارگری در کردستان است. به عبارتی دیگر جنبش کارگری در کردستان به خصوص در رشته نساجی و سایر واحدهای بزرگ تولیدی توانسته خودی نشان داده و سمپاتی و همراهی بخش های مختلف کارگری در

کارگری، به تعویق انداختن وام های مسکن از جمله سیاستهای کارفرمایان در کردستان می باشد. سیاستهایی که کل جنبش کارگری را برای دفاع از دستاوردهایش و مبارزه برای بهبود وضعیت شغلی شان و برای به عقب راندن تعرضات دولت و کارفرمایان به میدان آورده است.

در کنار این تعرضات دولت و کارفرمایان باید به وجود بیکاری وسیع نیروی کار جوان در کردستان اشاره کرد. بر اساس آمار و ارقام ارائه شده توسط حکومت بیش از ۳۵ درصد نیروی فعال و آماده به کار در کردستان بیکار هستند. به عبارتی نیروی کار ارزان به وفور وجود دارد. در این میان کارفرمایان با استخدام های موقت به همراه دستمزدهای به مراتب پایین تر و بدون امکانات، از این بخش از نیروی کار به عنوان حربه ای بر علیه جنبش کارگری استفاده می کنند. کارفرمایان برای کنترل و مهار مبارزات کارگران و مطالباتشان و برای وادار کردنشان به پذیرش سیاستهای ضد کارگری دولت و صاحبان صنایع، مدام استفاده از استخدام قراردادی و موقت را به عنوان چماق تهدیدی بر بالای سر کارگران شاغل گرفته اند.

اما کارگران در برابر این تهدیدات دولت و کارفرمایان بخصوص در برابر عدم پرداخت دستمزدها و بیکارسازیها ساکت ننشسته اند. دور اخیر مبارزات

## اعتصاب کم نظیر ماشین سازی اپل

منظم خود ادامه بدهند. کارگران کارخانه اپل در دو شهر دیگر آلمان نیز به این اعتصاب کم سابقه پیوستند. روز چهارم اعتصاب ۴۰۰۰ نفر در بوخوم و چند شهر دیگر به خیابانها آمدند تا اتحاد خود را با کارگران اعلام کنند. کارگران کارخانه ماشین سازی پورشه نیز آن روز به سر کار نرفته و به نشانه اتحاد و همبستگی در تظاهرات شرکت کردند.

این اعتصاب از هر لحاظ کم نظیر بود. از یک طرف سرعت عمل کارگران کارخانه اپل در اعلام اعتصاب به محض شنیدن خبر بیکارسازیها و مصمم بودن آنها در ادامه این اعتصاب و از طرف

دیگر اعلام همبستگی بین المللی و گسترده ای که در مدتی کوتاه با کارگران اپل صورت گرفت رنگ و بویی متفاوت به این اعتصاب میداد. در سوئد نیز يك روز کارگران کارخانه ماشین سازی ساب متعلق به کنسرن جنرال موتورز اعتصاب کردند. کارگران کارخانه اپل در لهستان با پخش اطلاعیه بین کارگران اعلام اتحاد و همبستگی با همکاران خود در آلمان کردند.

یکی از نکات جالب اعتصاب کارگران اپل این بود که این اعتصاب طبق روال معمول شروع نشد. این در واقع يك اعتصاب غیر قانونی بود که به آن

"اعتصاب وحشی" میگویند. معمولاً اعتصابات از طرف اتحادیه ها اعلام میشوند و بعد از مدتی بحث و صحبت بین کارگران و با کارفرما اگر به نتیجه ای نرسیدند اعتصاب را شروع میکنند. اما این بار کارگران کارخانه اپل منتظر اتحادیه و کارفرما نشدند. با اراده، عزم و اتحادی بالا اعتصاب خود را شروع کردند و نشان دادند که کارگران میتوانند خود تصمیم بگیرند و آنرا عملی کنند. آنها به قول و قرارهایی که داده شده است اعتماد نمیکردند. وزیر اقتصاد آلمان فراخوان داد و از کارگران خواست که دوباره به سر کار بروند. اما با بی اعتنایی کارگران روبرو شد. روز شنبه به کارگران گفته شد که میتوانند مطمئن باشند که کار خود را تا سال ۲۰۱۰ از دست نخواهند داد. فردای آن روز قرار شد که

همه بخشهای کارگران اپل در گردهم آیی راجع به ادامه و یا عدم ادامه اعتصاب و گامهای بعدی تصمیم بگیرند. کارگران تصمیم گرفتند که به اعتصاب خود موقتا پایان دهند و منتظر عکس العمل صاحبان کارخانه بمانند. آنها صریح و روشن گفته اند که اگر کارفرمایان به قولهای خود عمل نکنند و بخواهند باز هم به سیاست بیکارسازیها ادامه دهند، کارگران نیز اعتصابات خود را این دوباره شروع میکنند.

موج بیکارسازیها در آلمان همچنان ادامه دارد. تقریباً هر هفته خبر اعلام پاکسازی از طرف صاحبان کارخانه ها و شرکتهای بزرگ داده میشود. کارگران فقط با اتحاد و همبستگی خود میتوانند مانع این موج بیکارسازیها شوند. ۲۱ اکتبر ۲۰۰۴

## گوشه ای از حمله دولت آلمان به حقوق کارگران

تقبل کنند. مثلاً هر روز بیمارستان ۱۰ یورو و یا بیمار باید برای داروی به قیمت ۵۰ یورو مبلغ ۱۳ یورو بپردازد.

### بیکاران

بیکاران در آلمان به نسبت ضعیفتر و بی دفاعترند، بهمین دلیل حمله به آنها و حتی استفاده از آنها علیه شاغلین بسیار آسانتر است. زندگی آنها تاکنون از طریق اداره بیمه بیکاری و اداره کمک هزینه برای پرداخت کرایه خانه و... تامین میشد. از تاریخ اول ماه ژانویه ۲۰۰۵ فقط يك اداره مسئول تامین و سرپرستی بیکاران میشود. این اداره همزمان يك شرکت بزرگ کاری است، یعنی صاحب کار است و هر وقت میل داشته باشد میتواند افراد تحت پوشش را با یکساعت کار با دستمزد يك یورو سر کار بفرستد. این شرکت میتواند کارهای خدمات اجتماعی را از همین افراد کنتراست کند و برای انجام آن از بیکاران استفاده کند. این اداره آدمها را کرایه میدهد یعنی اگر کسی مثلاً برای ۱۰ روز ۵ نفر را خواهد

میتواند افراد مورد نظر خود را از اداره کار کرایه کند و بعداً آنها را پس دهد. اتحادیه فلز و کارفرما توافق نمودند که برای مقابله با بیکاری میشود آدمهای فعلاً بیکار را با حقوق کمتر از همکاران شاغل فعلی استخدام کرد و این رسماً به صاحبان کار اجازه میدهد تا استثمار را تا جایی که میتوانند ادامه میدهند و شاغلین فعلی را بترسانند. وقتی که کاری از طرف اداره کار معرفی شود انجام آن اجباری است و در صورتی که شخص بیکار آنرا نپذیرد، از حقوق بیکاری او کم و یا کلاً حقوقش قطع میشود. خیلی از کارفرماها در حال حاضر کارگران خود را بیرون میکنند برای اینکه بتوانند از خیل بیکاران با حقوق کمتری استخدام کنند. این وضع رو در روئی جدی می طلبد. در حال حاضر کارگر در غیاب يك حزب قاطع و کارا با این وضع روبرو میشود، کارگر دارد بسراغ يك جنگ میرود بدون اینکه اسلحه اش را داشته باشد. \*

میکند باید کسر شود. چرا که بقول آنها کارکنان در آلمان به نسبت خیلی از کشورهای اروپایی حقوق بیشتری میگیرند، و صاحبان سرمایه ضرر می بینند.

- قانون اخراج از کار و حمایت از کارگر باید تغییر کند و کلاً باید لغو بشود و یا به نفع صاحب کار تغییر یابد.

- تعطیلات سالیانه و روزهای مرخصی باید کم شود.

- تعطیلات سالیانه عمومی باید بخشا به روز کار تبدیل شود و... همه اینها بدون حقوق اضافی و تازه از حقوق فعلی هم ۳۰ درصد کم میکنند.

- سن کارکردن مردها از ۶۵ سال باید به ۶۷ سال و زنان از ۶۳ سال به ۶۵ سال افزایش یابد.

- شاغل و بیکار باید بخشی از هزینه درمانی خود را در اوقات بیماری

دستاوردها شدت گرفته است. دولت شوردر و حزب سوسیال دمکرات و حزب سبز اسم این حمله را "برنامه کار ۲۰۱۰" (Agenda 2010) گذاشته اند. برنامه ای است که میخواهد انباشت سرمایه در آلمان را سریعاً بالا ببرد و از این طریق با سرمایه های خارجی قدرت رقابت را بالا ببرد. اما برای این انباشت سرمایه باید دست به جیب کسانی ببرند، بهمین دلیل به حقوق و دستاوردهای کارگران و مردم حمله میبرند. معنی "برنامه عمل ۲۰۱۰" به پیشنهادات تکمیلی حزب دمکرات مسیحی چنین است:

- میانگین ساعت کار هفتگی امروز ۳۷/۵ ساعت است، این حداقل باید به ۴۲ ساعت افزایش یابد و حقوق اضافه ای هم در کار نیست.

- ۳۰ درصد از حقوق هر کدام از ۳۵ میلیون نفری که در حاضر کار

## کارگر کمونیست

# را تکثیر کنید و آنها بدست دوستان و آشنایان برسانید!

## نامه ها - پاسخ به نامه ها

در این ستون خلاصه برخی از نامه های رسیده به کمیته تشکیلات کل کشور و پاسخ به آنها درج میشود.

از رفقای کارگر درخواست میکنیم که سوالات و نظرات خود را درباره موضوعات مختلف جنبش کارگری و مسائل پیشروی خود در مبارزه و اعتراضات جاری کارگری را برای کمیته تشکیلات کل کشور حزب و نشریه کارگر کمونیست ارسال کنند. بسیاری از مباحث و مسائلی که برای شما مطرح میشود مسائل مشترک دیگر رفقای کارگر و مبارزه آنها نیز هست، بهین دلیل انعکاس آنها اهمیت دارد. ما این مباحث و سوالات را همراه پاسخ به آنها در نشریه منعکس میکنیم. منتظر نامه ها و نظرات شما هستیم.

کارگر کمونیست

### درباره معرفی افراد

دوست عزیز و مبارزم! با درودهای انقلابی

اخیرا در صدد آن برآمده ام تا با ارتباط با شما، در مورد کار و فعالیتت برخی راههای عملی تر را با هم مورد بحث قرار دهیم. شایان ذکر است که در ایران بجز برخی افراد که به واسطه کمونیست بودن زندانی کشیده اند، با کسی آشنایی ندارم و دوست دارم افرادی را به من معرفی نمایید تا هر کجا که هستند به سراغ آنان رفته و مستمر تر و منسجم تر مبارزه کنیم. خوشبختانه خود من در جذب و جلب جوانان موفق بوده ام و امید است با همت و همیاری شما گامهای بهتری در جهت آزادی برداریم. در مجالسی دیگر بیشتر با شما خواهم گفت.

آریا رضایی

\*\*\*

دوست عزیز آریا، خوشحالم که تلاش میکنید، در مورد کار و فعالیتتان در آنجا، با ما هم نظری بیشتری داشته باشید. ما طبعاً از این تصمیم شما استقبال میکنیم و هر سوال و نکته ای دارید برایمان بنویسید. حتماً به آنها پاسخ خواهیم داد.

گفته بودید که کسانی را به شما معرفی کنیم. ما معرفی فعالین حزب به یکدیگر در داخل کشور را به لحاظ امنیتی و حفظ امنیت تک تک شما

پوشش اجتماعی وسیعی که بدست می آورند، هر روز فعالیت گسترده تری را به پیش میبرند. حوزه هایی که با فعالیت هر روزه خود به مرکزی برای جهت دادن به مبارزات جاری در جامعه و متشکل ساختن مردم در اشکال مختلف و ایجاد همبستگی در میان اعتراضات مردم تبدیل میشوند. شما در نامه خود اشاره به این کرده اید که با تعدادی از فعالین جوان و معترض مرتبط هستید. روشن است که کمونیست کردن و همفکر کردن این جوانان، اولین گامی است که باید برداشت و شروع خوبی برای کار و فعالیت شماست. بویژه دانشگاه مرکز مهمی است و از طریق این جوانان میتوان به این مراکز دست یافت و فعالیت وسیعی را به پیش برد. آنوقت میتوان ادبیات حزب را به دست این جوانان رساند و در مراکز دانشجویی پخش و توزیع کرد. میتوان از اوضاع دانشگاهها و مبارزاتی که در آنجا صورت میگیرد ما را مطلع ساخت و برای حزب اخبار و گزارش فرستاد. میتوان مبتکر ایجاد تشکلهای مختلف در میان جوانان و دانشجویان، از جمله مبتکر تشکیل انجمن های آزادی و برابری شد. میتوان با پیوستن به کمپین های اعتراضی مختلف و کمک به این کمپین ها به هر شکلی که برایتان ممکن و عملی است، نظیر جمع کردن امضاء و دادن پیامهای حمایتی نیروی اعتراضی بزرگی را حول این کمپین ها بسیج کرد. کمپین هایی چون، کمپین علیه حکم اعدام لیلا دختر جوانی که اخیراً حکم اعدام گرفته است. کمپین علیه حکم حبس تعزیری ژیل و برادرش بختیار ایزدی که هم اکنون در خانه سلامت سندنجد در بازداشت بسر میبرند و خواست آزادی فوری آنها و یا کمپین در حمایت از کارگران آزاد شده اول مه سقز که دوباره به دادگاه احضار شدند و دهها کمپین اعتراضی دیگر که به ایجاد همبستگی مبارزاتی در میان بخش های مختلف جامعه یاری میرسانند. خلاصه کارهای بسیار و متنوعی است که میتوان انجام داد و همین امروز میتوان دست بکار شد. اینها همه اشکال متنوعی از فعالیت است که به یک فعال حزبی امکان میدهد که در

ابعادی اجتماعی و وسیع فعالیت خود را به پیش برد. شما تصورش را بکنید، حوزه هایی که کانون پیشبرد چنین فعالیت هایی هستند، در توده ای کردن نفوذ حزب و توده ای کردن رادیکالیسم در سطح جامعه چه نقش موثری میتوانند داشته باشند. دوست من امیدوارم تا همین حد شما پاسخ سؤالتان را گرفته باشید. من سعی خواهم کرد در نوشته ای جداگانه در تشکیل حوزه های حزبی و شکل فعالیت آنها بیشتر توضیح دهم.

از شما میخواهم که با ما مرتباً در تماس باشید. اخبار و گزارش بفرستید. از گسترش کارهایتان و روابطتان ما را با خبر کنید. برایمان آدرسهای ای میل بفرستید تا برای آنها نشریه ارسال کنیم. ما هم اکنون دهها هزار آدرس ای میل از ایران داریم که مرتباً نشریه ارسال میکنیم، ما را در جمع کردن آدرس بیشتر کمک کنید. من تلاش میکنم مرتباً آدبیات و نوشته های منصور حکمت را برایتان بفرستم.

موفق باشید

شهلا دانشفر

\*\*\*

### معرفی کادرها بهمدیگر

با سلام و خسته نباشید مسئولیت جدیدتان را تبریک میگویم و امیدوارم بتوانید خون تازه ای در رگهای حزب در داخل وارد کنید. مساله مهم برای ما که در داخل زندگی میکنیم سرعت عمل است. هر روزی که زیر ستم جمهوری اسلامی زندگی میکنیم از عمرمان تلف میشود. به نظر من باید راهکاری برای تشکیل هسته های منسجم داخل که هم مسئولیت زا و هم برانگیزاننده هستند (پیدا کرد). این پیشنهاد که هر کس افرادی را دور خودش جمع کند و در بهترین حالت هسته های منفردی ایجاد میکند، اگر موفق باشد!، که به نظر من عمومی و کارگشا نیست. خیلی از نیروها را باید برانگیخت و این با ارتباطات سازمانی میسر میشود. راهکاری که به نظر من رسیده اینست که برای معرفی افراد به هم میتوان از کادرها کمک گرفت. هر

کادری در داخل آشنایانی دارد که قابل اعتماد هستند. با معرفی این افراد به هم این هسته ها شکل گرفته و بطور تصاعدی میتوانند تکثیر شوند. اگر با این پیشنهاد موافقت می شود بیشتر بحث کرد و جزییات آن را پیش بینی کرد.

خلاصه باید کار را عمل شروع کرد.

با امید موفقیت

**نوید مینایی**

\*\*\*

### ضرورت ترویج بحث شورا و سندیکا

با توجه به وجود گرایشات سندیکالیستی در جنبش کارگری و اخبار موجود در باره مبارزات اتحادیه های کارگری در اروپا و با وجود اینکه تشکلهای کارگری در ایران در حال شکل گیری مجدد هستند، لازمست بحث شورا و سندیکا بصورت وسیع در میان کارگران رواج پیدا کند. من طرح ایجاد اتحادیه های را از کارگران شنیدم و متوجه شدم که تفاوت شورا و سندیکا را نمیدانند. من از مشاهدات شخصی خودم این نتیجه را گرفتم. به نظر من باید ادبیات کارگری با زبان ساده را ترویج داد. این جنبش همه گیر شود و بر چسب فرقه ایدیولوژیک را هر بیشتر از آن دور کرد. مباحث باید با زبان ساده ولی با طرح مسایل بنیادی برای کارگران مطرح شوند و ترجیحا از اصطلاحات پیچیده استفاده نشود.

**نوید مینایی**

\*\*\*

دوست عزیز نوید! امیدوارم حالتان خوب باشد! نامه هایتان را دریافت کردم و بسیار خوشحال شدم. نوید عزیز از تبریک صمیمانه شما ممنونم و من هم امیدوارم با دخالت فعال شما دوستان بتوانیم بقول شما خون تازه ای در رگهای حزب در داخل وارد کنیم. واقعیت اینست که موقعیت اجتماعی حزب با وضعیت تشکیلاتی آن برابر نیست. حزب در سطح وسیعی در جامعه شناخته شده است. بویژه فعالیت های حزب در خارج کشور،

موقعیت کسی که میتواند در هر کجا که هست محیط پیرامون خود را متحول کند قرار ندهند.

بحث اینستکه جنبش چپ و گرایش چپ در درون جنبش کارگری و علی العموم در کل جامعه باید عرض اندام اجتماعی بکند. باید رهبران شناخته شده خود را داشته باشد. فعالیت در سطح علنی و اجتماعی بستر این فعالیت است. اکنون مردم در بخش های مختلف دارند متشکل میشوند و اعتراضاتشان را به پیش میبرند. میشود در راس این فعالیت ها قرار گرفت و به چهره هایی محبوب و شناخته شده تبدیل شد. تریبونها را در دست گرفت و به سخنرانان و سخنگویان محبوب جامعه تبدیل شد. این گونه از فعالیت حتی امنیت فعالیت ما را بیشتر میکند و رژیم به راحتی نخواهد توانست به رهبری که سخنگوی جنبش کارگران است، به رهبری که سخنگوی جنبش دانشجویان است و یا به رهبری که سخنگوی جنبش زنان است تعرضی بکند. بویژه در اوضاع سیاسی کنونی با اعتراض جامعه روبرو خواهد شد. نمونه بارز آن کارگران دستگیر شده سقز بودند که بعد از ۱۰ روز اعتراض و مبارزه از زندان آزاد شدند. کمپین های اعتراضی در سطح اجتماعی یک عرصه دیگر کار است. بطور مثال کمپین حمایت از کارگران آزاد شده سقز و احضار مجدد آنها به دادگاه، جمع آوری طومارهای اعتراضی با اسم و مشخصات واقعی کارگران و در مجامع عمومی کارگران و یا کمپین علیه اعدام کبری رحمانپور و یا افسانه نرورزی و یا ... میتوان در راس چنین حرکتی قرار گرفت و با جمع کردن طومارهای اعتراضی با اسم و رسم های واقعی مرکز ثقل حرکتی شد. این کار شدنی است. دیدید در رابطه با مساله اعدام افسانه نرورزی چه جنب و جوشی برپا شد. در بستر این نوع فعالیتها میتوان به شخصی معتبر، محبوب و شناخته شده تبدیل شد. بویژه اینکه حرفهای ما حرفهایی است که گوش شنوا دارد و در شرایطی که جامعه هر روز بیشتر به چپ میچرخد بیشترین برد را دارد.

همچنین تلاش برای متشکل

کنفرانس برلین و نقش مهم حزب در این کنفرانس، برنامه هر روزه آن از تلویزیون و رادیو همه و همه حزب را بعنوان یک جریان مطرح در جامعه معرفی کرده است. باید این نیرو را در ابعدی که هست سازمان داد. شما در نامه تان به عدم کارایی جمع هایی که حول خود افرادی را جمع میکنند اشاره کرده اید و تشکیل هسته های منسجم، هسته هایی که با معرفی افراد به هم را بعنوان آلترناتیوی بهتر طرح کرده اید و در واقع به ضرورت وجود سطحی از تمرکز در میان فعالین در داخل کشور اشاره کرده اید. من میفهمم که شما از نوع کار تا کنونی ناراضی باشید اما به نظر من شکلی که شما بعنوان آلترناتیو طرح میکنید پاسخ مشکل ما را نمیدهد. مشکل در تمرکز یا عدم تمرکز، در بهم وصل کردن تعدادی از فعالین و کادرها به یکدیگر و از این سطح نیست. بلکه مشکل مربوط به همان معضلی است که حمید تقوایی در بحث مربوط به ابراز وجود اجتماعی رهبران عملی و کارگران کمونیست طرح میکنند. مشکل سبک کار سنتی و دست و پا گیر است که مانع حرکت ما به جلو شده است. مشکل در اینست که فعالین ما هنوز در حاشیه جامعه فعالیت میکنند و در سطح اجتماعی و علنی ابراز وجود نمیکنند. به جنبش های دیگر نگاه کنید. به جریان ملی - مذهبی، سلطنت طلبها و غیره، میبینید که با چه اعتماد به نفسی و در ابعدی اجتماعی ظاهر میشوند و شخصیت ها و رهبران خود را در مقابل جامعه قرار میدهند. اما فعالین کمونیست، فعالین جنبش ما هنوز از موضع صاحب جامعه قد علم نمیکنند. این بحثی بود که منصور حکمت نیز در بحث های مربوط به حزب و جامعه (از گروه فشار تا حزب سیاسی) مطرح کرد. از کسب قدرت سیاسی، از حضور اجتماعی حزب و نقش شخصیت ها و رهبران در سطح جامعه صحبت کرد و حمید تقوایی این بحث را در ابعد کار در داخل ایران بسط داد. واقعیت اینست که فعالین ما خود را در موقعیت یک رهبر، در موقعیت کسی که در مورد همه مسایل جامعه حرف دارد، در

شدن، ایجاد انواع و اقسام نهادها و انجمن ها، در کارخانجات دامن زدن به جنبش مجامع عمومی گام مهم دیگری در این جهت و فعالیت در ابعدی اجتماعی است. بویژه اکنون ما شاهد جنب و جوش بالایی به لحاظ سازمانیابی مبارزات در سطح جامعه هستیم. بنا به گزارشات تنها ۱۳۰۰۰ تشکل در صف انتظار برای گرفتن مجوز هستند. بنابراین تلاش برای ایجاد انواع و اقسام نهادها و انجمن ها، امکان گرد آوردن نیروی اجتماعی وسیعی حول ما بوجود میآورد و امکانات اجتماعی وسیعی در مقابل ما قرار میدهد. در کنار همه این فعالیتها تلاش برای بوجود آوردن همبستگی در مبارزات بخش های مختلف جامعه و جمع آوری امضاهای حمایتی، در مجامع عمومی کارگری و در مجامع مختلف در میان بخش های مختلف جامعه همه و همه ظرفهای مناسبی برای ابراز وجود اجتماعی حزب و رهبران اعتراضات و فعالین کمونیست و به جلو صحنه آمدن آنها بعنوان شخصیت های شناخته شده و محبوب جامعه است. در بستر این فعالیت است که میتوان عرصه های وسیعی از کار و فعالیت را به روی خود گشود.

طبعاً یک تاکید مهم ما در این دوره ساختار دادن به خود حزب در داخل کشور است. یعنی ساختن حوزه های حزبی است. اینکه فعالین حزبی در داخل کشور در هر کجا که هستند حوزه های خود را تشکیل دهند و این حوزه ها به کانونهایی برای پیشبرد و هدایت فعالیت در ابعد اجتماعی ای که گفتم تبدیل شود. حوزه هایی فراکارخانه ای که در راس شبکه های مبارزاتی موجود قرار دارند و بر اساس افق و چشم اندازی که حزب در مقابل خود قرار داده است، سیاستها و شعارهای حزب را در این شبکه ها جا میاندازند و مهر خود را بر اعتراضات جاری میکوبند. حوزه هایی که مخفی هستند و سازمانده و جهت دهنده فعالیت شبکه های مبارزاتی جاری هستند. حوزه هایی که در تماسی نزدیک و منظم با حزب قرار دارند و به این ترتیب نبض داخل کشور و خارج کشور حزب با هم میزند.

من برای روشن شدن بحث مقالاتی که در این زمینه حمید تقوایی نوشته است و همینطور مباحث منصور حکمت در همین رابطه را برایت میفرستم. امیدوارم با این توضیحات پاسخ نکاتی را که طرح کرده ای را داده باشم. بازهم نظراتت را برابم بفرست.

با تشکر فراوان  
**شهلا دانشفر**

۱۳ سپتامبر ۲۰۰۴

\*\*\*

### استخدام قراردادی

خانم دانشفر با سلام و خسته نباشید خدمت شما اینجانب خیلی خوشحال هستم از این که بعد از سالها حزب محبوب خود را پیدا کردم. امیدوارم مرا بعنوان عضو کوچک حزب قبولم داشته باشید. اینجانب به عنوان یک کارگری که ۲۶ سال سابقه خدمت در محیط های کارگری را دارم تجربیات زیادی دارم و از ریزه ترافند های سرمایه دار خوب آشنایی دارم که چگونه کارگر بعد از همه مشکلات کمبود حقوق و غیره مساله قراردادهای موقت کار است که بسیار بحث انگیز شده است. به تعبیر من قرارداد موقت کار یعنی خلع سلاح کارگر. شما سربازی را تصور کنید که اسلحه او را بگیرند و به جای آن یک چوب دستی به آن بدهند و بگویند از خود دفاع کن. کارگر وقتی استخدام نباشد کارفرما هیچ تعهدی نسبت به آن احساس نمیکند و با کوچکترین اعتراض مورد تهدید اخراج قرار میگیرد و به همین خاطر مجبور است هر نوع زور و ظلمی را قبول کند ولی این کارگر آتشی است زیر خاکستر که منتظر فرصتی خواهد بود تا حق از دست رفته خود را به دست آورد. حتما به موضوع قراردادهای موقت کار بیشتر بپردازید و در مورد آن در نشریات بنویسید.

منتظر جواب این نامه هستم هر چند کوتاه  
موفق پیروز و سربلند باشید  
برقرار باد حکومت کارگری  
**کامبیز**

### حق ایاب و ذهاب

رفیق شهلا دانشفر خسته نباشید در شب قبل در تلویزیون در بحث در مورد ساعت کار کارگران در مورد زمان ایاب و ذهاب صحبت میکردید، میخواستم بگویم که یک کارگر در ماه اگر ۳۰ ساعت از وقت خود را در راه رسیده به محل کارش طی کند در ماه فقط ۸۰۰ تومان حق ایاب و ذهاب میگیرد. نکته دیگر اینکه در ماه رمضان که کارگر در کارخانه نهار مصرف نمیکند حق نهارش چه میشود. در این مورد صحبت کنید و چون ممکن است نتوانم از طریق تلویزیون جواب شما را بشنوم در نشریات مثلا کارگر کمونیست حتما به این مطلب اشاره کنید که نظر شما را بدانم.

ارادتمند شما

### کامبیز

\*\*\*

کامبیز عزیز در رابطه با هزینه ایاب و ذهاب و احتساب آن بعنوان ساعت کار، من هم با شما موافقم و حق با شماست. واقعیت اینست که در جمهوری اسلامی اولیه ترین حقوق کارگر به رسمیت شناخته نمیشود. بقول شما بعضا کارگر ۳۰ ساعت در ماه را صرف ایاب و ذهاب میکند بدون اینکه مزدی بابت آن دریافت کند. در حالیکه وقتی از ساعت کار کارگر صحبت میکنیم، طول روز کار را باید در نظر بگیریم. بطور واقعی روز کار از زمانی شروع میشود که کارگر از خانه اش بیرون می آید تا هنگامی که به خانه برمیگردد. این مدت زمانیست که کارگر در اختیار خودش نیست و به کارفرما فروخته شده است. در این مدت کارگر نمیتواند کاری برای خودش انجام دهد. بنابراین روشن است که روز کار باید زمان ایاب و ذهاب کارگر به کارخانه را نیز شامل شود. یعنی باید بابت ساعت ایاب و ذهاب به کارگر مزد پرداخت شود. اینکه محاسبه زمان آمد و رفت کارگر به کارخانه چگونه است، طبعا کار دشواری نخواهد بود و فرضا میتواند بر اساس حد متوسط مدت رفت و آمد به محل کار در هر منطقه تعیین شود.

تجربه آن وجود دارد و هم اکنون در خیلی جاها در سطح اروپا این زمان محاسبه شده و بابت ساعت ایاب و ذهاب و هزینه رفت و آمد به کارگر مزد پرداخت میشود. مهم اینست که در این مورد نیز طبعا این نمایندگان واقعی و منتخب کارگران هستند که باید این حد متوسط زمان ایاب و ذهاب در هر منطقه را تعیین کنند و ضامن اجرای آن باشند.

کامبیز عزیز شما همچنین در مورد استخدام های قراردادی و ابعاد گسترده این کار در ایران نوشته بودید و در خواست کرده بودید که در این مورد در تلویزیون و در نشریاتمان بحث داشته باشیم. در همین رابطه من در برنامه تلویزیونی کارگران و یک دنیای بهتر در کانال جدید مصاحبه ای داشتم با فاتح بهرامی که متن پیاده شده آن در همین شماره نشریه به چاپ رسیده است. به شما توصیه میکنم که این مطلب را بخوانید و اگر نکات دیگری به نظرتان رسید که باید به آنها پاسخ داده شود حتما برایمان بنویسید.

### شهلا دانشفر

\*\*\*

### کارگر آگاه

رفیق دانشفر با سلام و خسته نباشید خدمت شما  
این نامه را برای نشریه کارگر کمونیست می نویسم و می خواهم بگویم که چرا سرمایه داران از کارگر این گونه وحشت دارند، که حتی جرأت ندارند اول ماه مه را به عنوان روز کارگر نام گذاری کنند.

اگر بخواهیم بطور واقع بینانه و به دور از اغراض این مساله را تشریح کنیم واقعیت آن است که در دهه های گذشته سرمایه داران همیشه سعی داشتند کارگران کم سواد را استخدام کنند تا خیالشان از استثمار راحت باشد حتی کارگرانی بودند در کارخانجات که محاسبه حقوق خود را هم نمی دانستند و اگر کارگرانی هم لابلای این کارگران

بودند که پیشرو بودند اینها چون تعدادشان کم بود به راحتی سرکوب می شدند. شما تصور کنید که اگر آن زمان می خواستیم حزب کمونیست کارگری را بین کارگران ببریم میبایست افرادی شفاها دست به این کار می زدند و نحوه عملکرد حزب را تشریح می کردند ولی اکنون اکثر کارگران باسواد هستند و شما کافی است که فقط نشریه را در اختیارشان بگذارید و بخوانند بدانند شما چه می گوید. اوضاع با گذشته فرق کرده با ورود صنایع الکترونیکی سرمایه داران مجبور شدند از کارگران باسواد استفاده کنند. این کارگران مثل سابق از محاسبه حقوق و دست رنج خود دیگر عاجز نیستند، قانون کار مطالعه می کنند، از اینترنت استفاده می کنند، اطلاعات کسب می کنند و اوضاع کارگری خود را با سایر کشورها مقایسه می کنند و حقوق از دست رفته خود را طلب می کنند. کارگر امروزی را دیگر نمی توان مثل گذشته گول زد و بهش بگویند عرق تو مثل خون شهید است یا افتخار کن که کارگر هستی محمد دست کارگر را بوسید اینها دیگه کهنه شده کارگر امروزی همان امکاناتی می خواهد که کارگر سایر کشورها دارند. کارگر امکاناتی را می خواهد که فرزندش را به دانشگاه بفرستد نه آن که از فقر و تنگدستی فرزند خرد سالش را به کار روانه کند تا کمک خرج او باشد. تا اینجا روشن شد که کارگران برای گرفتن حقوق واقعی خود آمادگی دارند اما سرمایه دار ساکت ننشسته و دست به دامان خانه ملت شده (مجلس) و خواسته که برای سرکوب این گونه کارگران فکری بکنند که اتفاقا خیانت کاران به ملت هم قبول کردند و به سرمایه داران گفتند که شما می توانید کارگران را موقتی بکار بگذارید که اگر چنانچه هر زمان کارگری خواست غیر از آن چه شما امر می فرمایید عمل کند قراردادش را تمدید نکنید و خیال خودتان را راحت کنید. این هم از خدمات خانه ملت به کارگران برقرار باد حکومت بی طبقه کارگری با تشکر  
**کامبیز**

Tel: 0044 795 051 7465  
Fax: 0044 870 135 1338  
markazi@ukonline.co.uk

دفتر  
مرکزی  
حزب

# اخباری از مبارزات و اعتراضات کارگران

## اول اردیبهشت تا دی ماه سال جاری

### تنظیم گزارش: شهلا دانشفر

اعتراضات کارگری امروز در متن اوضاع پر التهاب جامعه همچنان روندی رو به رشد دارد. اعتصاب، راهپیمایی، و اولتیماتوم دادن به اشکال معمول اعتراضات امروز کارگران تبدیل شده است. در شش ماهه اخیر نیز ما شاهد گسترش اعتراضات کارگری و اعتصابات طواری مدت نظیر اعتراض و مبارزه کارگران مجتمع دشت مغان بودیم که با راهپیمایی های پی در پی در شهر به موضوع مهم در محل تبدیل کردید.

موضوع اصلی اعتراضات کارگری امروز همچنان اعتراض علیه دستمزدهای پرداخت نشده و بیکارسازیهاست اما شکل اعتراضات تماما حاکی از روحیه بالای اعتراضی در میان کارگران و حاکی از آنست که امروز اعتراضات کارگری دارد اشکال سیاسی تر و تعرضی تری بخود میگردد. علاوه امروز ما در مبارزات کارگری اشکال پیشرفته تری از همبستگی و اتحاد کارگری را شاهدیم. پیامهای همبستگی و حمایت از مبارزات کارگران در بخش های مختلف، دادن قطعنامه و بیانیه و انعکاس اخبار کارگران در سطح جامعه و حتی بین المللی بیش از پیش دارد به سنت های رایج جنبش کارگری تبدیل میشود و اتخاذ چنین اشکالی از مبارزه باعث شده که امروز مبارزه کارگران بیش از هر وقت به صحنه سیاسی جامعه کشیده شود. ده روز کمپین و اعتراض برای آزادی دستگیر شدگان اول مه در سقز که یک سر این کمپین در سقز و سر دیگر آن در اقصا، نقاط جهان در استرالیا و آمریکا بود و سرانجام با آزادی کارگران دستگیر شده و در میان جشن و شادی مردم شهر سقز به پیروزی رسید، قطعنامه کارگران در اول مه که یک بند آن به حمایت از کارگران خاتون آباد اختصاص داشت، پیام همبستگی کارگران نساجی در تجمع اعتراضی شان در اول مه در حمایت از اعتصاب معلمان، تجمع اعتراضی کارگران نساجی در کاشان و پیوستن جوانان شهر به صف اعتراض آنان، بیانیه اعلام پیروزی کارگران ایران خودرو بخاطر پیروزی شان برای بازگرداندن همکاران اخراجی خود بسر کار تحت عنوان اینکه رمز پیروزی ما همبستگی بین المللی کارگری بود، ۵ روز اعتصاب و تحصن کارگران نساجی سقز و حمایت وسیع مردم این شهر از اعتراض آنان، کنترل کارخانه توسط کارگران کارخانه چینی مهدی یزد برای گرفتن حقوق معوقه و بالاخره راهپیمایی کارگران کشت و صنعت کارون همه و همه نمونه های برجسته ای از پیشروی جنبش کارگری در شرایط کنونی است. اینها همه

نمونه هایی از اعتراضات کارگریست که در مقابل جنبش کارگری افق دیگری از مبارزه و اعتراض گشوده است و حاکی از قوام یافتگی و سازمانیافتگی مبارزات کنونی در شرایط امروز است. اخبار زیر فشرده ای از اخبار اعتراضات کارگری در ۸ ماهه اخیر است که گوشه هایی از این پیشروی ها را میتوان در آن دید.

- روز ۹ دیماه ۸۵۰ نفر از کارگران کارخانه رینگ سازی مشهد وابسته به شرکت ایران خودرو در اعتراض به عدم پاسخگویی به خواستههایشان دست به اعتصاب زدند. این کارگران روز ۳۰ آذر ماه برای رسیدگی به خواستههای خود دست از کار کشیده و اعلام کرده بودند که در صورت عدم پاسخگویی به خواستههایشان، باز هم دست از کار خواهند کشید. اعتصاب ۹ دیماه کارخانه رینگ سازی مشهد پس از اولتیماتوم ۹ روز قبل کارگران بوقوع پیوست. خواستههای کارگران عبارتند از: \* رسمی شدن کارکنان قراردادی \* رسیدگی و مساعدت به کارگران بازنشسته \* استخدام فرزندان کارکنان بازنشسته \* تعیین تکلیف سهام پارسین

مبارزه کارگران کماکان ادامه دارد. لازم به یادآوری است که مدتی پیش دهها شرکت وابسته به ایران خودرو در اعتراض به وضعیت بد کارگران قراردادی و بی حقوقی های اعمال شده در حق این کارگران اعتراضات وسیع و گسترده ای را آغاز کرده و تاکنون کارگران دهها شرکت از خواستههای کارگران پیمانی و قراردادی ایران خودرو و مبارزات آنها حمایت کرده اند.

- جمعی از کارگران ایران خودرو با صدور اطلاعیه ای در دوم دیماه، حمایت و همبستگی کارگران رسمی این کارخانه را با مبارزات اخیر کارگران قراردادی و پیمانی این شرکت اعلام کردند.

- روز دوم دیماه بیش از ۳۰۰ نفر از کارگران مجتمع بزرگ ماشین سازی اراک، نسبت به نادیده گرفتن موقعیت شغلی سخت و زینتاری خود که باید به بازتشیستگی پیش از موعد کارگران بیانجامد، دست به اعتصاب زدند.

- روز ۲۹ آذر ماه ۳۰ تن از کارگران اخراجی کارخانه آذرخش شاهرود در اعتراض به بیکار شدن خود در مقابل اداره کار و امور اجتماعی شاهرود تجمع کردند. کارگران اخراجی دلیل اخراج خود را ابراز نارضایتی از

شرایط سخت و ناامن کار و اعتراض به سواستفاده مالی مدیریت اعلام کرده اند.

- در اواخر آذرماه گروههایی از کارگران شرکتهای ایپاکو که سازنده قطعات اتومبیل است و شش کارخانه رینگ سازی مشهد، الکترو خودرو، آگزور خودرو خراسان، کابل خودرو سبزوار، ایمن خودرو خراسان و قطعات محوری خراسان را شامل می شود، در اعتراض به عدم ایمنی شغلی و خطر اخراج از کار خود در محل کار خود دست به تجمع زدند. در هفته سوم آذر ماه کارگران شرکت کنسرو سازی فذلك در خوزستان نسبت به نبود امنیت شغلی، دست به تجمعی اعتراضی زدند. بیشتر کارگران این شرکت با قراردادهای سفید و کوتاه مدت کار می کنند و نگرانی از اخراج مشکل دائمی کارگران را تشکیل می دهد.

- در هفته سوم آذر ماه کارگران شرکت کرم کمیکال در اعتراض به تعویق حقوق ۴ ماه خود دست به تجمعی اعتراضی زدند.

- در دو هفته اول آذر ماه کارگران کارخانه آوانگان که ۷۶۰ شاغل دارد برای رسیدن به خواستههای خود، با برپایی تجمعات هر روزه به شرایط نایمنی شغلی و خطر اخراجشان از کار دست به اعتراض زدند.

در اواخر آذر ماه ۱۱۰۰ کارگر شرکت رامشیر در استان بوشهر در اعتراض به تعویق ۴ ماهه حقوقشان، دست از کار کشیدند. بنابر اعتراف مقامات رژیم، گفتنی است که در منطقه ویژه عسلویه که بزرگترین طرح های مربوط به احداث پالایشگاههای نفت و گاز در حال اجرا می باشد، بیش از ۵۰ هزار کارگر مشغول به کار هستند. یکی از مقامات خانه کارگر در این منطقه گفته است که: "تپرداختن دستمزد و بروز اعتصاب می تواند برای امنیت کشور و شرکت نفت خطرناک باشد".

- کارگران کارخانه نخ طلای خمین که حدود یکماه است، در اعتراض به تپرداختن دستمزدهایشان در اعتصاب بسر می برند. روز پنجشنبه ۲۶ آذرماه کارفرما با حضور در جمع کارگران خواهان خاتمه اعتصاب آنان شد اما کارگران اعلام کرده اند تا موقعی که حقوق شان را دریافت نکنند به سر کار برنخواهند گشت.

- کارگران کارخانه نساجی پارس در حوالی رشت حدود ۷ ماه است که دستمزدی دریافت نکرده اند. در هفته سوم آذر ماه کارگران که اعتراضات مکرر آنان بی نتیجه مانده است، تهدید کردند که در صورتیکه به خواستشان پاسخی داده نشود به به نشانه

اعتراض به تپرداختن دستمزدهایشان از رشت به طرف تهران پیاده روی کنند.

- روز پنجشنبه ۲۶ آذرماه تعداد ۱۲ تن از کارگران معدن کوه سفید که بعد از پایان کار عازم خانه هایشان بودند، به دلیل ریزش شدید برف و باران در ارتفاعات شهرستان خرم بید، مفقود شدند.

- روز ۲۴ آذر ماه حدود ۴۰۰ کارگر کارخانه نساجی بابکان در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهایشان در برابر فرمانداری آمل تجمع کردند.

- روز ۲۳ آذر ماه حدود ۹۰ نفر از کارگران بهمن پلاستیک در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهایشان در برابر وزارت کار و امور اجتماعی تجمع کردند و خواستار پاسخگویی کارفرما و دولت شدند.

- در هفته سوم آذر ماه کارگران کارخانه زمان صنعت در اعتراض به تعویق سه ماه دستمزدهایشان دست به تجمع اعتراضی زدند.

- کارگران و کارکنان اداره تحویل شرکت ایران خودرو از روز پنجشنبه ۱۹ آذرماه در اعتراض به عدم عقد قرارداد مستقیم با شرکت ایران خودرو دست به اعتصاب زده اند. بنا به خبر، این اعتصاب تا سومین روز خود ادامه داشته است. در اثر اعتصاب کارگران، کار در خطوط دیگر نیز به حالت تعطیل درآمد. اداره تحویل شرکت ایران خودرو تماما در اختیار پیمانکار است و کارگران این بخش قراردادی هستند. این کارگران از مزایا و دریافتی هایی که به کارگران رسمی ایران خودرو تعلق می گیرد، برخوردار نیستند و همین امر انگیزه اعتصاب کارگران را تشکیل می دهد. خاطر نشان کنیم که کوتاه کردن دست پیمانکاران از ایران خودرو و لغو فوری قراردادهای موقت کار و استخدام رسمی کارگران، یکی از خواستههای مهم کارگران ایران خودرو را تشکیل می دهد.

- حدود ۱۷۰ تن از کارگران کارخانه سیمان استهبان روز پنجشنبه ۱۹ آذر ماه در اعتراض به عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و بی توجهی مسئولان کارخانه به مشکلات کارگران بمدت چند ساعت دست از کار کشیدند و در برابر در ورودی این کارخانه تجمع کردند.

- کارگران کارخانه ایران ترمه قم روز دوشنبه ۱۶ آذر در اعتراض به عدم اجرای بازتشیستگی پیش از موعد، بدلیل داشتن شغل سخت و زینتبار، اعتراض کردند.

در هفته اول آذر ماه کارگران شهرداری ماهشهر نسبت به بازخرید اجباری خود دست به تجمعی اعتراضی زدند. چندی پیش

شهرداری ماهشهر بخشناه ای صادر کرد که بر اساس آن گروههایی از کارگران اجبارا بازخرد می شدند. هدف شهرداری شهر این است که کارگران را از استخدام رسمی خارج سازد و با بکارگیری شرکت های پیمانکار و از طریق نیروی کار قراردادی و ارزانتر فعالیت های شهرداری را به پیش برد. اعتراض و مبارزه کارگران برای حفظ شغل و قرارداد رسمی کار همچنان ادامه دارد.

- روز دوشنبه دوم آذر ماه دهها تن از کارگران کارخانه الیاف علییه اخراج دست به اعتراض زدند. کارگران که تعدادشان به ۷۰ نفر می رسید در مقابل این کارخانه تجمع کردند و مانع ورود و خروج افراد و وسایل نقلیه شدند.

- در هفته اول آذر ماه ۱۲۰ کارگر در کارخانه آجر سازی آج از سوی کارفرما بطور غیر منتظره ای از کار بیکار شدند. اما در پی اعتراض کارگران، تعدادی از کارگران این کارخانه باز خرید شدند و حدود ۴۰ نفر نیز از سوی اداره کار حکم بازگشت به کار دریافت کردند. این اعتراضات ادامه دارد.

- بنا به گزارشی کارگران در کارخانه لوله و پوشش لوله سلفچگان در قم در شرایط ایمنی بسیار بدی بکار اشتغال دارند. ساعات کار بالا و سطح دستمزدها نازل است و کارگران ناگزیرند روزانه ۴ ساعت اضافه کاری داشته باشند. از آنجاییکه جابجایی لوله های سنگین بدون جک صنعتی یکی از مشکلات کارگران است و در ماه گذشته سه حادثه در حین کار در این کارخانه روی داده است که منجر به مصدوم شدن کارکنان شده است. در یکی از این حوادث یک لوله روی پای مهندسی بنام افشین فاطمی می افتد و سه انگشتش پایش را قطع می کند. در بیمارستان دو انگشت او را پیوند می زنند ولی موفق به نجات سومین انگشت وی نمی شوند. در حادثه دیگر، کارگری در یک چاله به گودی ۷ متر می افتد و دچار شکستگی دست و پا و دنده ها می شود. این چاله را برای سیم زمین حفر کرده بودند. کارگر مصلوم بدلیل تاریکی شب و اینکه هیچ حایلی دور چاله نبوده، به درون چاله می افتد. و بالاخره در حادثه سوم بر اثر سقوط یک لوله روی پای کارگری بنام اصغر داگرد دو یا سه انگشت پای او شکسته می شود و وی دچار کوفتگی شدید می گردد. این وضعیت یکی از موضوعات اعتراض کارگران در ایران کارخانه است.

- روز ۴ آذرماه کارگران کارخانجات نساجی سیمین اصفهان با تجمع در مقابل هتل های اصفهان نسبت به خطر اخراج خود از کار و تهدید شغلی شان دست به اعتراض زدند.

- کارگران کارخانه پارس ایران بیش از ۶ ماه است که حقوقی دریافت نکرده اند. کارگران این کارخانه بارها اعتراض خود را بر علیه تعویق در پرداخت دستمزدها ابراز داشته و با برگزاری تجمع اعتراضی در کارخانه و در مقابل دوایر دولتی، طلب خود را پیگیری کرده اند. در هفته اول آذر ماه کارگران تهدید کردند که اگر دستمزدهای معوقه آنها پرداخت نشود دست به راهپیمایی خواهند زد.

- کارگران یک کارگاه در بوشهر که به

شرکت ول سرویسز ایران تعلق دارد، از اوائل آذر نسبت به اخراج خود در اعتراض بسر می برند. کارگران هر روز با اجتماع در محوطه کارگاه خواهان بازگشت به کار هستند.

- روز دوم آذر ماه کارگران نساجی کردستان در سنجند برای بار دوم دست به اعتصاب زدند. کارگران خواهان دستمزد دو روز اعتصاب بار قبل خود، حق اضافه کاری برای روزهای جمعه و ایام تعطیل خود شدند. این اعتصاب ۵ روز بطول کشید و کارگران موفق شدند حقوق روزهای اعتصاب دور دوم خود و حق اضافه کاری روزهای تعطیل را به کارفرما تحمیل کنند. برای پرداخت حقوق دو روز اعتصاب دور قبلی کارگران قرار شد که کمیسیونی موضوع را بررسی کند. کارگران اولتیماتوم دادند که اگر طی یک هفته پاسخی به آنان داده نشود، دوباره دست به اعتصاب خواهند زد.

- روز دوم آذر ماه دهها تن از کارگران کارخانه الیاف علییه اخراج ۴۰ تن از کارگران این کارخانه که مدت ده سال بصورت استخدام قراردادی کار میکردند، دست به اعتراض زدند. در نتیجه پایداری کارگران، کارفرما قول داد که مبلغی را بعنوان غرامت به کارگران اخراجی پرداخت کند.

- در هفته اول آذر ماه ۱۲۰ کارگر شاغل در کارخانه آجرسازی آج از سوی کارفرما بطور غیر منتظره ای از کار بیکار شدند. در پی بالا گرفتن اعتراضات کارگران به این تصمیم کارفرما، تعدادی از کارگران این کارخانه باز خرید شدند و حدود ۴۰ نفر نیز از سوی اداره کار حکم بازگشت به کار دریافت کردند ولی با تعطیلی کارخانه هیچکس جوابگویی آنها نیست.

- بنا به گزارشی از کارخانه لوله و پوشش سلفچگان محیط کار در این کارخانه بشدت نامن است. ساعات کار بالا و انجام ۴ ساعت اضافه کاری از سوی کارگران برای جبران کردن سطح نازل دستمزدها نیز بر شرایط نامن کار افزوده است. این موضوع اعتراضات مکرر کارگران را در پی داشته است.

- از اواخر آبانماه کارگران کارخانه آوانگان که ۷۶۰ شاغل دارد، برای رسیدن به خواسته های خود و در اعتراض به وضع بلائیکلیف خود تجمعات اعتراضی برپا می دارند. این اعتراضات ادامه دارد. کارخانه آونگان سازنده دکل های انتقال نیرو و مخابراتی است.

- روز ۴ آذرماه کارگران کارخانجات نساجی سیمین اصفهان با تجمع در مقابل هتل های اصفهان نسبت به موقعیت شغلی خود و خطر اخراج خود از کار تجمعی اعتراضی بر پا کردند.

- کارگران کارخانه پارس ایران بیش از ۶ ماه است که حقوقی دریافت نکرده اند. نپرداختن دستمزد کارگران در این کارخانه سابقه دارد و کارگران بارها و بارها با برگزاری تجمع اعتراضی در کارخانه و در مقابل دوایر دولتی، طلب خود را پیگیری کرده اند. کارگران خواهان دستمزدهای پرداخت نشده خود

هستند.

- در هفته سوم آبانماه کارگران کارخانه نقش ایران قزوین علییه اخراج دست به راهپیمایی زدند.

- روز اول تا هفتم آبانماه ۲۵ نفر از کارگران شرکت کارا برج تهران دست به اعتصاب زدند و در این اعتصاب خواهان دستمزدهای معوقه خود شدند.

- روز ۲۷ مهر ماه تا ۷ آبانماه حدود ۸۰ نفر از کارگران شرکت الاستیک تهران وابسته به سازمان همایش های بین المللی ایران دست به اعتصاب زدند و در این فاصله کسانی که سر کارشان بر نگشتند همگی تصفیه و اخراج شدند که تعداد آنها یکی که اخراج شدند تقریباً به ۷۰ نفر میرسد. خواست کارگران عبارت بود از: پرداخت حقوق معوقه چند ماهه کارگران، افزایش پایه حقوق از ۱۰۶ هزار تومان به ۱۲۶ هزار تومان طبق قانون کار جمهوری اسلامی، کاهش ساعت کار روزانه، رعایت اصول کار و ایمنی کار.

- روز دوشنبه ۴ آبانماه کارگران در شرکت راهگا وابسته به پژوهشگاه صنعتی دانشگاه شریف در اعتراض به عدم تمدید دفتر چه بیمه تامین اجتماعی خود دست به اعتصاب زدند. در این اعتصاب ۱۶ نفر شرکت داشتند.

- از ابتدای آبان ماه تا ۲۰ آبانماه کارگران کارخانه نساجی قدس اصفهان به یک سلسله اعتراضات پی در پی برای دریافت حقوق های معوقه دست زده اند.

- روزهای ۱۶ و ۱۷ آبانماه کارگران روزمزد و قراردادی شهرداری مسجد سلیمان در اعتراض به ۴ ماه دستمزد پرداخت نشده خود دست به اعتصاب زدند. کارگران خواهان انحلال فوری شورای اسلامی شهر شدند. در مقابل فشار کارگران فرماندار مسجدسلیمان قول داده است که به مشکل حقوقی کارگران رسیدگی کند.

- کارگران کارخانه آذرخش شاهرود روز ۱۴ آبانماه در اعتراض به دستمزدهای پرداخت نشده خود در مقابل اداره کار و امور اجتماعی این شهرستان دست به تجمع زدند. در همین رابطه روز ۱۶ آبانماه نیز کارگران تجمع اعتراضی برپا کردند. این اعتراضات همچنان ادامه دارد و کارگران خواهان پرداخت فوری دستمزدهایشان هستند.

- روز ۱۴ آبانماه کارگران ذوب روی قشم در استان هرمزگان در اعتراض به اخراج همکاران خود و شرایط سخت کاری و سرو کارداشتن با انواع مواد خطرناک و شیمیایی و ساعت کار طولانی ۱۲ ساعت در روز و اضافه کاری اجباری ماهانه ۱۲۰ ساعت در ازای حداقل دستمزد خود دست به اعتصاب زدند. کارگران خواهان بازگشت فوری همکاران خود بکار شدند.

- روز ۱۳ آبان ماه رانندگان ماشین های حمل سوخت وابسته به شرکت نفت لرستان در شهر خرم آباد از ساعت ۶ صبح تا ۳ بعد ازظهر دست به اعتصاب زدند. دلیل اعتصاب رانندگان، جریمه های سنگینی بود که از سوی

راهنمایی و رانندگی شهر بر علیه ماشین های حمل سوخت بسته می شد و شرکت نفت و پیمانکاران از پرداخت جریمه ها سر باز می زدند. این اعتصاب پس از آنکه رییس راهنمایی و رانندگی شهر فوراً قانون جریمه رانندگان را لغو کرد، با موفقیت به پایان رسید!

- از روز ۹ آبان ماه کارگران کارخانه چینی مهدی یزد برای گرفتن ۸ ماه حقوق معوقه خود دست به اعتصاب زدند. کارگران کنترل کارخانه را برای چهارمین روز در اختیار خود گرفتند و به مدیران اجازه خروج از کارخانه را ندادند.

- روز ۱۲ آبان ماه جمعی از کارگران کاشان با اجتماع در مقابل دفتر تامین اجتماعی شعبه کاشان خواهان مشمولیت قانون بازنشستگی پیش از موعد بدلیل مشاغل سخت شدند.

- روز ۱۰ آبان ماه کارگران شاغل در مزارع نیشکر شرکت کشت و صنعت کارون دست به راهپیمایی زدند و خواستار این شدند که شغل آنها در فهرست کارهای سخت و زیان آور قرار گیرد. کارگران تا ۸ کیلومتر به طرف شهر بوشهر راهپیمایی کردند و تصمیم داشتند که در مقابل اداره کار و شعبه تامین اجتماعی بوشهر تجمع کنند اما نیروهای انتظامی رژیم از انجام این تجمع اعتراضی جلوگیری کردند.

روز ۱۴ آبانماه مدیران شرکت کشت و صنعت کارون موافقت خود را با خواست کارگران اعلام داشتند.

- ۱۶۰ کارگر شرکت اسپارک ماشین تول که در ارتباط با تولید کنتور گاز فعالیت دارد، در اعتراض به دستمزدهای معوقه ۷ ماه خود و همچنین تمدید نشدن دفترچه های بیمه شان دست به اعتصابی دو روزه زدند. کارفرما مبلغی را بعنوان علی الحساب به کارگران پرداخت نمود ولی کارگران همه طلبهای عقب افتاده خود را می خواهند.

- روز ۱۰ آبان ماه کارگران شرکت رادیاتور آرمکو در اعتراض به افزایش ساعت کار دست به اعتراض زدند. کارفرما با استخدام کارگران قراردادی و گرفتن قراردادهای سفید تلاش دارد که از طریق ایجاد دودستگی، شرایط کار کارگران را سخت تر کند. کارگران با اجتماع در مقابل فرمانداری سواه اعتراض خود را به این تلاشهای کارفرما نشان دادند و خواستار برقراری ساعت کار معمول خود شدند. خواست اجرای طرح طبقه بندی مشاغل نیز یکی دیگر از خواسته های کارگران را تشکیل می دهد. ایادی خانه کارگر، اعتراض کارگران را محکوم کردند چرا که بزمع آنها کارگران بدون "طی مراحل قانونی" به فرمانداری شهر آمده بودند. ۸۰ کارگر این کارخانه گوش به این حرفها نمی دهند و بر خواست عادلانه خود تاکید دارند.

- روز ۹ آبان ماه گروهی از کارکنان خدماتی دانشگاه تربیت معلم دست به اعتراض زدند. کارگران با برگزاری یک اجتماع خواستار پرداخت دستمزدهای بتعویق افتاده و همچنین حق اضافه کاری شدند.

- روز ۹ آبان، از ساعت ۶ بعد از ظهر،

۷۰ نفر از کارگران قسمت بافندگی در کارخانه نساجی کردستان، در اعتراض به اخراج تحت عنوان خصوصی سازی دست به تحصن زدند. در ادامه این حرکت اعتراضی کارگران در روز بعد از آن دست به اعتصاب غذا زدند. این اعتصاب با حمایت وسیع مردم روبرو شد. رژیم کارخانه را در محاصره گرفت. کارفرمایان گفته بودند که در مقابل اخراج در ازای هر سال سه ماه حقوق به کارگران می‌دهند. کارگران اعلام کرده بودند که در صورت باز خرید آنها باید در ازای هر سال هشت ماه حقوق به آنها پرداخت شود. سرانجام روز ۱۳ آبانماه اعتصاب تمام شد. کارگران شیفت شب سر کار حاضر شدند و کارفرمایان قبول کردند که در ازای هر سال ۴ ماه و نیم و نیز دیگر مزایا نظیر حق اولاد به کارگران پرداخت کند. بدین ترتیب ۷۶ کارگر از کار بیکار شدند. حرکت اعتراضی کارگران نساجی سندج نه تنها در سندج بلکه از سوی جمع های بسیاری از مردم در شهر های سقز، تهران، تبریز، ماهشهر و دیگر شهر ها مورد حمایت و پشتیبانی قرار گرفت.

- روز ۶ آبان ماه کارکنان شرکت صنعتی دریایی ایران در ادامه رشته اعتصابات هفته اول این ماه برای افزایش دستمزدها و علیه اخراج دست به اعتصاب زدند و با صدور قطعنامه ای بر تداوم مبارزه خود تاکید گذاشتند. بنا به خبر در اعتصاب روز ۶ آبان ماه، کارگران کارخانجات شرکت در نکا و بوشهر بطور دسته جمعی دست از کار کشیدند و خواهان افزایش دستمزدهایشان شدند و نسبت به سخت تر شدن شرایط کار و همچنین اخراج گروه زیادی از کارکنان دست به اعتراض زدند. در پایان این اعتصاب کارگران با صدور قطعنامه ای اعلام داشتند که اگر خواسته های آنها مورد رسیدگی قرار نگیرد مبارزات خود را در سطح استانی و در ابعاد وسیعتری دنبال خواهند کرد.

- روز ۶ آبان ماه کارگران چینی سازی هیس ابهر واقع در استان زنجان در مقابل ساختمان فرمانداری دست به اعتراض زدند. اعتراض کارگران، اعتراضی بر علیه اخراج، بیکاری و بی تامینی بود.

- روز ۵ آبان ماه کارگران کارخانه بهمین پلاستیک در اعتراض به حدود ۵ ماه تعویق در پرداخت دستمزدها، با اجتماع در مقابل درب ورودی کارخانه دست به اعتراض زدند.

- حدود ۲۸۰ کارگر کارخانه چوفا که شرکت چوب و فلز در اردکان است بمدت ۴ ماه حقوقی دریافت نکرده اند. بنا به گزارشی در هفته اول آبانماه فضای اعتراض در کارخانه بالاست و کارگران خواهان پرداخت فوری دستمزدها هستند.

- بنا به گزارشی در هفته اول آبانماه در شرکت قزل دشت که یک شرکت پیمانکار است و برای مجتمع کشت و صنعت مغان کار میکند، کارگران دست به اعتراض زدند، کارگران تاکنون به اشکال مختلف اعتراض خود را به عدم پرداخت دستمزدها به نمایش گذاشته اند ولی دستمزد آنان هنوز پرداخت نشده است.

- کارگران کارخانه ریسندگی و بافندگی زابل ۴ ماه است که حقوق خود را دریافت نکرده اند. بنا به گزارشی در هفته اول آبانماه ۶۰ کارگر این کارخانه به دلیل تعطیلی احتمالی کارخانه در معرض خطر بیکاری قرار دارند.

- روز ۴ آبان ماه کارگران شرکت رهگا، پژوهشکده سیستمهای پیشرفته صنعتی وابسته به دانشگاه شریف، دست به اعتصاب زدند. خواست کارگران در این اعتصاب تمديد بیمه اجتماعی کارگران بوده که از مهرماه گذشته تمديد نشده است. خبر حاکی است که ۶ کارگر اعتصابی از کار اخراج شده اند.

- روز ۱ آبان ماه کارگران شرکت کاربرد در اعتراض به دستمزدهای پرداخت نشده خود دست به اعتصاب زدند.

- از روز ۲۶ مهرماه تا هفته اول آبانماه کارگران شرکت الاستیک که وابسته به ساختمان ماشینهای بین المللی تهران است، در اعتراض به حقوق های معوقه خود و همچنین برای کاهش ساعت کار دست به اعتصاب زدند. اخیرا ۷۰ نفر از کارگران این شرکت اخراج شده اند.

- روز ۲۹ مهرماه، کارگران اتوبوسرانی اهواز در اعتراض به تعویق در پرداخت دستمزدها دست به یک اعتصاب هشداري یکساعته زدند. کارگران تهدید کرده اند که اگر به خواسته های آنها رسیدگی نشود، ظرف ۱۰ روز آینده مجددا دست به اعتصاب خواهند زد. بیش از ۲ ماه است که دستمزد کارگران پرداخت نشده است و مزایایی که به کارگران تعلق می گیرد از قبیل لوازم تحریر به فرزندان کارگران و همچنین اقلام مصرفی و خواربار به کارگران داده نشده است.

- کارگران شرکت باف ایران (اراک) در مقابل اجحافات کارفرما برای مجبور کردن کارگران به امضای قرارداد موقت ایستادگی می کنند. کارفرما ۴ ماه حقوق کارگران را گرو گرفته است تا کارگران را وادار به امضای قرارداد موقت کند. تا اواسط مهرماه ۶ نفر از کارگران بدلیل عدم امضای قرارداد موقت کار از کار بیکار شده اند. با وجود استفاده حربه تهدید به اخراج از سوی کارفرما، کارگران از امضای قرارداد موقت امتناع می کنند. کارفرما مبادرت به استخدام کارگران کر و لال کرده است و بطور توهین آمیزی گفته است که "من کارگری می خواهم که حرفی نشنود و کلامی نگوید". کارگران بر حق مسلم خود یعنی استخدام ثابت و پرداخت فوری دستمزدها اصرار دارند.

- بنا به گزارشی در نیمه سوم مهرماه کارگران کارخانه میره ای کرج که کارخانه تولید نساجی و نخ است در خطر اخراج قرار دارند و کارفرما تصمیم دارد که از طریق انتقال کارخانه به شهرهای دیگر ۹۰ کارگر شاغل این کارخانه را از کار بیکار سازد. تلاش کارفرما برای خروج دستگاههای کارخانه با عکس العمل شدید کارگران روبرو شده و این اقدام کارفرما با شکست مواجه شده است.

- در روزهای ۲۷، ۲۸، ۲۹ مهرماه

کارگران مخابراتی برج میلاد که بعنوان بزرگترین برج مخابراتی خاورمیانه از آن نام برده میشود دست به اعتصاب زدند. کارگران خواهان حقوقهای معوقه ۳ ماهه خود، کاهش ساعت کار و افزایش دستمزدهایشان دستمک تا بالاترین سطح اعلام شده در قانون کار شدند. بنا به گزارشی در هفته اخیر چند نفر از کارگران این شرکت بدلیل گوناگون تصفیه و اخراج شده اند.

- روز ۲۷ مهرماه کارگران کارخانه ریسندگی و بافندگی پاکریس مهدیشهر سمنان در اعتراض به سه ماه دستمزد پرداخت نشده خود در محوطه داخل کارخانه دست به تجمع اعتراضی زدند.

- روز ۲۶ مهرماه کارگران نساجی بابکان آمل در اعتراض به تعویق در پرداخت دستمزدها و همچنین تعطیل شدن این کارخانه و بیکاری اقدام به برپایی یک تجمع اعتراضی کردند.

- در هفته سوم مهرماه کارگران کارخانه بهمین پلاستیک در اعتراض به دستمزدهای پرداخت نشده ۴ ماهه خود و وضع بلاتشکیف شغلی شان دست به تجمع اعتراضی زدند. مدیریت این کارخانه با امتناع از پرداخت دستمزد کارگران، این کارخانه را به حال خود رها کرده و در صدد بوده است که ماشین آلات آنرا به محل دیگری منتقل کند اما کارگران در مقابل این اقدام از خود مقاومت نشان دادند و با گرو گرفتن دستگاه های کارخانه خواستار پرداخت دستمزدها و حفظ شغل شدند.

- کارگران شرکت مهران موج نسبت به دستمزدهای بسیار پائین معترضند. این کارگران در سال ۸۱، هر ماه ۳۰ هزار تومان، در سال ۸۲، ۴۰ هزار تومان و سال ۸۳، ۶۰ هزار تومان در ماه حقوق گرفته اند. این درحالی است که در لیست بیمه، حقوق کارگران مطابق میزان تعیین شده از جانب شورای عالی کار قید میشده است. این دستمزدهای بسیار ناچیز خشم کارگران را برانگیخته است. در هفته دوم مهرماه کارگران این کارخانه اعلام داشتند که دیگر حاضر نیستند به این شرایط برده وار تن دهند و تمام حقوق کارگران باید بی کم و کاست پرداخت شود. کارگران همچنین طی نامه ای خواستار شده اند که قراردادهای سفید امضا باید فوراً ملغی گردند.

- صبح روز ۱۲ مهرماه نعمت الله شکاری کارگر کارخانه سیمان شمال سپید دماوند در اثر بروز یک سانحه و بدلیل شرایط ناامن کار جان خود را از دست داد.

- روز جمعه ۱۰ مهرماه کارگران نساجی کاشان در اعتراض به دستمزدهای پرداخت نشده خود در مرکز این شهر دست به تجمع زدند. در حمایت از اعتراض کارگران و خواسته هایشان گروههایی از جوانان کاشان به تجمع اعتراضی کارگران پیوستند.

- روز ۱۶ شهریور شرایط ناامن و برده وار کار در ایران خودرو باعث قطع دست یک کارگر بنام حسینعلی شد. حسینعلی در اثر عدم آشنایی کامل با دستگاه برش و به هنگام کار با گیوتین برش ورق، یک دست خود را از

دست داد.

- روز ۱۶ شهریور ماه شماری از جوانان بیکار گوند از توابع شوشتر با خواست کار در مقابل بخشدار منطقه دست به تجمع اعتراضی زدند.

- روز ۱۴ شهریور ماه ۵۰۰ کارگر کارگران ریسندگی و بافندگی فومنات در اعتراض به اخراج خود از کار و دستمزدهای پرداخت نشده شان دست به تجمع اعتراضی زدند.

- روز ۱۴ شهریور ماه گروههایی از کارگران شهرداری آبادان در اعتراض به عدم پرداخت دو ماه دستمزد خود و نیز نسبت به عدم تمديد دفترچه های بیمه شان دست به تجمع زدند.

- روز ۱۰ شهریورماه کارگران کارخانجات فرش گیلان و الکتریک رشت دست به اعتصاب زدند. خواست کارگران در این اعتصاب افزایش دستمزد، کاهش ساعت کار و برخورداری از شرایط کاری مطابق استانداردهای تعریف شده جهانی بود.

- روز ۴ شهریورماه ۳۰۰ کارگر کارخانه نساجی کردستان در اعتراض به نداشتن امنیت شغلی دست به اعتراض زدند. کارگران در این اجتماع اعتراضی، نگرانی خود را از طرحهای مدیریت کارخانه مبنی بر اخراج کارگران اعلام داشتند.

- روز ۲۷ مردادماه، برای چندین بار متوالی، جمعی از معلمان حق التدریس در مقابل مجلس اسلامی تجمع کردند و خواهان رسیدگی به موقعیت شغلی خود شدند. معلمان حق التدریسی خواستار استخدام شدن رسمی از سوی وزارت آموزش و پرورش هستند.

- روز ۲۱ مردادماه کارگران ناحیه راه آهن لرستان - اندیمشک در اعتراض به تعویق پرداخت بخشی از مطالباتشان در مقابل اداره کل راه آهن و بانک ملی شعبه این اداره دست به تجمع زدند.

- روز ۲۱ مردادماه کارگران راه آهن لرستان- اندیمشک در مقابل اداره کل راه آهن و بانک ملی شعبه این اداره تجمع کردند و مسئولین این ادارات را مورد بازخواست شدید قرار دادند. علت اعتراض کارگران نپرداختن حق جنگی و همچنین سایر حق و حقوقی است که در زمان جنگ از آنها سلب شده بود.

- روز ۲۰ مرداد ماه کارگران اخراجی پتروشیمی کرمانشاه در اعتراض به اخراج خود از کار در مقابل استانداری این شهر تجمع کردند و خواهان بازگشت خود بسر کارشان شدند.

- روز ۲۰ مردادماه دهها تن از کارگران و کارکنان اخراجی پتروشیمی کرمانشاه نیز در اعتراض به اخراج و بیکاری دست به اعتراض زدند. کارگران اخراجی در مقابل استانداری کرمانشاه تجمع کردند و خواهان بازگشت بکار شدند.

- بنا به خبری در نیمه مرداد ماه ۱۶۰۰ کارگر زن و مرد دانشگاه علوم پزشکی همدان در ارتباط با این دانشگاه کار می کنند، در معرض تهدید اخراج و یا امضای قرارداد

موقت کار قرار گرفتند. کارگران نسبت به این فشارها معترضین بوده و معتقد بودند که امضای قرارداد موقت کار سابقه کاری آنها را نادیده می‌گیرد و باعث پامال شدن حقوق و مزایای کارگران می‌شود.

- روز ۲۰ تیرماه محمود بهشتی دبیر کانون صنفی معلمان به اتفاق علی اصغر ذاتی، عضو هیات ریسه کانون دستگیر شد. بدنبال دستگیری بهشتی و ذاتی، معلمان اعلام کردند که با اجتماع در مقابل وزارت آموزش و پرورش در روزهای یکشنبه هر هفته، مبارزه برای آزادی همکاران دستگیر شده را دنبال خواهند کرد. در نتیجه این اعتراضات روز ۲۰ مرداد ماه دبیر کانون صنفی معلمان با قرار وثیقه ۵۰ میلیونی از زندان آزاد شد. معلمان خواهان آزادی بی قید و شرط معلمان دستگیر شده و همچنین رسیدگی فوری به خواستههای خود بوده اند.

- روز ۲۰ مردادماه دهها تن از کارگران و کارکنان اخراجی پتروشیمی کرمانشاه در اعتراض به اخراج و بیکاری دست به اعتراض زدند. کارگران اخراجی در مقابل استانداری کرمانشاه تجمع کردند و خواهان بازگشت بکار شدند.

- روز ۱۸ مردادماه دهها کارگر فرش بیستون در مقابل اداره کار و امور اجتماعی کرمانشاه اقدام به برپایی یک تجمع اعتراضی کردند و خواهان پرداخت دستمزدهای معوقه و همچنین برخی مطالبات دیگر شدند.

- روز ۱۷ مردادماه حدود ۴۰ تن از کارگران کارخانه ترمه آذربایجان که اکثر آنها زن هستند، با برگزاری یک اجتماع اعتراضی در مقابل خانه کارگر، خواستار پرداخت فوری حقوق های عقب افتاده خود شدند.

- بنا به اخبار منتشر شده در مرداد ماه، در ادامه موج بیکارسازیهای کارگران در کارگاه های سد گاوکان در کامیاران، ۲۵ نفر دیگر از کارگران اخراج شدند. پیش از این نیز ۴۲ کارگر از کار اخراج شده بودند. کارگران اخراجی بدون دریافت غرامت اخراج و یا بدون آنکه حتی شامل بیمه بیکاری ناچیز جمهوری اسلامی شوند، از کار بیکار شدند. بنا به یک خبر دیگر با تعطیلی احتمالی کارخانه نساجی آرام جنوب در آبادان، ۵۰ کارگر این کارخانه با خطر اخراج روبرو هستند.

- صبح روز ۱۷ مردادماه در اثر انفجار مهیبی در معدن زغال سنگ نور ۷ نفر از کارگران جان خود را از دست دادند و حداقل ۸ نفر دیگر مجروح شدند.

- روز ۱۴ مردادماه پرستاران سراسر کشور در یک تجمع بزرگ شرکت کردند. پرستاران اعلام کردند که اگر در نتیجه این اجتماع اعتراضی خواستههای آنها پاسخ نگیرد از پای نخواهند نشست و به اعتراضات مداوم تا تحقق مطالباتشان ادامه خواهند داد.

- روز ۷ مردادماه کارگران نسوز خرم در اعتراض به مدیر کارخانه دست از کار کشیدند و در مقابل محل دفتر مرکزی این شرکت تجمع کردند و خواستار جوابگویی مدیریت به خواستههایشان شدند. خواستههای کارگران از

جمله شامل پرداخت ۳ ماه حقوق معوقه کارگران است. کارگران همچنین به مدیریت اعتراض دارند که حق بیمه کارگران به سازمان تامین اجتماعی را پرداخت نکرده است و دفترچه درمان تامین اجتماعی آنها تمدید نشده است. نپرداختن حق ماموریت کارگران، نپرداختن وام قرض الحسنه ای که از پول خود کارگران فراهم شده، قطع سرویس ایاب و ذهاب و شرایط ناامن کار از دیگر موارد اعتراض کارگران است. اعتراض کارگران بدنبال ارسال نامه و شکایت به نهادهای دولتی و عدم پاسخگویی آنها صورت می‌گیرد.

- روز ۵ مردادماه شماری از کارگران کارخانجات کاشان در مقابل ساختمان تامین اجتماعی این شهر تجمع کردند و خواستار مطالبات خود شدند. این دومین بار طی حدود ۱۰ روز بود که کارگران دست به چنین اقدامی زدند. کارگران به طرحی اعتراض دارند که شغل آنها را در شمول کارهای سخت و زیان آور به حساب نمی‌آورد.

- روز ۴ مردادماه کارگران کارخانه ریسندگی چل در مازندران با تجمع در مقابل اداره کل کار استان مازندران، علیه بیکاری و برای مطالبات بتعویق افتاده خود دست به اعتراض زدند.

- بیش از ۱۰۰۰ کارگر شهرک صنعتی قزوین در ۲۵ تیرماه به پایین بودن حقوق بازنشستگی و به گرانی اعتراض کردند و در مقابل اداره بیمه اجتماعی دولت در این شهر تجمع کردند.

- روز ۳ مردادماه جمعی از معلمان حق التدریس از سراسر کشور در مقابل وزارت آموزش و پرورش اقدام به برپایی یک تجمع اعتراضی کردند. معترضین که شمار آنها بیشتر از ۵۰۰ نفر بود، خواستار لغو آزمون ادواری بعنوان شرط استخدام شدند.

- در اواخر تیرماه گذشته کارگران شرکت صنایع الکتریک دماوند با ارسال طوماری به اداره کار شرق تهران خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند. کارگران خواهان اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و همچنین پرداخت وجوهی هستند که از طریق اجرای این طرح عاید کارگران می‌شود.

- در اواخر تیرماه گذشته کارگران این شرکت صنایع الکتریک دماوند با ارسال طوماری به اداره کار شرق تهران خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند.

- در هفته اول تیر ماه مردم زحمتکش حصارک کرج در دفاع از سرپنانه خود با مامورین حکومتی درگیر شدند. بنا به خبر نیروهای انتظامی رژیم اقدام به تیراندازی هوایی کردند و مردم معترض را مورد یورش قرار دادند. گفته می‌شود که قوای سرکوبگر رژیم حداقل شش نفر از مردم معترض را دستگیر کرده و با خود برده اند.

- روز دوشنبه اول تیرماه ۴۰۰۰ کارگر ماشین سازی اراک در اعتراض به سطح پایین دستمزدها و تبعیض در پرداخت حق جذب به کارگران دست به اعتصاب زدند. این حرکت اعتراضی تا ۱۰ تیر ماه ادامه داشت و

کارگران تهدید کردند که در صورتیکه به خواستشان پاسخی داده نشود دست به راهپیمایی خواهند زد.

- از روز ۱۱ تا ۶ تیرماه کارگران نیروگاه اتمی بوشهر در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای خود از اول تیرماه دست به اعتصاب زدند. بنا به گزارشات اعتراضات کارگران نیروگاه بوشهر با دخالت نیروهای انتظامی مواجه شد، اما در برابر فشار اعتراض کارگران مقامات دولتی وارد مذاکره با کارگران شدند و در روز ۶ تیرماه تعدادی از کارگران برای پیگیری خواستههایشان به استانداری رفتند و در آنجا دست به تجمع زدند. کارگران با معاونت استانداری وارد گفتگو شدند و با گرفتن قول مساعد موقتا به اعتصاب خود خاتمه دادند.

- طبق گزارش روز ۵ تیرماه بنا بر بخشنامه شماره ۱۱ تامین اجتماعی ۹۰۰ کارگر این کارخانه از مشمولیت قانون بازنشستگی مشاغل سخت و زیان آور کنار گذاشته شدند. این بخشنامه به جو اعتراض در این کارخانه دامن زده است.

- روز ۴ تیرماه کارگران شرکت سیم و کابل باختر در اعتراض به بیکارسازیها و اعلام اسامی تعدادی از کارگران در لیست نیروهای مازاد در مقابل اداره کل صنایع و معادن استان کرمانشاه دست به تجمع زدند. بنا بر گزارشات این شرکت از سال ۱۳۵۴ با نام شرکت سیم و کابل غرب کار میکنند و در آن ۱۲۰ کارگر اشتغال دارند.

- در هفته اول تیرماه کارگران نیروگاه اتمی بوشهر دست به اعتصاب زدند. این حرکت اعتراضی هم اکنون ادامه دارد و احتمال گسترش آن به بخشهای دیگر وجود دارد. انگیزه اعتصاب کارگران مشکلات مالی کارگران اعلام شده است.

- روز ۲ تیرماه ۱۶۰ کارگر اخراجی وزارت تعاون با تجمع در مقابل وزارت تعاون خواهان بازگشت به کار شدند. افراد اخراجی در بخش های خدماتی و اداری این وزارتخانه مشغول بکار بودند. اخراج کارگران بدون هشدار قبلی صورت گرفت. کارگران اخراجی ۶ ماه حقوق اضافه کار سال ۸۲ را طلبکارند و بعلاوه حقوقهای خود در سال جدید را دریافت نکرده اند.

- روز ۳۰ خردادماه گروهی از کارگران کارخانه قند دزفول در اعتراض به ۹ ماه حقوق معوقه خود و تعطیلی کارخانه و وضع بلامتکلیفشان در مقابل ساختمان مرکزی وزارت صنایع اجتماع کردند و خواهان رسیدگی به مطالبات خود شدند.

- روز ۳۰ خردادماه نزدیک به ۲۰۰ معلم از شهرهای تهران و کرج در مقابل دفتر دو شرکت ساختمانی در تهران تجمع کردند و نسبت به سوء استفاده مالی این شرکتها اعتراض کردند. شرکتهای مذکور با گرفتن پول از معلمان قرار بود که برای فرهنگیان خانه سازی کنند. معلمان صاحب خانه نشده اند و معتقدند که این دو شرکت کلاهبرداری کرده و پول آنها را بالا کشیده اند.

- روز ۳۱ خرداد پرستاران در مقابل سازمان مدیریت و برنامه ریزی جمع شدند و خواستههای خود افزایش حقوقها، کاهش ساعت کار، به رسمیت شناختن کار پرستاری بعنوان کار سخت و زیان آور و رفع تبعیض را اعلام کردند.

- روز ۲۷ خرداد در اعتراض به هشت ماه حقوق پرداخت نشده خود و تعطیل کارخانه و بلامتکلیفی وضع کاریشان دست به تجمع زدند.

- روز ۲۵ خردادماه کارگران کارخانه آذربایک اراک با خواست افزایش دستمزدها دست به اعتصاب زدند. کارگران همچنین خواهان اجرا شدن طرح طبقه بندی مشاغل خود شدند. کارگران اعلام کرده اند که تا پاسخگویی به خواستههایشان به اعتراضاتشان ادامه خواهند داد. صنایع آذربایک اراک تولید کننده مخازن، انباره ها و دیگ بخار و ظروف فلزی مشابه است و حدود ۲۱۵۰ نفر شاغل دارد.

- در نیمه اول خردادماه کارگران آلومینیوم سازی ایرالکوی اراک نیز که حدود ۳۷۰۰ شاغل دارد برای ترمیم دستمزدها و گرفتن دریافتی به یک مبارزه چند روزه دست زدند.

- روز ۲۰ خرداد کارگران آهن اندیمشک در مقابل ناحیه راه آهن این شهر تجمع اعتراضی برپا کردند. قضیه از این قرار بود که به کارگران اندیمشک بدلایل اینکه جزو مناطق جنگی به حساب آمده است حق و حقوق ویژه ای تعلق گرفته که مدیریت راهن از پرداخت آن به کارگران سرباز زده است. حدود ۱۰ درصد از کارکنان حق جنگی دریافت کرده اند و کارگران خواستار آنند که این حق به همه پرداخت شود.

- روز ۱۸ خرداد ماه گروههایی از جوانان و افراد بیکار شهر هویزه واقع در استان خراسان در اعتراض به بیکاری و با خواست اشتغال به کار در مقابل جهاد نصر اجتماع کردند. این شرکت پیش از آن وعده داده بود که تعدادی از بیکاران را استخدام خواهد کرد اما به وعده خود عمل نکرده بود و جوانان بیکار به این موضوع معترض بودند.

- اعتراضات مکرر چندین هزار کارگر مجتمع کشت و صنعت مغان در اعتراض به دستمزدهای پرداخت نشده و با خواست برکناری مدیرعامل شرکت، یکی از طولانی ترین اعتصابات کارگری در یکساله اخیر است کارگران مجتمع کشت و صنعت در سه ساله اخیر همواره بخاطر عدم پرداخت دستمزدهای پرداخت نشده خود دست به اعتراض زده اند. دور جدید اعتراضات کارگران این مجتمع در اردیبهشت ماه بود. روز ۲۱ اردیبهشت ماه کارگران مجتمع کشت و صنعت مغان در مقابل دفتر مرکزی اجتماع کردند و در این اجتماع نمایندگان را جهت مذاکره با مسئولین شرکت برای مطرح کردن خواستههایشان انتخاب کردند. کارگران خواستار پرداخت فوری و بدون قید و شرط دستمزدهای معوقه، استعفای مدیرعامل و مدیران شرکت و همینطور پرداخت حق بیمه کارگران از سوی کارفرما هستند. روز سه شنبه ۲۲ اردیبهشت

ماه کارگران به دلیل پاسخ ننگرفتن خواسته‌هایشان بار دیگر به خیابان آمدند و در مقابل دفتر مرکزی جمع شدند. مدیر عامل شرکت به میان کارگران آمد. روز چهارشنبه ۲۳ اردیبهشت ماه در سطح شهر پارس آباد راهپیمایی کردند. کارگران بعد از تجمع در محوطه کارخانه به سمت فرمانداری راهپیمایی کردند. طبق گزارشات کارگران به سمت رود ارس در حاشیه مرز تظاهرات کردند که این راهپیمایی ۶ ساعت بطول انجامید. این راهپیمایی عملاً به یک شورش کارگری تبدیل شد. کارگران معترض و خشمگین شیشه‌های ادارات دولتی را درهم شکستند. در این حرکت اعتراضی کارگران به هیچکدام از مقامات دولتی از جمله فرماندار، معاون وزیر کشاورزی و امام جمعه شهر اجازه صحبت ندادند و به اعتراضشان ادامه دادند. بنا به گزارش دریافتی نیروهای سرویکر رژیم به راهپیمایی کارگران حمله کردند و منجر به درگیری شد. ۸ تن از تظاهرکنندگان از سوی نیروهای سرویکر رژیم دستگیر شدند. اما با اعتراض کارگران دستگیر شدگان آزاد شدند. روز پنجشنبه ۲۴ اردیبهشت ماه نیز راهپیمایی و اعتراض کارگران ادامه یافت. کارگران بعد از تجمع در مقابل در شرکت، در مقابل مهمانسرای شهرک غفاری اجتماع کردند و خواستار پرداخت دستمزدهای معوقه و برکناری مدیریت مجتمع شدند. سرانجام ۴ روز اعتصاب و مبارزه کارگران به ثمر نشست. همه مقامات و مسئولین ناچار شدند به وجود مشکلاتی اشاره کنند و روز ۲۴ اردیبهشت ماه مدیریت این مجتمع مجبور به استعفا شد. روز ۶ خردادماه هزاران کارگر کشت و صنعت مغان با دست کشیدن از کار و انجام راهپیمایی و تجمع نسبت به عدم پذیرش استعفا مدیر عامل از سوی دولت اعتراض کردند. در نتیجه اعتصاب کارگران، اداره مرکزی و بخش‌ها و واحدهای مختلف شرکت به تعطیلی کشیده شد. کارگران سپس از ساعت ۸ صبح در میدان قیام شهرک غفاری اجتماع کردند و بر خواسته‌های خود و از جمله برکناری مدیر عامل تاکید کردند. کارگران در ادامه این اجتماع دست به راهپیمایی زدند و در خیابانهای شهرک غفاری بمسافت ۶ کیلومتر و تا سه راهی کشت و صنعت تظاهرات کردند. کارگران برای انعکاس وسیعتر اعتراض خود جاده اصلی پارس آباد به اردبیل را بستند و مانع از تردد ترافیک در این جاده شدند. بنا به خبر اعتراض کارگران در روز ۷ خردادماه نیز ادامه یافت. کارگران اعلام کرده‌اند تا زمانی که خواسته‌های آنها تمام و کمال برآورده نشود، به اعتراض خود ادامه خواهند داد. روز ۱۶ خرداد کارگران کشت و صنعت دشت مغان با تعیین دو روز مهلت برای فرماندار پارس آباد که قول مساعد برای رسیدگی به خواسته‌های کارگران داده بود، به اعتصاب خود موقتاً پایان دادند. اما با متحقق شدن خواسته‌هایشان روز ۱۸ خرداد ماه کارکنان این مجتمع برای بار سوم دست به اعتصاب زدند. در نتیجه اعتصاب کارگران اداره مرکزی و بخش‌ها و واحدهای مختلف

شرکت به حالت تعطیل و یا نیمه تعطیل در آمد. کارگران با اجتماع در شهرک غفاری پارس آباد خواستار متحقق شدن خواسته‌های خود شدند.

روز ۱۶ خرداد ماه جمعی از کارگران شهرداری زاهدان در اعتراض به چگونگی احتساب سنوات کارشان در پرداخت حق بیمه بیکاری به آنان و نیز عدم واگذاری زمین از سوی تعاونی مسکن که در ازای ۲ تا ۳ میلیون پول دریافتی از آنها قرار بود به کارگران واگذار شود، دست به تجمع زدند. قضیه از این قرار است که حدود ۷ سال است که حدود ۲ میلیون تومان از کارگران گرفته و در عوض به آنها قول داده شد که از طریق تعاونی مسکن زمینهایی به آنها واگذار شود. پس از گذشته ۷ سال به این وعده عمل نشد و زمینهای قول داده شده در مالکیت نیروی انتظامی و یا افراد دیگری قرار گرفت. همچنین کارگران خواهان این بودند که سوابق کاری آنها با سوابق بیمه شان یکی شود. در نتیجه فشار این اعتراضات به کارگران قول داده شده که تا اواخر تیر تکلیف زمینهای متعلق به کارگران روشن شود.

روز ۱۲ خرداد تعداد زیادی از بازنشستگان شرکت ملی صنایع مس ایران در آستانه سفر خاتمی به کرمان در مقابل کانون بازنشستگان این شرکت تجمع کردند و خواهان افزایش حقوق و دریافتی هایشان شدند.

روز ۱۲ خرداد کارگران شهرداری نیشابور در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و دریافتی‌های خود در میدان اصلی این شهر اجتماع کردند.

روز ۱۲ خرداد ماه کارگران کارخانه ماشین سازی سپاهان اصفهان به اعتراض به حقوق و مطالبات خود دست به تجمع زدند. در این حرکت اعتراضی کارگران حق شیفت و پرداخت حقوق پایه کارگری به تمام کارگران و بخصوص جوشکاران بودند. کارگران اعلام کردند که حاضر نیستند برای اضافه تولید به بیگاری و کار بدون حقوق تن بدهند.

روز ۱۲ خرداد ماه کارگران کارخانه چینی سازی ماه نشان زنجان در اعتراض به نپرداختن دستمزدها در مقابل استانداری این شهر اجتماع کردند. این دومین بار بود که کارگران برای پیگیری مطالبه خود اعتراض میکنند. همچنین از روز ۱۲ خرداد ماه کارگران اخراجی شهرداری زنجان در مقابل دادگستری تجمع کردند و خواهان رسیدگی به وضع کارگران اخراجی و بازگشتشان به کار شدند.

کارگران کارخانه آلومینیوم سازی ایرالکو در اراک از روز ۱۲ خردادماه در اعتراض به عدم پرداخت حق بهره وری خود بمدت چند روز دست به اعتصاب و تحصن دست زدند. کارگران همچنین نسبت به عملکرد شورای اسلامی کارخانه بشدت معترض بوده و خواهان برچیده شدن بساط آن شدند. برخی اخبار دیگر حاکی از آن است که روز ۱۳ خردادماه اجتماع کارگران در جلوی درب کارخانه با حمله نیروهای انتظامی روبرو گردید و عده‌ای از کارگران نیز دستگیر شدند. بنا به

خبر کارگران درصد بودند که به طرف مرکز شهر اراک راهپیمایی کنند.

روز یکشنبه ۱۰ خردادماه کارگران فروشگاههای زنجیره‌ای قدس در مقابل دفتر مرکزی این فروشگاه در چهار راه جهان کودک دست به تجمعی اعتراضی زدند. کارگران خواهان پرداخت بیش از ۶ ماه دستمزدهای معوقه و برخی مزایای دیگر شدند و در همانحال نسبت به فشار و شدت کار خود معترض بودند. فشار کار زیاد و شرایط زندگی غیر قابل تحمل که با نپرداختن دستمزدها نیز تشدید می‌شود از جمله باعث شد که محمود حسن لوی یکی از کارکنان فروشگاههای زنجیره‌ای قدس دچار سکتته مغزی گردد و راهی بیمارستان شود.

روز یکشنبه ۱۰ خردادماه عبدالرضا مولایی کارگر جوان معدن زغال سنگ کرمان در اثر ریزش زغال سنگ جان خود را از دست داد. یک کارگر دیگر نیز در جریان این حادثه مجروح و روانه بیمارستان شد. از مدفون شدن این کارگر جوان در زیر خروارها آوار تا اطلاع یافتن از غیبت او بهنگام تعطیلی کار حدود ۲ ساعت گذشته بود. پس از گذشت دو ساعت، همکاران رضا جسد او را کشف کردند.

روز ۱۰ خردادماه کارگران سد و نیروگاه استور میانه در اعتراض به عدم پرداخت ۳ ماه دستمزد اعتصاب کردند. پیمانکاری که مدیریت کارگاه را بعهده دارد، بیش‌رمانه گفته است که تا زمان تثبیت وضعیت این کارگاه ممکن است که دستمزد کارگران در ۶ ماه آینده منظم پرداخت نشود.

روز ۶ خردادماه کارگران کارخانه پارک ریس سمنان طی مسیری در حدود ۱۸ کیلومتر راهپیمایی کردند و سپس در مقابل اداره کل کار استان دست به تجمع زدند. کارگران به دستمزدهای پرداخت نشده خود و به بیکارسازیها و تصمیم کارفرما برای بستن کارخانه معترض بودند. تعداد کارگران این کارخانه در سال گذشته حدود ۲۰۰۰ نفر بود که ۱۱۰۰ نفر آن‌ها بیکار شدند.

روز ۶ خردادماه کارگران بافت اطلس اردبیل که از بهمن سال گذشته از کار بیکار شده‌اند، در مقابل استانداری این شهر اجتماع کردند. در جریان این حرکت اعتراضی ۸۰ کارگر از بیکار شده این کارخانه، خواستار بازگشت بکار و همچنین پرداخت طلبهای قبلی خود شدند.

روز ۶ خرداد تعدادی از کارگران کارخانجات محور جاده مخصوص کرج با گردآوری طومارهای اعتراضی خواهان اجرای بازنشستگی پیش از موعد شدند. این کارگران که با مواد شیمیایی سروکار دارند، در این طومار اعلام کرده‌اند که کلیه کارگران این کارخانجات تا ۴ تا ۵ سال بعد از بازنشستگی خود فوت کرده‌اند و خواهان فرصت بیشتری برای زنده ماندن خود هستند.

روز ۵ خرداد پرستاران بیمارستانهای دولتی شهر شیراز بمدت یک ساعت دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب از ساعت ۸ تا ۹ صبح بوقوع پیوست. پرستاران در اجتماعات

اعتراضی پیرامون مطالبات خود به بحث و گفتگو پرداختند و از مقامات مسئول خواستند که هر چه زودتر به خواسته‌های آنها رسیدگی کنند. بنا به خبر روز ۴ خردادماه نیز پرستاران بیمارستان اختر تهران دست به اعتراض زدند. از سوی دیگر در روز ۳ خردادماه پرستاران و سایر کارکنان بیمارستان توحید اعتراض کردند و همچنین پرستاران بیمارستان مسیح دانشوری وابسته به دانشگاه علوم پزشکی برای پیگیری مطالبات خود متحصن شدند. خواسته‌های پرستاران شامل افزایش دستمزد، کاهش ساعات کار، برسمیت شناختن شغل پرستاری در ردیف شغل‌های سخت و زیان آور، تامین نیروی انسانی کافی در حرفه پرستاری بمنظور کاهش فشار کار و امنیت شغلی است. پرستاران روز ۴ تیرماه به مناسبت روز پرستار اقدام به برپایی تجمعات اعتراضی خواهند کرد.

اوائل خرداد ماه ۱۲ نفر از کارگران کارخانه قفل سازی ایران واقع در شهر صنعتی البرز از کار اخراج شدند. اخراج کارگران بدنبال اعتراضاتی صورت گرفت که کارگران علیه رفتار زورگویانه و تعدیبات کارفرما در اردیبهشت ماه برپا داشتند. کارگران اخراجی نسبت به حکم اخراج خود معترضند.

روز ۶ خرداد ماه کارگران کارخانه "کرواوغلی" برای دریافت ۱۴ ماه حقوق معوقه خود در مقابل اداره کار و خانه کارگر تجمع کردند.

روز ۴ خرداد ماه کارگران ایران ترمه در قم در اعتراض به شرایط سخت کار خود در محل این شرکت دست به تجمعی اعتراضی زدند. در برابر این حرکت اداره کار مجبور به برگزاری جلسه‌ای اضطراری شد.

روز ۴ خرداد کارگران اخراجی شهرداری منطقه یک تهران که حدود ۵۰ نفر بودند برای بازگشت به کار خویش در مقابل شهرداری منطقه ۱ تجمع کردند.

روز ۳ خرداد بیش از نیمی از کارگران کارخانه ریسندگی و بافندگی کاشان با خرید اجباری شدند. طی بیکارسازیها تعداد کارگران کارخانه از ۴۵۰۰ نفر به ۲۷۰۰ نفر رسیده است. کارگران این کارخانه ۱۰ ماه است که حقوقی دریافت نکرده‌اند.

روز ۳ خرداد ماه کارگران و رانندگان شرکت اتوبوس رانی بوشهر در اعتراض به وضع کاری خود دست به اعتصاب زدند و پس از گرفتن قول مذاکره موقتاً اعتصاب خود را پایان دادند.

بدنبال اعتراضات کارگران خباز شهر سنندج در اردیبهشت ماه گذشته، کارگران موفق شدند ساعت کار خود را کاهش دهند. کارگران نانوائی‌های سنندج علیه شرایط طاقت فرسای کار و همچنین ساعت کار طولانی که تا ۱۶ ساعت در روز می‌رسید، اعتراض داشتند. کارگران خواستار کار یک شیفته از ساعت ۶ صبح تا ۲ بعدازظهر بودند. - تن از کارگران شیشه همدان بدلیل ابراز نارضایتی علیه کارفرما، به خرابکاری منتهم شده و بازداشت شدند. به نوشته روزنامه

خراسان به تاریخ ۲۸ اردیبهشت ماه، کارگران متهم شده اند که لطمات زیادی به تولید این شرکت وارد آورده اند. کارگران این کارخانه نسبت به طرح اخراج کارگران توسط کارفرما به شدت معترض هستند.

- روز ۲ خرداد کارگران کارخانه نساجی شرق تبریز در اعتراض به اخراج خود در محوطه کارخانه دست به تجمع زدند.

- بنا به یک خبر منتشر شده، ۴۵۰۰ نفر از کارکنان دانشگاه علوم پزشکی که در بخشهای گوناگون آموزش و خدمات مشغول بکار بودند از اول خرداد ماه جاری از کار برکنار شدند. علت اخراجها، کسری بودجه دانشگاه اعلام شده است. بنا به گزارش روزنامه شرق مورخ ۷ خردادماه، قرار است کارکنان اخراجی دانشگاه علوم پزشکی روز ۹ خردادماه در مخالفت با احکام اخراج در مقابل این دانشگاه تجمع اعتراضی بپایانند.

موج بیکارسازی کارگران و همچنین اعتراضات پراکنده کارگران در مقابل اخراجهای دسته جمعی ادامه دارد. ۳ هزار کارگر معادن زغال سنگ کرمان در معرض بیکار شدن هستند. شرکت ملی فولاد ادعا میکند که این معادن سودآور نیست و تصمیم دارد آنها را تعطیل کند که در صورت اجرای این طرح ۳ هزار کارگر اخراج خواهند شد. از سوی دیگر کارخانه ریسندگی و بافندگی کاشان در آستانه تعطیلی قرار دارد و کارگران با تهدید اخراج روبرو هستند. در سال گذشته از ۵ هزار و ۴۰۰ نفر شاغلین این کارخانه نیمی از کار بیکار شدند. همچنین طبق اخبار منتشر شده کارگران شرکت صنعتی آما، کارخانه نساجی شرق آذر، شرکت سیوان راه ساز ارومیه، کارخانه شیفته در مشهد، شرکت ابریشم گیلان، کارخانه ایژر روستا در مشهد و روشنرگ مشهد در معرض اخراج و بیکاری قرار دارند.

- هفته آخر اردیبهشت ماه کارگران اخراجی ایران خودرو که در جریان اعتصاب دیمه سال گذشته این شرکت از کار اخراج شده بودند به سرکارشان بازگشتند. اخراج این دسته از کارگران با موج اعتراضی شدیدی در ایران خودرو مواجه شده بود و کارگران با خواست بازگرداندن همکاران اخراجی خود به اشکال مختلف دست به اعتراض زدند. از جمله با نوشتن نامه ای به خانم آنا بیوندی نایب رئیس کنفدراسیون اتحادیه کارگران آزاد جهان در هنگام اقامت وی به ایران این خواست و دیگر مطالباتشان را با او در میان گذاشتند. این نامه و خواستههای کارگران ایران خودرو با حمایت وسیع بین المللی کارگری روبرو شد که به گفته کارگران ایران خودرو این فشارها یکی از دلایل موافقت مدیریت ایران خودرو با بازگشت کارگران اخراجی به کار بوده است. کارگران ایران خودرو به این مناسبت بیانیه ای منتشر کردند که در آن اتحاد و همبستگی را رمز پیروزی خود در این مبارزات دانستند.

- روز پنجشنبه ۳۱ اردیبهشت کارگران شرکت دنده فن آور در اعتراض به عدم پرداخت تمام حق بهره وری خود دست به اعتصاب زدند. طبق قرارداد میان کارگران و کارفرما

باید روزانه مبلغ ۲۴۰ تومان حق بهره وری به کارگران پرداخت شود اما کارفرما به تعدادی از کارگران ۶۰ تومان و به تعدادی ۸۰ تومان پرداخت میکند. با اطلاع از این مساله صدای اعتراض کارگران بلند میشود و ۱۸۰ نفر از کارگران اعتصاب را شروع میکنند روز اول خرداد تمامی کارگران به اعتصاب میپیوندند. در برابر این حرکت اعتراضی مدیریت قول میدهد تا ساعت ۱۰ صبح روز دوم خرداد به کارگران جواب بدهد. از ساعت ۷ تا ۱۰ روز دوم خرداد کارگران مشغول به کار میشوند اما مدیریت به وعده خود عمل نمیکند و کارگران مجدداً دست به اعتصاب میزنند. مدیریت که با اتحاد یکپارچه و روحیه مصمم کارگران مواجه میشود ساعت ۱۲ ظهر آرزوی اعلام میکند که مبلغ پرداخت شده به کارگران بابت حق بهره وری را به دو برابر افزایش میدهد. شرکت دنده فن آور، وابسته به کارخانه مگاموتور، دارای ۴۸۰ کارگر است که در ۳ شیفت کار میکنند و تولید گیربکس این کارخانه را بعهده دارند.

- روز شنبه ۲۶ اردیبهشت ماه کارگران الکتریک رشت در مقابل استانداری رشت تجمع کردند و خواستار مطالبات خود شدند. کارگران خواستار مطالبات گوناگونی و از جمله پرداخت دستمزدهای معوقه، تجدید دفترچه های بیمه و امنیت شغلی هستند. کارگران الکتریک رشت تاکنون بارها برای پیگیری مطالبات خود دست به اعتراض و تجمع زده اند.

- بنا به گزارشی در ۲۷ اردیبهشت ماه کارگران معدن کرومیت اسفندک به عدم پرداخت دستمزدهای ۷ ماه خود معترض هستند. کارگران این معدن در سال ۸۲ بمدت ۹ ماه دستمزدهای معوقه داشتند که بدنبال تجمع اعتراضی در مقابل استانداری، بخشی از حقوق آنها پرداخت شد. کارفرما قول داده بود که باقی طلب کارگران را در سال جاری بپردازد.

- روز ۲۶ اردیبهشت ماه کارکنان بیمارستان مدرس اعتصاب کردند. کارکنان با دست کشیدن از کار در حیاط این بیمارستان تحصن کردند و خواهان احقاق حقوق خود شدند. این اعتصاب و تحصن شامل پرستاران، کارکنان علوم آزمایشگاهی و سایر کارگران خدماتی می شود.

- در هفته آخر اردیبهشت کارگران و رانندگان اتوبوسرانی پوشهر دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مسئله تمدید نکردن دفترچه های بیمه برپا شد. اعتصاب کارگران بدلیل حساسیتی که داشت با سد نیروهای انتظامی و خانه کارگر پوشهر روبرو شد و عوامل رژیم از کارگران خواستند که به اعتصاب خود پایان دهند. کارگران يك مهلت ۴۸ ساعته برای رسیدگی به خواستههای خود تعیین کردند. بنا به خبر در روز ۲۵ اردیبهشت ماه و پس از پایان مهلت ۴۸ ساعته، بخشی از حقوق کارگران پرداخت شد. بدنبال این حرکت اعتراضی شهرداری پوشهر تصمیم گرفته است که اتوبوسهای

شرکت واحد را به بخش خصوصی واگذار کند. کارگران به تصمیم شرکت واحد معترضند.

- در هفته آخر اردیبهشت ماه کارگران قفل ایران در استان قزوین دست به تجمعاتی اعتراضی زدند. کارفرما تصمیم داشت که کارخانه را به شهر صنعتی منتقل کند که کارگران مخالفت کردند. بنا به خبر ۴ نفر از کارگران توسط مأمورین جمهوری اسلامی دستگیر شده اند و کارفرما نیز در جریان درگیری با کارگران راهی بیمارستان می شود. کارگران دستگیر شده در قبال پرداخت پول بطور موقت آزاد شدند.

- بنا به گزارشات در هفته آخر اردیبهشت ماه کارخانه های مرهم سمنان بدلیل کمبود نقدینگی تعطیل اعلام شد و ۲۵ کارگر این کارخانه در معرض اخراج قرار گرفتند و همچنین از تعداد ۸۰۰ کارگر شاغل در کارخانه شیشه همدان ۲۰۰ نفر تاکنون بدلیل ادعای بیشرمانه کارفرما مبنی بر "عدم بهره وری" از کار بیکار شده اند. بر اساس همین گزارشات هم اکنون دو کارخانه چینی سازی زنجان بنامهای هیس و ماه نشان با تهدید اخراج روبرو هستند. این دو کارخانه در آستانه ورشکستگی قرار دارند و با تعطیلی آنها حدود ۸۰۰ کارگر از کار بیکار خواهند شد. این در حالی است که حقوق چند ماه کارگران هنوز پرداخت نشده است. همچنین کارخانه ریسندگی رحیم زاده در اصفهان نیز با خطر تعطیلی روبرو است و کارگران آن با خطر اخراج مواجه هستند. بنا به گفته یکی از اعضای مجلس اسلامی بیش از ۵ هزار شغل در بنادر آبادان و خرمشهر بدنبال حذف تسهیلات معافیت بازرگانی به خطر افتاده است. از سوی دیگر گفته می شود که بعد از بحران در صنایع نساجی، کارخانجات زیادی نیز در رشته تولید لوازم خانگی با خطر تعطیلی روبرو هستند که اخراج گروهی کارگران را به همراه خواهد داشت.

- روز ۲۲ اردیبهشت ماه سه تن از کارگران شرکت میزان که پیمان کار آب و فاضلاب و آب شیرین کن و تصفیه بندر "شهید رجایی" است، به قصد لایروبی وارد مخزن فاضلاب شده و بر اثر گاز گرفتگی شدید جان باختند.

- روز ۲۲ اردیبهشت کارگران کارخانه تحته سه لایبی "رجایی" در اعتراض به دستمزدهای پرداخت نشده خود در مقابل استانداری مازندران دست به تجمع زدند.

- روز شنبه ۱۹ اردیبهشت ماه جمعی از کارگران کارخانه تولیدی مواد غذایی سیبانا واقع در ساوه در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهایشان در مقابل کارخانه دست به تجمع زدند و خواهان پرداخت حقوق و مزایای کامل خود شدند. تاکنون کارگران این شرکت بارها برای گرفتن دستمزدهای پرداخت نشده خود در مقابل فرمانداری و اداره کار ساوه تجمع اعتراضی برپا کرده اند.

- هیئت کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد، در جریان دیدار از ایران اعلام کرد که جمهوری اسلامی ایران ملزم به جوابگویی به شکایتی است که این کنفدراسیون در ارتباط با

کشتار کارگران شهر بابک در تاریخ ۱۲ فوریه ۲۰۰۴ تسلیم سازمان جهانی کار کرده است. یک نسخه از این شکایت نیز در فوریه گذشته تسلیم جمهوری اسلامی شد. قرار است این شکایت در ماه نوامبر در "کمیته آزادی تجمعات" سازمان جهانی کار مورد بررسی قرار گیرد. کنفدراسیون جهانی اتحادیه های آزاد از عموم خواسته است که هرگونه اطلاعات را تا قبل از بررسی شکایتنامه در اختیار این کنفدراسیون قرار دهند.

- بنا به گزارشی در ۱۸ اردیبهشت ماه ۷ درصد از حقوق کارگران شهرداری کرمانشاه بمدت ۱۰ سال از طرف شهرداری این شهر تحت عنوان حق بیمه اضافه کاری بالا کشیده شده است. این در حالی است که سازمان تامین اجتماعی ادعا دارد که تاکنون هیچ مبلغی به صندوق این سازمان ریخته نشده است. تعداد این کارگران حدود ۳ هزار می شود و شماری از آنها در حال حاضر بازنشسته هستند.

- کارگران کارخانه ریسندگی و بافندگی پاکریس مهدیشهر در نیمه اول اردیبهشت ماه در اعتراض به نپرداختن دستمزدها و دیگر مزایا و حقوق خود دست به یک تجمع اعتراضی زدند. کارگران معترض که تعداد آنها بیش از ۲۰۰ نفر بود، خواستار آن هستند که به مطالبات بیش از ۱۵۰۰ کارگر این کارخانه فوراً رسیدگی شود.

- روز ۱۶ اردیبهشت ماه، ۲۳ تن از کارگران کارخانه شوفافا البرز نسبت به تعویق ۶ ماه دستمزد خود دست به اعتراض زدند. کارگران همچنین با تعویض محل کارخانه و فروش تجهیزات آن توسط کارفرما، نگران تامین شغلی خود هستند.

- بنا به گزارشی در ۱۸ اردیبهشت ماه حدود ۷ ماه است که کارگران کاشی گیلان واقع در شهر صنعتی رشت حقوقی دریافت نکرده اند. تاکنون ۱۰۵ کارگر این کارخانه برای احقاق حقوق خود چندین بار در مقابل اداره کار، تامین اجتماعی و استانداری دست به اعتراض زده اند. بیش از ۱۸ ماه است که کارگران تحت پوشش بیمه بیکاری جمهوری اسلامی قرار گرفته اند و همین حقوق ناچیز آنها نیز پرداخت نمی شود.

- روز ۱۵ اردیبهشت ماه، کارگران کارخانه ریسندگی صوفی آباد در اعتراض به تعطیل شدن کارخانه و اخراج کارگران در حیاط این کارخانه تجمع کردند و خواهان بازگشت به سر کارهای خود شدند. کارگران بر سر در این کارخانه نوشتند که "اصلاح ساختار = قلع و قمع کارگران است" و "در آغاز سال پاسخگویی کارکنان ریسندگی صوفی آباد کرج بیکار شدند". کارگران این کارخانه بعد از پایان تعطیلات نوروزی وقتی به سر کار بازگشتند با درهای پلمب شده کارخانه روبرو گردیدند و کلیه کارگران بدون هشدار قبلی اخراج شدند.

- در آستانه روز جهانی کارگر، ۶۰۰ کارگر کارخانه شرکت ریسندگی و بافندگی فونمنتا بدلیل نپرداختن دستمزدها دست به اعتصاب زدند. کارگران این کارخانه از اسفند سال ۸۲ حقوقی دریافت نکرده اند.

خواست کار یک شیفته از ساعت ۶ صبح تا ۲ بعد از ظهر پافشاری کردند. در حال حاضر کارگران کار دو شیفته دارند و در هر شیفت ۱۲ تا ۱۶ ساعت کار می کنند. کارگران تهدید کردند که اگر به خواسته های آنان توجهی نشود روز اول ماه مه در مقابل استانداری و اداره کار تجمع و تحصن خواهند کرد.

- روز ۵ اردیبهشت ماه کارگران شرکت الکتریک رشت با برپایی یک تجمع اعتراضی خواهان پرداخت دو ماه دستمزد معوقه خود شدند.

- روز ۵ اردیبهشت ماه صدها نفر از کارگران خباز شهر سنندج در محل سندیکای خود واقع در خیابان فردوسی تجمع کرده و برخواست کار یک شیفته از ساعت ۶ صبح تا ۲ بعد از ظهر پافشاری کردند. در حال حاضر کارگران کار دو شیفته دارند و در هر شیفت ۱۲ تا ۱۶ ساعت کار می کنند.

- روز ۲ اردیبهشت ماه حدود ۱۷۵ نفر از کارگران فرودگاه بین المللی خمینی که از کار اخراج شده بودند، علیه اخراج و دستمزدهای معوقه خود دست به اعتراض زدند. اعتراض کارگران در روزهای بعد هم ادامه یافت. در این هفته کارگران مرتباً در مقابل اداره کار ریاض کریم جمعاً اعتراضی برپا کردند. کارگران اعلام کردند که روز ۷ اردیبهشت ماه در مقابل دفتر مرکزی وزارت راه، واقع در میدان آرژانتین تجمع خواهند کرد و مطالبات خود علیه اخراج و گرفتن مزایا و دستمزدهای معوقه را دنبال خواهند کرد. کارگران اخراجی، بخشی از ۲۷۰ کارگری بودند که در طرح این فرودگاه مشغول بکار بودند و به آنها قول شغل جدید، اعطای وام و زمین داده شده بود.

- روز ۲ اردیبهشت ۱۸۰ نفر از کارگران فرودگاه امام خمینی در اعتراض به اخراج خود و دستمزدهای پرداخت نشده دو ماهه خود در محل این فرودگاه تجمع کردند.

- روز اول اردیبهشت ماه کارگران خباز سنندج در اعتراض به ساعات کاری خود در مقابل سندیکای خبازان در خیابان فردوسی در این شهر دست به تجمع زدند. کارگران خواستار تغییر ساعت کار خود شدند.

حزب کمونیست کارگری همه کارگران را فرا می خواند که در برابر تهدید بیکارسازیهها مقاومت برای حفظ اشتغال را دامن زنند. همزمان باید خواستار بیمه بیکاری مکفی و تامین معیشت بیکارشدگان تا زمان برگشت به کار شد و این شعار را به شعار عملی مبارزه در مقابل تعطیلی کارخانه و بیکارسازیهها تبدیل کرد. شرکت فعال خانواده های کارگری در این مبارزات و جلب حمایت صفوف بیکاران از جمله اقداماتی است که امکان اجتماعات گسترده تر و مبارزات قدرتمندتری به کارگران میدهد. \*

کارخانه در طول دو هفته گذشته تعطیل شده اند.

- روز ۶ اردیبهشت ماه جمعی از کارگران ایران خودرو با ارسال نامه سرگشاده ای به هیئت اعزامی کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری جهان به ایران، نسبت به شرایط کار و زندگی خود اعتراض کردند و از این سازمان خواستند که جمهوری اسلامی را برای متوقف کردن مطالبات کارگران زیر فشار بگذارد. در این نامه ضمن اشاره به بی حقوقی کارگران در زمینه ایجاد تشکل خواهان آزادی فعالیت بدون قید و شرط تشکلهای کارگری شدند. از سوی دیگر کارگران با اشاره به نداشتن حق اعتراض، اعتصاب و اجتماع خواستار این شدند که حق اعتصاب و اعتراض از سوی دولت و کارفرمایان برسمیت شناخته شود. در این نامه سرگشاده نداشتن امنیت جانی به دلیل شرایط سخت و نالیمن کار، از نکات دیگر مورد اعتراض کارگران بود و کارگران که تاکنون چند تن از همکاران خود را در جریان حوادث کار از دست داده اند خواستار مجازات عاملین مرگ همکارانشان شدند. همچنین در این نامه با اشاره به اخراج کارگران به بهانه های متفاوت و نقش شرکت های پیمانکار و قراردادهای موقت در ایجاد عدم امنیت شغلی، کارگران خواهان آن شدند که تمام شرکت های پیمانکاری منحل شوند و قراردادهای موقت کار پایان گیرد.

- بنا به گزارشی در ۶ اردیبهشت ماه ۸۰ کارگر کارخانه قفل سازی تکنو پراک (ورامین) از کار بیکار شدند. کارفرما حدود ۸ ماه بود که حقوق کارگران را پرداخت نکرده بود. کارفرمای این کارخانه در یک اقدام ناگهانی کارخانه را تعطیل کرد بدون آنکه حقوق معوقه کارگران را بپردازد. کارگران خواهان پرداخت دستمزدهای معوقه و همچنین دیگر مزایایی هستند که بدلیل اخراج از آنها سلب خواهد شد.

- روز ۶ اردیبهشت ماه کارگران کارخانه کاشی گیلان با تجمع در مقابل استانداری گیلان خواهان امنیت شغلی و حقوق معوقه خود شدند. بخشی از کارگران این کارخانه با بیکار شدن تا ۳۳ ماه از بیمه بیکاری استفاده کرده اند و اکنون پس از حدود ۸ ماه از پایان بیمه بیکاری حقوقی دریافت نکرده اند.

- بنا به گزارشی در ۶ اردیبهشت ماه کارگران کارخانه سامیکو صنعت (همدان) برای گرفتن ۶ ماه حقوق معوقه سال ۸۱ همچنان در حال مبارزه اند. حدود ۱۴ ماه از شکایت کارگران به دادگستری می گذرد ولی شکایت کارگران با بی توجهی مسئولین روبرو شده است.

- روز ۵ اردیبهشت ماه صدها نفر از کارگران خباز شهر سنندج در محل سندیکای خود واقع در خیابان فردوسی تجمع کرده و بر

دریافت نکرده اند.

- بنا به گزارشی در ۱۰ اردیبهشت ماه زمزمه اعتراض و اعتصاب در میان کارگران صنعت آب و برق بر پا شده است. طبق این گزارشات سالهای گذشته تعداد زیادی از کارگران قراردادی که برای موسسات وزارت نیرو کار می کردند اخراج شده اند. بیکارسازی ها را وزارت نیرو انجام داده است و کارگران به این بیکارسازیهها معترض هستند و خواهان استخدام رسمی خود هستند. اکنون زمزمه اعتراض و اعتصاب در میان کارگران صنعت آب و برق شنیده می شود. فضای اعتراض چنان بالا است که نایب رئیس یکی از نهادهای موجود منتسب به کارگران، از احتمال دست زدن به اعتصاب غذا صحبت کرده است.

- در هفته اول اردیبهشت ماه کارگران بازنشسته مجتمع ذوب آهن اصفهان با اجتماع در مقابل ساختمان استانداری اصفهان نسبت به عدم پرداخت پاداش بازنشستگان اعتراض کردند. کارگران اعلام کردند که علیرغم وعده های داده شد، پاداش و اضافه حقوق کافی به آنها پرداخت نشده است.

- روز ۷ اردیبهشت کارگران معدن سنگرود گیلان در اعتراض به عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل دست به اعتصاب زدند. کارگران بعلاوه خواهان پرداخت فوری عیدی و دریافتی های معوقه هستند. در اوایل اردیبهشت ماه نیز کارگران معدن سنگرود برای پیگیری مطالباتشان در مقابل فرمانداری شهرستان رودبار تجمع کرده بودند. معدن سنگرود بیش از ۴۰۰ کارگر دائمی و قراردادی دارد.

- بنا به گزارشی در ۷ اردیبهشت ماه کارگران کارگران شهرداری منطقه یک تهران علیه اخراج خود دست به تجمع اعتراضی زدند و با ارسال یک تومار اعتراضی به شهردار تهران خواهان بازگشت به سر کار شدند. کارگران اخراجی از ۱۰ تا ۲۵ سال سابقه کار دارند. کارگران اخراجی در نامه اعتراضی خود اعلام کردند که از حق خود برای بازگشت به کار کوتاه نخواهند آمد و به اعتراضاتشان ادامه خواهند داد.

- روز ۷ اردیبهشت ماه کارکنان خدماتی بیمارستان بوعلی در اعتراض به بیکار شدن دست به تحصن زدند. کارکنان خدماتی خواهان بازگشت به کار و رسیدگی به مطالباتشان هستند.

- بنا به گزارشی در هفته اول اردیبهشت ماه کارگران کارخانه روشنگر در مشهد نزدیک به یکسال است حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده اند. این کارخانه تولید کننده وسایل برقی بود و دو ماه پیش تعطیل شد بدون آنکه کارفرما حقوق کارگران را بپردازد. کارگران این کارخانه چندماه پیش به اداره کار استان شکایت کردند که نتیجه ای بهمراه نداشت.

- در هفته اول اردیبهشت ماه حدود ۲۰۰۰ کارگر در اثر تعطیل شدن ۴ کارخانه چینی سازی از کار بیکار شدند. این کارخانجات عبارتند از: ماه نشان اصفهان، پارس گیلان، هیس زنجان و نور قزوین. این ۴

- بنا به گزارش روزنامه خراسان ۱۳ اردیبهشت، بازپرس دادرسی جنایی مدیر عامل شرکت ایران خودرو را برای ادای توضیحات در خصوص مرگ یکی از کارگران این کارخانه احضار کرد. تاکنون چندین کارگر در اثر شرایط سخت کار در ایران خودرو جان خود را از دست داده اند. اکنون پزشکی قانونی نیز به عامل فشار کار که منجر به سکنه قلبی شده است انگشت می گذارد. کارگران ایران خودرو خواستار مجازات عاملین مرگ کارگران، کاهش فشار کار و بر خوداری از شرایط ایمن کار هستند.

- روز ۱۲ اردیبهشت تعدادی از کارگران با تحصن در مقابل کارخانه سابق سیمین اصفهان واقع در خیابان چهارباغ بالا روز اول مه را گرامی داشتند. همچنین کارگران کارخانه نساجی رحیم زاده با برپایی تجمع و راهپیمایی روز اول مه را به روز اعتراض خود تبدیل کردند. در این تجمع کارگران کارخانه رحیم زاده با در دست داشتن پلاکاردهایی از اعتصاب معلمان در روز ۱۲ اردیبهشت اعلام پشتیبانی کردند.

- روز ۱۲ اردیبهشت مراسمی با حضور بیش از صد نفر از کارگران و فعالین کارگری به مناسبت گرامیداشت روز جهانی کارگران در سالن فروشگاه بانک سپه در جاده مخصوص کرج، برپا شد.

- روز ۱۲ اردیبهشت نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی به کارگران و مردم در اجتماع اول مه در پارک کوهک این شهر حمله کردند و ۵۱ نفر از کارگران و نمایندگان آنها را دستگیر کردند. در همان آغاز تعدادی از دستگیر شدگان آزاد شدند و هفت نفر آنها در زندان باقی ماندند. اما بدنبال اعتراضات مردم و کارگران و ده روز کمپین اعتراضی حزب کمونیست کارگری ایران دستگیر شدگان سقز در میان جشن و شادی مردم از زندان آزاد شدند.

- روز ۱۱ اردیبهشت به مناسبت اول ماه مه بیش از هزار نفر از کارگران بهمراه خانواده هایشان در تفریحگاهی در جاده چالوس در (آبشار خور) اجتماع کردند و این روز را گرامی داشتند.

- روز ۱۱ اردیبهشت به مناسبت اول ماه مه مراسمی از طرف کارگران فلزکار و مکانیک در تهران در محل تالار پیام در جاده ساره با حضور ۲۰۰ نفر از کارگران و خانواده هایشان برگزار گردید.

- بنا به گفته آرش فراز مشاور حقوقی خانه کارگر، ۵۰۰ هزار کودک در ایران زیر سن مجاز کار مشغول بکار هستند.

- بنا به گزارشی در ۱۰ اردیبهشت ماه کارگران شهرداری تهران در منطقه یک تهران علیه اخراج دست به جمعاً اعتراضی زدند و با ارسال یک تومار اعتراضی به شهردار تهران خواهان بازگشت به سر کار شدند. کارگران اخراجی از ۱۰ تا ۲۵ سال سابقه کار دارند.

- روز ۱۰ اردیبهشت کارگران شرکت ریسندگی فومنات در اعتراض به دستمزدهای پرداخت نشده خود دست به اعتصاب زدند. کارگران این شرکت از اسفند ۸۲ دستمزدی

سایت کارگران

www.kargaran.org

## پرستاران و دور جدیدی از اعتراض و مبارزه

گذشته وعده پرداخت آزا برای سال جاری داد ولی با گذشته حدود ۱۰ ماه از سال هنوز به پرستاران پرداخت نشده است.

خواستهای پرستاران باید فوراً عملی شود. وعده و وعید دیگر بس است. دو سال است که فقط حرف تحویل پرستاران می دهند! جمهوری اسلامی این حکومت ضد آسایش و رفاه مردم را باید با اعتراض و مبارزه متحدانه سرچایش نشانند. حزب از خواستهای پرستاران قویا حمایت می کند و از همه بخشهای مردم می خواهد که به هر نحو ممکن از مبارزات پرستاران حمایت کنند.

### حزب کمونیست کارگری ایران

۱۵ دیماه ۱۳۸۳ - ۴ ژانویه ۲۰۰۵

تامین نیازهای زندگی خود ناچارند ۲ یا ۳ شیفت کار کنند. این در حالی است که پرستاران در معرض ابتلا به انواع بیماریها و مواد سرطان زا قرار دارند. پرستاران در کنار مطالبه افزایش دستمزد، خواستار آند که شغل پرستاری در زمره مشاغل سخت و زیان آور قرار بگیرد و همچنین ساعات کار پرستاران کاهش یابد. در همانحال روند خصوصی سازی بیمارستانها و مراکز درمانی، پرستاران کشور را با نگرانی نداشتن امنیت شغلی و خطر بیکارسازی روبرو کرده است. از سوی دیگر پرستاران خواستار پرداخت فوری و بلادرنگ ۲۰ میلیارد تومانی هستند که دولت در سال

برگزاری تریبون آزاد در مورد مسائل و مشکلات خود به صحبت پرداختند و در آخر یک تومار اعتراضی برای واگذار کردن به مسئولین مربوطه به امضای پرستاران رسید. گفتنی است که برای جلوگیری از ضایعات انسانی، شماری از پرستاران بخشهای اورژانس و مراقبت در محل کارهای خود حاضر بودند.

از سوی دیگر قرار است که پرستاران روز یکشنبه ۲۰ دیماه برای پیگیری خواستهایشان در مقابل ساختمان جدید مجلس اسلامی تجمع کنند. یکی از خواستهای پرستاران افزایش حقوق است. سطح دستمزد پرستاران کشور بسیار پایین است بطوری که پرستاران برای

روز سه شنبه ۱۵ دیماه بیش از ۵۰۰ نفر از پرستاران بیمارستانهای خصوصی و دولتی شیراز در ساختمان مرکزی دانشگاه علوم پزشکی دست به تحصن زدند. این گردهمایی اعتراضی از ساعت ۸ صبح آغاز شد و در آن دانشجویان رشته پرستاری نیز شرکت داشتند. انگیزه اعتصاب پرستاران شیراز، اعتراض به متحقق نشدن خواستههایی بود که پرستاران برای بهبود شرایط کار و زندگی خود در چند سال اخیر طالب آن بوده اند. از سوی دیگر دانشجویان شرکت کننده در این اعتصاب از آینده شغلی خود بعنوان یک پرستار ابراز نگرانی می کردند. در طول مدت زمان تحصن، پرستاران با

## کارگران اور آل

### امضاء محفوظ، اصفهان

حقوق نسبتاً پایینی می دهد؛ که سران مفت خور پالایشگاه به صورت خصوصی مسئول این شرکت هستند.

اما امسال در ماه آذر اورالی در پالایشگاه بندرعباس در پیش است که مسئولیت آزا یک شرکت شیرازی به عهده گرفته است و عملاً دستمزدهای پارسال را نصف کرده است. استادکاری که روزی چهل هزار تومان می گرفت امسال به پانزده هزار تا بیست هزار تومان تقلیل داده شده است. تکلیف کارگران ساده دیگر مشخص است!

دیروز (دو هفته پیش) حول این موضوع جلسه ای در پالایشگاه اصفهان تشکیل شد و کارگران اور آل اعتراض خود را اعلام داشتند. اما پاسخی گرفته نشد و این هم دلیل اش حجم بالای متقاضی کار است که شدیداً به این کار احتیاج دارند. حتی حاضر نشدند ساعت بالای کار را کمتر کنند. ۱۲ ساعت کار از ۶ صبح تا ۶ بعد از ظهر، تازه اگر به اصطلاح خودشان اورآلی در کار باشد که کار تا ۸ شب طول می کشد. چون دستمزد روزانه است و بیمانکار سعی می کند که روزهای این کار کمتر شود تا سود بیشتر ببرد.

به نقل از نشریه "جوانان کمونیست" ۱۷۲

مشغول پتک زدن بود، به دلیل محکم نبودن دسته پتک کارگر دست خود را مورد اصابت قرار داد، که پتک به سر او برخورد کرد، حدود ده دقیقه این کارگر بر روی زمین افتاده بود و می لرزید. اشک از گونه همه جاری شده بود. خوشبختانه بعد از ده روز کارگر بهبودی پیدا کرد. اما هر دو کارگر اخراج شدند آنهم بی هیچ حق و حقوقی. کمترین صحبتی راجع به حقوق کار باعث می شود که شما را سریعاً اخراج کنند و ارتش ذخیره بزرگی هم برای جایگزینی دارند. اما با وجود این در دوره قبلی که در تابستان بود و شامل سه مرحله می شد، در مرحله دوم مرداد ماه عده زیادی از کارگران تجمع کردند و برای اضافه حقوق تهدید به اعتصاب کردند. ده درصد به مطالباتشان رسیدند و بقیه فی الفور اخراج شدند. حتی خط قرمزی بر دور اینها کشیده می شود که دوره های بعدی به کار گرفته نشوند.

شرکت ایرانی کارت که یکی از کثیف ترین شرکتهای پیمانی پالایشگاه است و رئیس آن یک خانم است استثمار بی حد و حصری از کارگران می کند؛ و با این شرایط بدبختی و با فقر کارگران مجبور به تمکین هستند. شرکت دیگر به نام تصفیه گران است که در ازای کار زیاد

اور آل خودش بلکه برای ثبت نام برای دیگر پالایشگاه ها هم اقدام می کند، که پالایشگاه اراک و بندر عباس از این زمره محسوب می شوند.

سال ۱۳۷۵ دو کارگر که در یکی از برج های پالایشگاه مشغول نظافت بودند، دچار خفگی شدند. علت خفگی این بود که شرکت نفت به آنها گاز ماسک نداده بود. محیط آلوده پالایشگاه انواع بیماری های پوستی و ریوی را برای این کارگران به همراه دارد.

این کارگران با وجود این شرایط سخت باز هم به سراغ این کار می آیند. خیل عظیمی از آنها در طی سال کاری جز دوره های ۴۵ روزه در پالایشگاه که شاید دو یا سه بار در سال باشد، ندارند. تازه برای گرفتن همین کار سخت و کثیف غوغایی برپاست. آشنا بازی، پارتی بازی، رشوه، دعوا و یک سوراخ تنگ برای گذر از فیلتر ثبت نام پالایشگاه، تازه اگر به بهانه های مختلف رد نشوی.

از شرایط ایمنی خبری نیست. کثیف ترین قسمت بخش، شستشوی قطعات است که به دلیل نبود دستکش و ماسک با کیفیت بالا بسیاری را در مرز خطر قرار می دهد. یک مثال دیگر از خطرات این کار بیان کنم، کارگری که

هر ساله پالایشگاه اصفهان برای تعمیرات کلی و بازسازی خط تولید و تعویض قطعات فرسوده علاوه بر کارگران و کارکنان رسمی عده ای کارگران پیمانی استخدام می کند. اینها را کارگران اور آل می نامند. بنا بر وسعت کار خود شرکت نفت یا شرکت های پیمانی این قراردادها را به عهده می گیرند.

کارگران اور آل که برای یک ماه یا حداکثر ۴۵ روز قرارداد می بندند به چهار دسته تقسیم می شوند، که بر حسب این تقسیمات حقوق های مختلفی می گیرند، این کارگران به ۱- استاد ۲- مکانیک یک ۳- مکانیک دو ۴- کارگر ساده بخش می شوند که به ترتیب از بالا به پایین در سلسه مراتب حقوقی قرار می گیرند. نکته قابل توجه که باید روی آن دست گذاشت این است که حقوق دریافتی کارگران روز مزد است. و نسبت به کار سختی که می کنند بسیار پایین است. هیچ نوع بیمه درمانی یا بیکاری یا بیمه حوادث به این کارگران تعلق نمی گیرد. شایان ذکر است که این کارگران پیمانی یک وعده غذا با کیفیت پایین و یک عصرانه که شامل یک ساندویس و یک است تعلق می گیرد.

پالایشگاه اصفهان نه تنها برای

سایت روزنه

www.rowzane.com

# تزریق اعتبار در نقش منفور!

## درباره شوراهای اسلامی و سیاست جدید آی ال او

### فاتح بهرامی

همچنانکه در نوشته دیگری در همین شماره کارگر کمونیست اشاره کردم مبارزه طبقه کارگر دارد وارد یک فاز جدید تعرضی میشود. دوره ای که در پیش است حتی مزدوران شوراهای اسلامی و خانه کارگر را بشدت وحشت زده کرده است، مدام دارند توجه مقامات رژیم را به انفجار و اعتصابات سراسری و امثال آن جلب میکنند. میدانند که پیشروی چپ در جامعه و راه افتادن موج برگشت تعرض کارگران موجودیت حکومت و تمام دم و دستگاه اینها را جارو خواهد کرد. به تکاپو افتاده اند و میخواهند در کنار شغل همیشگی خود، جاسوسی و لو دادن فعالین کارگری، چهره مدافع کارگران هم بخود بگیرند تا بلکه حرکت کارگران را مهار کنند. اینها کلا در چهارچوب دفاع از قانون کار ضد کارگری فعلی تلاش میکنند تا مانعی در مقابل اعتراضات کارگران درست کنند و در این جهت هم هست که دائما در پوشش دفاع از "جامعه کارگری" به دولت و کارفرمایان انتقاداتی مطرح میکنند، و بیش از قبل تلاش میکنند که مدافع حقوق کارگران بنظر بیایند. این جنب جوش که هدف اصلی اش آماده شدن برای مقابله با موج سهمگین اعتراض طبقه کارگر است ضمنا خاصیت خودشیرینی برای آی ال او هم دارد که البته به همان هدف اصلی قرار است خدمت کند، چرا که آی ال او هم همین هدف را دارد. این البته نزد کارگران از منفور بودن این جریان ضد کارگری کم نمیکند. کارگران قدیمی تر و بخصوص کارگران چپ و سوسیالیست که با توطئه ها و عملکرد این ارگانهای رژیم علیه کارگران آشنائی دارند مضمون و "دفاع" اینها از کارگران را بخوبی میشناسند. با اینجود افشاگری دائم از این جریانات ضد کارگری ضروری است، زیرا بهرحال کارگران جوانتر و نامطلع از سابقه این تشکلات ضد کارگری ممکن است در معرض توطئه های اینها قرار بگیرند. نباید گذاشت حتی یک نفر بدام توطئه اینها بیفتد و به آنها متوهم شود.

سیاست شوراهای اسلامی و خانه کارگر بخصوص در این دوره اینست که در چهارچوب قانون کار ضد کارگری رژیم خود را در کنار کارگران قرار دهند تا سیاست همیشگی خود را پیش ببرند. یعنی ایجاد تفرقه بین کارگران و جلوگیری از متحد شدن و تشکلیابی آنان، جاسوسی و شناسائی فعالین و رهبران سوسیالیست و رادیکال کارگران، مهار کردن مبارزات رادیکال کارگری و به شکست کشاندن و سرکوب اعتصابات و انداختن اعتراض کارگر به مسیر عریضه نویسی برای خود آنها و ارگانهای ذریبط حکومت، و غیره. توطئه عکس گرفتن این جریان رسوا را با کارگران و همچنین حمایت اخیر سازمان جهانی از اینها را باید در میان توده کارگر افشا کرد. سازمان جهانی کار (آی ال او) سالها عناصر خانه کارگر و شوراهای اسلامی را بعنوان "نماینده کارگران" پذیرائی میکرد و آنها را به کنفرانس های خود دعوت میکرد. اما بدنبال رقابت ها و دعوای باند مشارکتی ها با خانه کارگر و شوراهای اسلامی بر سر کنترل و سرکوب مبارزات کارگران و علم شدن انجمنهای صنفی، و جایگزینی صفدر حسینی بجای کمالی در وزارت کار، آی ال او سیاستش را تغییر داد. آی ال او در واقع خود را با تعویض وزیر کار و هیاهو بر سر انجمن های صنفی مشارکتی ها همراه کرد و حدود دو سال پیش در گزارشی که در نوامبر ۲۰۰۲ منتشر شد اعلام کرد که شوراهای اسلامی نماینده کارگران نیستند. با وزیر کار وقت به توافقاتی بر سر انجمن های صنفی بعنوان "تشکل های قانونی کارگران" رسیدند و برای شوراهای اسلامی نقش مشورتی قائل شدند. صفدر حسینی هم این نقش انجمنهای صنفی را برسمیت شناخت و هیاهویی بر سر اینکه کارگران دارای تشکل میشوند براه افتاد و سندیکالیست ها هم دوباره به جنب و جوش افتادند و نامه های تقدیر برای صفدر حسینی ارسال کردند. ما همانموقع در مورد این مضحکه و دلایل این اتفاقات مفصل در

کارگر کمونیست شماره ۲ صحبت کردیم و گفتیم که این انجمن های صنفی بجائی نمیرسند و بدنیا نیامده محتوم به شکست است، انجمن صنفی هم مانند شوراهای اسلامی ارگانهای دست ساز رژیم هستند و کارگر آنها تحویل نمیگیرد، و باند مشارکتی ها نیز همانند باند خانه کارگر نمیتوانند در مقابل رادیکالیسم جنبش کارگری بایستند و این نهادها را بعنوان تشکل کارگری به کارگران حقه کنند. همینطور شد، و اکنون نه تنها انجمن صنفی ای پا نگرفته بلکه همان توافقات بین حکومت و آی ال او هم مالید.

اما آن توافقات چرا مالید و چه دلیلی دارد؟ آی ال او در مهرماه امسال به توافق جدیدی با حکومت اسلامی در مورد شوراهای اسلامی دست زد. این توافق حاکی از این است که با تغییراتی در قوانین و آئین نامه های مربوطه، شوراهای اسلامی شرایط مقابله نامه های ۸۷ و ۹۸ آی ال او را برآورده خواهند کرد و باین ترتیب از نظر آی ال او شوراهای اسلامی تشکل های کارگری قانونی و قابل دفاع خواهند بود. اینکه آی ال او چنین آشکار و مستقیم مقابل طبقه کارگر میایستد و این نهادهای معلوم الحال را به عنوان تشکل کارگران ایران برسمیت میشناسد چند دلیل دارد. اول اینکه تلاش و امید قبلی آی ال او مبنی بر همکاری با رژیم برای فروختن انجمن های صنفی به کارگران به باد رفت و این انجمن ها بجائی نرسیدند و درست نشدند. و نه تنها این بلکه حتی اگر از نظر آی ال او این امکان هم وجود داشت که این انجمن ها بجائی برسند، دیگر بدنبال شکست کامل دوحرداد در انتخابات مجلس هفتم و سر کار آمدن جناح راست و تبدیل شدن خاتمی به دلچک بارگاه خامنه ای شانس مشارکتی ها و انجمن های صنفی شان نزد آی ال او عملا سوخت. و آی ال او در ادامه سیاست قبلی خود مبنی بر مماشات با حکومت اسلامی اینبار گام بلندتری در دفاع از شوراهای اسلامی برداشت. دوم اینکه آی

ال او سازمانی نیست که مدافع حقوق کارگران باشد. این سازمان هر جا هم از وجود تشکل کارگری دفاع میکند تشکلهائی را مد نظر دارد که در بهترین حالت، در چهارچوب نظم موجود و رعایت حال کارفرما و دولت، بتواند با کارفرما چانه بزند و اتحادیه های کارگری در غرب نمونه های خوب آن هستند. اما همین هم در کشورهایی که سازماندهی اقتصاد آن مبتنی بر کار ارزان است موضوعیت ندارد چرا که جدا از عدم پایه و توان رفرمیسم در این کشورها، خود سیستم کار ارزان با باز گذاشتن دست طبقه کارگر برای ایجاد تشکل های خود و مستقل از دولت در تناقض میافتد. باین دلیل در چنین کشورهایی حتی اگر اتحادیه کارگری هم وجود داشته باشد، نه به معنای همسوئی سیاسی با منافع جناحی از بورژوازی که ممکن است در قدرت باشد یا نباشد، بلکه به اشکال مختلف یا در کنترل دولت است و یا عمدتا کاری برای رفاه طبقه کارگر از دستشان ساخته نیست. اما دلیل سوم که در مورد ایران بویژه برجسته است اینست که سیاست آی ال او در قبال کارگران و دولت نیز مشابه سیاست کشورهای غربی است که در مقابل چپ و کمونیسم، و بخصوص وقتی که آلترناتیو حاضر و آماده بورژوازی در مقابل رژیم نباشد، از کل حکومت موجود حمایت میکنند. آی ال او میداند که طبقه کارگر ایران یکبار رادیکالیسم و شورائی بودنش را در جریان انقلاب ۵۷ نشان داد و از ۵۷ تاکنون نیز زیر برق سرنیزه جمهوری اسلامی و در غیاب حق تشکل و اعتصاب هر روز به اشکال رادیکال و "غیر قانونی" دارد مبارزه میکند. و مهمتر اینکه وضعیت سیاسی ایران، نشانه های شروع تعرض طبقه کارگر، اتکالی کارگران به مجامع عمومی، و چشم انداز انقلاب و برپا شدن شوراهای کارگری آی ال او را به صرافت این میاندازد که تکلیفش را با کارگران ایران روشنتر کند و مستقیم تر در کنار ارگانهای ضد کارگری شوراهای اسلامی بایستد. در واقع از نظر آی ال او شوراهای



## پیام کنگره پنجم حزب کمونیست کارگری به کارگران ایران

رفقای کارگر،

دردهای گرم و پرشور کنگره پنجم حزب را بپذیرید.

کشیدن رژیم نکتت بار اسلامی هرچه گسترده تر، سازمانیافته تر، هدفمند تر و قدرتمند تر به پیش رود و هرچه سریعتر و کم مشقت تر به نتیجه برسد. پیروزی کمونیسم کارگری و رهائی مردم در جدال تاریخساز کنونی قبل از هر چیز در گرو این است که طبقه کارگر بعنوان يك نیروی مستقل و تحت پرچم سوسیالیستی خود پا به میدان مبارزه بر سر قدرت سیاسی بگذارد. اتحاد کارگران و اتکای رهبران و فعالین کارگری به حزب و سیاستهای آن مهمترین پیش شرط برای پیروزی در این مبارزه است.

رفقای کارگر،

حزب کمونیست کارگری حزب شماست. حزب شما برای هدایت انقلاب، برای زدن مهر آزادیخواهی و راه حل کارگری بر تحولات آتی است. حزب را با تمام قوا حمایت کنید. به حزب پیوندید و با به زیر کشیدن حکومت اسلامی و برپائی حکومت کارگری دست به کار پایان دادن به نظامی شوید که کل بشریت را به بند کشیده است. از انقلاب مشروطیت تا امروز جریانات متفرقه بورژوازی نسل اندر نسل کارگران و اکثریت مردم را به بدبختی و فلاکت محکوم کرده اند. اینبار اجازه نمیدهیم. اینبار حزب کمونیست کارگری در صحنه حاضر است. اینبار نوبت کمونیستهای کارگری و پرچم يك دنیای بهتر است.

به حزب پیوندید و ساختن دنیائی آزاد و برابر و شاد و مرفه را به همگان نوید دهید.

کنگره پنجم حزب کمونیست کارگری ایران  
شهریور ۱۳۸۳ - سپتامبر ۲۰۰۴

در تاریخ معاصر ایران هیچوقت مانند امروز طبقه کارگر در عرصه سیاست نمایندگی نشده و هیچ زمانی کارگر تا این درجه شانس به قدرت رسیدن و امکان تغییر بنیادی جامعه را نداشته است. امروز حزب کمونیستی کارگران با در دست داشتن پرچم آزادی کل جامعه در صحنه سیاست ایران حضور دارد و طبقه کارگر و اکثریت مردم محروم را در برابر رژیم اسلامی و سایر طبقات و جنبش ها و احزاب آنها نمایندگی میکند. به یمن حضور قدرتمند کمونیسم، جامعه ایران در سالهای اخیر مرتباً به چپ چرخیده است. خواست آزادی و برابری، نفرت از مذهب و حکومت مذهبی، نفرت از بیحقوقی زن، نفرت از خفقان و تبعیض سیمای واقعی جامعه امروز ایران را ترسیم میکند. حزب کمونیست کارگری و طبقه کارگر باید تضمین کنند که در تحولات تعیین کننده آتی، کل مردم آزادیخواه را، کل زنان و مردان برابری طلب را، کل مردم به جان آمده از مذهب و حکومت مذهبی را به میدان بیاورند و نمایندگی کنند.

جمهوری اسلامی رفتنی است، اما تحولات امروز فقط بر سر بود و نبود جمهوری اسلامی نیست. مسئله بر سر سرنوشت و آینده يك جامعه هفتاد میلیونی است. زندگی و آینده دهها میلیون انسان، رهائی آنها از استعمار، فقر، بیکاری، تبعیض، و انواع جهل و خرافه تماماً در گرو پیروزی کمونیسم و ایجاد يك جامعه سوسیالیستی است. طبقه کارگر و جنبش کمونیسم کارگری باید تضمین کند که مبارزه برای بزرگ

کشورهای دیگر نیز، بوجود بیاید. اما مساله مهم اینست که مستقل از مشکلات کل حکومت در برآورده کردن شرطهای مورد توافق آی ال او، روند تعرضی و رو به جلو مبارزه طبقه کارگر بعید است حتی فرجه ای به رژیم و ارگانهای ضد کارگری آن بدهد که برای بررسی تغییرات در قوانین و آئین نامه های شوراهای اسلامی و بازبینی قانون کار کاری نکنند. بنظر من سر بلند کردن اعتراضات جدی کارگری حتی لباس ریاکاری شوراهای اسلامی در "دفاع از حقوق کارگران" در چهارچوب قانون کار را نیز بدر خواهد آورد و آنها را مجبور خواهد کرد تا علناً در کنار نیروهای سرکوب رسمی رژیم قرار بگیرند، یعنی علناً همان نقشی را بعهده بگیرند که فلسفه وجودیشان را تشکیل میدهد. شوراهای اسلامی را باید از کارخانه ها و محیطهای کار جبارو کرد و بیرون انداخت. \*

زیرا اولاً خود این توافق منوط به تغییراتی در قوانین و آئین نامه های شوراهای اسلامی و بازبینی فصل ششم قانون کار در مورد تشکلهای کارگری و کارفرمایی است، و این با توجه به اختلافات درون جناحهای حکومت و در خود جناح راست مسیر ساده ای نیست. تازه بفرض اگر اینکار صورت بگیرد، تا به اتحادیه ها برمیگردد، آنقدر سند و مدرک علیه حتی عملکرد امروز و آتی این نهادهای ضد کارگری وجود دارد و خواهد داشت که بتوان تلاش کرد تا نه تنها فشار سازمانهای کارگری در کشورهای مختلف از روی جمهوری اسلامی برداشته نشود بلکه روی آی ال او هم متمرکز شود. باید برای افشای آی ال او نزد اتحادیه های کارگری از هم اکنون دست بکار شد. این باعث میشود که زمینه مناسبی برای محدود کردن اتخاذ سیاستهای ضد کارگری آی ال او، نه تنها علیه کارگران ایران بلکه علیه کارگران

کارگری مورد نظر خود دم در وزارت کار و نهادهای قانونی غش میکند، ممکن است اینبار هم بدنبال مجرائی باشد که در متن این توافق بازی داده شوند. اگر شور و شعف بار قبل در دفتر صفدر حسینی خیلی زود به ناامیدی بدل شد، اینبار هرچقدر که این موضوع را در بوق کنند یا به آن توکل کنند بهمان اندازه نزد کارگران بی اعتبارتر خواهند شد. گرایش راست سندیکالیستی در جنبش کارگری ایران وزنه ای نیست و بهمین دلیل هم تحركات آنها توجه کارگران را جلب نمیکند، چون اساساً کسی سرش را بطرف جریان باند سیاهی خانه کارگر و شورای اسلامی برنمیگرداند. در مورد تاثیر سیاست اخیر آی ال او روی اتحادیه های کارگری گرچه ممکن است برخی اتحادیه ها در دفاع از مبارزات کارگران و علیه رژیم دچار تردید بشوند، اما در مجموع این نیز مساله ای ایجاد نمیکند و حمایت از طبقه کارگر ایران را تضعیف نمیکند.

اسلامی تنها امکانی است که این سازمان میتواند در جهت کنترل طبقه کارگر به آنها تکیه کند و زیر بغل جمهوری اسلامی را بگیرد که با بزک کردن چهره ضد کارگری حکومت مبنی بر تعهد به مقابله نامه های آی ال او بلکه فشار دولتهای غربی و تشکلهای کارگری در سطح جهان را بر این حکومت کم کند. اما واضح است که نزد طبقه کارگر ایران نه تنها تصمیم آی ال او کوچکترین اعتباری برای خانه کارگر و شوراهای اسلامی بوجود نمیآورد، بلکه برعکس، ضد کارگری بودن این سیاست و تصمیم را به گردن آی ال او آویزان میکند. این کار آی ال او شبیه تزریق ویتامین اعتبار در نعش يك منغور است، خاصیتی دارد؟ شاید تنها "خاصیت" این باشد که کوره راه دیگری را برای سندیکالیستها در گرایش راست جنبش کارگری باز کند! چون این گرایش در جنبش کارگری که با دیدن هر روزنه "قانونی" برای درست کردن شکل

## به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

Workers of the World Unite!

# Communist Worker 6&7

A Publication of the Worker-communist Party of Iran

on the Working Class Movement Issues

No. 6 & 7, January 2005

## سرمایه داری

### ترازنامه عملی

نیروی قهریه بورژواهای محلی و بین المللی روبرو میشود. دولت، نهاد مذهب، رسانه ها و دستگاههای تبلیغاتی عظیم بورژوازی، سنتها و اخلاقیات و نظام تربیتی و آموزشی طبقه حاکمه سازنده ذهنیت های عقب مانده، متعصب و تبعیض گر در بین توده مردم و نسلهای پی در پی است. جای تردید نیست که این سرمایه داری و بورژوازی است که سد راه نقد و تغییر جهان امروز توسط میلیونها انسانی است که نه فقط از نظام موجود به تنگ آمده اند بلکه کمابیش خطوطی را که يك جامعه شایسته انسان باید بر طبق آن سازمان یابد شناخته اند.

امروز، در انتهای قرن بیستم، در اوج جهانی شدن سرمایه و سرمایه داری، در دل عظیم ترین انقلابات تکنولوژیکی، بشریت در یکی از خطیر ترین دوره های تاریخ خود سیر میکند. مساله بقاء فیزیکی معضل میلیونها انسان از کشورهای فقر زده آفریقا و آسیا تا قلب پایتختهای اروپای غربی و آمریکا است. امید توسعه اقتصادی جوامع عقب مانده دیگر به تمامی به یاس مبدل شده است. رویای رشد جای خود را به کابوس دائمی قحطی و بی غذایی و بیماری داده است. در اروپا و آمریکای پیشرفته بدنال سالها رکود عمیق اقتصادی، نوید نیم بند "رونق بدون اشتغال"، عینا همین کابوس را جلوی دهها میلیون خانواده کارگری گرفته است. جنگ و مردم کشی در ۵ قاره بیداد میکند. عظیم ترین عقبگردهای فکری و فرهنگی در جریان است، از بالا گرفتن مجدد جهالت مذهبی، مردسالاری، نژاد پرستی، قوم پرستی و فاشیسم تا سقوط حقوق و شان فرد در جامعه و رها شدن هستی و زندگی میلیونها مردم از کودک و پیر و جوان به دست بیرحم بازار آزاد. جنایت سازمان یافته در اغلب کشورها به يك واقعیت پابرجا در زندگی روزمره مردم و حیات اقتصادی و سیاسی کل جامعه تبدیل شده است. اعتیاد به مواد مخدر و قدرت روز افزون شبکه های جنایی تولید و توزیع آنها يك معضل عظیم و لاینحل بین المللی است. نظام سرمایه داری و اصل اصالت سود کل محیط زیست را با خطرات جدی و لطمات جبران ناپذیری روبرو ساخته است. در این میان متفکرین و سخنگویان بورژوازی حتی مدعی ارائه پاسخی در قبال این اوضاع نیستند. این واقعیت عملی سرمایه داری امروز است که آینده بسیار هولناکی را پیشروی کل مردم جهان گرفته است.

نظام سرمایه داری مسبب و عامل بقاء کلیه مصائب گریبانگیر انسان امروز است. فقر و محرومیت، تبعیض و نابرابری، اختناق و سرکوب سیاسی، جهل و خرافه و عقب ماندگی فرهنگی، بیکاری، بی مسکنی، ناامنی اقتصادی و سیاسی، فساد و جنایت همه و همه محصولات گریز ناپذیر این نظامند. سخنگویان بورژوازی در انکار این حقیقت، خاطر نشان میکنند که این مصائب را سرمایه داری ابداع نکرده است، که همه اینها مقدم بر سرمایه داری وجود داشته اند، که استثمار و تصاحب دسترنج تولید کنندگان، استبداد، تبعیض، ستمکشی زن، جهل و خرافه و مذهب و فحشاء کمابیش به قدمت خود جامعه بشری اند.

آنچه در این میان پرده پوشی میشود این واقعیت است که اولاً، همه این مصائب و محرومیتها در این جامعه محتوا و معنای جدیدی متناسب با نیازهای جهان سرمایه داری یافته اند و هر روز از نو در متن سرمایه داری مدرن امروز، به عنوان اجزاء لایتجزای این نظام، باز تولید میشوند. منشاء فقر و گرسنگی، بیکاری و بی مسکنی و ناامنی اقتصادی در انتهای قرن بیستم، نظام اقتصادی انتهای قرن بیستم است. استبدادها و دیکتاتورهای خونین، جنگها، مردم کشی ها و سرکوب و اختناق که سهم صدها میلیون انسان امروز از زندگی است، حکمت خود را از نیازها و ملزومات نظام حاکم بر جهان امروز میگیرد و به منافعی در همین جهان خدمت میکند. فرودستی زن امروز در کل پهنه جهان، محصول اقتصاد و اخلاقیات قرون وسطی نیست، محصول نظام اقتصادی و اجتماعی و ارزشهای اخلاقی جامعه امروز است.

ثانیا، این بورژوازی و نظام سرمایه داری است که دائماً به سرسختانه ترین وجه با تلاش هرروزه توده های وسیع مردم در چهارگوشه جهان برای فائق آمدن بر این مشقات و محرومیتها و عقب ماندگی ها مقابله میکند. تلاش هرروزه کارگر برای بهبود اوضاع اقتصادی و رفاهی و حقوق مدنی توده وسیع مردم با مانعی جز بورژوازی و دولتها و احزاب و مبلغینش روبرو نیست. خیزش های توده های وسیع مردم در مناطق عقب مانده و محروم برای دخالت در سرنوشت خویش، بعنوان اولین مانع با

از "یک دنیای بهتر"، برنامه حزب کمونیست کارگری